



پیام فدائی

هرک برای ما میسر
و سگهای زنجیریش

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

بها: ۵۰ ریال

بهمن و اسفند ۶۶ - ۶۶ صفحه

سال دوم شماره ۱۸

فلسطین: مشعل فروزان مقاومت

در ماههای اخیر با اوج یابی جنبش انقلابی خلق فلسطین، بار دیگر آتش خشم و طغیان توده های انقلابی، سرزمینهای اشغالی فلسطین و کرانه غربی رود اردن را فرا گرفته است. مبارزه و مقاومت خلق در زنجیر فلسطین پس از سالها تداوم و فراز و نشیبهای بسیار میروند تا بار دیگر لرزه بر اندام امپریالیستها و صهیونیستها و سایر مرتجعین و مزدوران منطقه ای شان بیندازد و خواب خوش غارت و جپاول توده های محروم و رنج دیده را بر آنها در صفحه ۱۱ حرام کند.

ارتش و سپاه فدای خلقی دو تشکیلات بسیار ضروری برای جمهوری اسلامی

صفحه ۲۳

بیاد شهدای جاوید ۱۱ اسفند

صفحه ۶۶



چهره تهران در جنگ شهرها

صفحه ۴۱

اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران

در رابطه با موشک باران تهران و بغداد

صفحه ۳۳

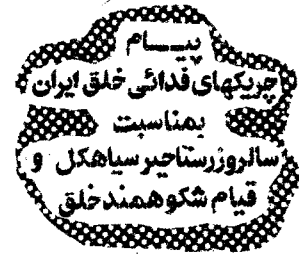
گزارشی از روزنامه های ترکیه

صفحه ۳۴

درسهائی از قیام بهمن

- ۴۴ گفتنها و نکته ها
- ۴۵ از پیش نویس برنامه ۰۰۰ شعری: مبارزه من که ۰۰۰۰۰ اخبار
- ۵۶ روز شمار بهمن و اسفند
- ۶۴ شهدای بهمن و اسفند چریکهای فدائی خلق ایران
- ۶۵
- بیاد قیام شکوهمند بهمن را گرامی میداریم با ییاد زنده دهها هزار شهیدی که در راه تحقق اهداف انقلابی خلقهای قهرمان ایران سینه خود را سپر کلوله های مزدوران ارتشش شاهنشاهی و ییاد عبارتی رساتر ارتش امپریالیستی نمودند. ییاد آن تلاش های بس دریغ انقلابی گرامی باد که مردم دلاور در صفحه ۱۶

سرمقاله



ستاخر سیاهکل و قیام بهمن دو واقعه بزرگ و تاریخی در مسیر خونین مبارزات خلقهای ما میباشند، که چریکهای فدائی خلق هر سال با گرامیداشت این روزهای بزرگ ضمن تجلیل از فداکاریها و جانبازیهای رزمندگان سیاهکل در ۱۹ بهمن سال ۴۹ و توده های ملیونی در قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۵۷ به درس گیری از تجربیاتی که با خون این شهدای گرانقدر بدست آمده است پرداخته و یاد مبارزین سرفراز این روزهای تاریخی را که با نثار خون خود در صفحه ۲

گزیده هائی از راهیوعدای چریکها:

جمهوری اسلامی و مسئله انتخابات

جمهوری اسلامی و عاقلد دفاع از حقوق بشر

جمهوری اسلامی و درمان و بهداشت در کردستان

صفحه ۴۸

گرامی باد ۸ مارس، روز جهانی زن!

صفحه ۶۶

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

پیام چریکهای فدائی خلق ایران

بمناسبت سالروز رستاخیز سیاهکل و قیام شکوهمند خلق

از صفحه ۱

نهال انقلاب ایران را بارور ساختند ، گرامی میدارند .

در ۱۹ بهمن سال ۴۹ با حمله چریکهای فدائی خلق به پاسگاه سرکوبگر رژیم مزدور شاه در سیاهکل ، مبارزه مسلحانه بر علیه سلطه امپریالیسم و سگهای زنجیریش در ایران آغاز گشت . مبارزه ای که نابودی ارتش ضد خلقی بمثابه عمده ترین عامل بقای سلطه امپریالیسم را در دستور کار خود قرار داده و برای رسیدن به این هدف در جهت تشکیل ارتش خلق پیش میرفت .

سیاهکل بمثابه تجلی سالها مبارزه خلقهای تحت ستم ما ، پاسخی به سالها سلطه ددمنشانه امپریالیسم و رژیمهای دست نشانده اش بود . رژیمهایائی که با اعمال دیکتاتوری عریبان به وحشیانه ترین شکلی به سرکوب مبارزات برحق توده ها ، برای تسهیل غارت و استثمار دهشتناک آنها پرداخته و در این راه به هر جنایتی متوسل میکردند .

اگر در بهمن ۴۹ رزمندگان سیاهکل با آغاز

مبارزه مسلحانه و اعلان جنگی به رژیم مزدور شاه و اربابان امپریالیستش در واقعیت "جزیره ثبات" و امنیت ادعائی شاه مزدور را به مسخره گرفته و در جهت درهم شکستن " قدر قدرتی" شاهانه گام برداشتند در بهمن ۵۷ که اوج مبارزات توده های بیخاسته در سالهای ۵۷ - ۵۶ بود نیز توده های قیام کننده با درگیری از مبارزه مسلحانه ای که این رزمندگان آغاز گر آن بودند ، جزیره ثبات و امنیت کدائی را در دریای خشم خویش غرق ساخته و ضمن تداوم بخشیدن به راه آن رزمندگان جان بر کف بروشنی حیرت انگیزی نشان دادند که " آنچه نسیمی تند " نامیده میشد چگونه به " طوفانی ویران کننده " برای واژگونی نظم مستقر تبدیل گردید .

اما شکست اجتناب ناپذیر قیام بهمن به اعتبار مجموعه شرایطی که مبارزه طبقاتی در جامعه ما در آن جاری است ، از جمله عدم شکل طبقه کارگر ، این انقلابی ترین طبقه زیر سلطه ، که رسالت رهبری انقلاب را بردوش دارد و عدم وجود

ستاد رزمنده این طبقه که خود الزاما در بستر مبارزه مسلحانه ایجاد میگردد ، باعث گردید تا سلطه امپریالیستی استمرار یافته و صرفا اشکال حکومتی این سلطه تغییر نماید .

با جایگزینی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به جای رژیم مزدور شاه و شکست قیام بهمن ، جمهوری اسلامی در چارچوب وظایف ضد خلقی خود یورش ددمنشانه ای را به دستاوردهای قیام شکوهمند خلق به وحشیانه ترین شکلی سازمان داده و کوشید با سرکوب مبارزات توده های ستمدیده جزیره "ثبات و آرامش" کدائی را دوباره احیا سازد .

از کشتار خلقهای کرد و عرب و ترکمن تا سرکوب مبارزات کارگران و دهقانان از حمله به دانشجویان و بستن دانشگاهها تا یورش به زنان همه از زمره جنایاتی بود که این رژیم جنایتکار در ابتدا در جهت لگد مال کردن دستاوردهای انقلاب توده ها به آنها توسل جست . اما مقاومت دلیرانه توده ها و

روگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

از جمله مبارزه مسلحانه خلق گرد و مقاومت قهرمانانه این خلق رزمنده در مقابله با این تعرض وحشیانه ، جمهوری اسلامی را در موقعیتی قرار داد که نتوانست به اهداف سرکوبگرانه خود بطور کامل نائل آید .

با آغاز جنگی امپریالیستی ایران و عراق که اساسا در چارچوب مصالح جهانی و منطقه ای امپریالیسم سازمان یافته و به همین دلیل هم تاکنون تداوم داشته است ، رژیم مزدور خمینی فرصت یافت تا به بهانه این جنگ که جز کشتار جوانان و ویرانی و فلاکت اقتصادی حاصلی برای توده ها در برنندارد ، سرکوب انقلاب را با سرعت و شدت هرچه بیشتری دنبال نماید .

جنگ ایران و عراق که در همان آغاز ، خمینی مزدور با وقاحت تمام آنرا یک " برکت الهی " اعلام نمود در جریان تداوم ۷ ساله خود آشکار ساخت که بواقع ، هم برای اربابان امپریالیست خمینی ، و هم برای رژیم ددمنش جمهوری اسلامی "برکت" بزرگی میباشد .

اگر امپریالیستها صرفنظر از تمام فوایدی که جنگ امپریالیستی ایران و عراق نصیب آنان میسازد به بهانه این جنگ خاورمیانه را به دژی نظامی تبدیل نمودند و به این وسیله میلیاردها دلار سود به جیب زدند (*) جمهوری اسلامی

نیز در صحنه داخلی کشور استفاده های مختلفی از این جنگ نمود. در جریان بیش از ۷ سال جنگ ایران و عراق و بهانه شرایط جنگی حاکم بر جامعه این رژیم ددمنش در جهت لگدمال نمودن دستاوردهای انقلاب از هیچ جنایتی دریغ نورزید. از جمله در پوشش همین جنگ ارتجاعی بود که با تمرکز نیروی عظیمی در کردستان ، جنبش خلق کرد ، که به حق بزرگترین دستاورد آن قیام شکوهمند میباشد را مورد یورش وحشیانه خود قرار داده و ضربات بس بزرگی به آن وارد ساخت . به این ترتیب با تشدید اعمال سرکوبگرانه رژیم به بهانه شرایط جنگی بار دیگر وبا وضوح هرچه بیشتری آشکار گردید که یکی از برکات جنگ ارتجاعی ایران و عراق همانا سرکوب انقلاب میباشد که جمهوری اسلامی این مجری حلقه به گوش سیاستهای امپریالیستی باوحشیکری تمام در کشور ما درحال پیشبرد آن است .

امروزه نتایج و عواقب بیش از ۷ سال تداوم جنگی امپریالیستی ایران و عراق ، این جنگ را به یکی از مهمترین مسائل جامعه ما تبدیل ساخته و از آنجا که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی علیرغم تمایل توده های ستمدیده ، به استمرار این جنگ ویرانگر تاکید نموده و علیرغم

خواست آنان مبنی بر استقرار صلحی دمکراتیک ، همچنان بر طبل جنگ میکوبد و فزاینده تر از آن در جهت منافع امپریالیستها در راستای گسترش آن گام برمیدارد ، این واقعیت برجستگی هرچه بیشتری یافته است .

در یکسال اخیر رژیم مزدور جمهوری اسلامی با سازمان دادن وقایعی که در جریان مراسم حج امسال در مکه بوجود آورد ، با موشک باران اسکله های نفتی کویت و انجام یکسری اعمال تروریستی در این کشور و با تشدید جنگ نفتکشها در خلیج فارس و ناامن ساختن این آبراه هم در این راستا زمینه چینی نموده است و هم راه را برای حضور هرچه بیشتر ناوگان های جنگی امپریالیستها در خلیج و نمایش مسخره جنگ زرگری با امریکا آماده نمود . حال با توجه به اهمیتی که این امر برای انقلاب ما در بردارد لازم میدانیم ، در پرتو آموزشهای رزمندگان سیاهکل و تجربیات حاصل از مبارزات توده های میلیونی در قیام بهمن به بررسی این موقعیت پرداخته و باردیگر وظایف مبارزاتی ای که

(*) - بر اساس گزارشات خیرگزاریهها تنها در سال گذشته حدود ۴۵٪ از سلاحهای فروخته شده در سطح جهان بوسیله کشورهای منطقه خاورمیانه خریداری شده است .

جمهوری اسلامی و خیرگزاریهایی مختلف قرار دارد، بدنبال باصطلاح تیره شدن روابط کویت و ایران و حملات باصطلاح قایقهای تندروی ایران به نفتکشها و مین گذاری آنان در آبهای خلیج فارس، به بهانه حمایت از کویت در مقابل حملات ایران و با توجیه حفظ امنیت در خلیج فارس صورت گرفت که معنای واقعی آن جز این نبود که زمینه ورود ناوگانهای امریکائی به خلیج فارس را، رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با اقدامات آنچنانی خود و در عین حال با تبلیغات تهدیدآمیزی که برعلیه کویت و عربستان براه انداخته بود، فراهم ساخته است. که البته بدنبال آن ناوگان دیگر کشورهای امپریالیستی از فرانسه گرفته تا بلژیک و هلند و غیره نیز در آنجا حضور یافتند. یکی از دلایل اینکه میبایست برای ورود ناوگانهای امپریالیستی در خلیج فارس توجیهی تراشیده شود، مساله افکار عمومی مردم آن کشورها است که امروز بیش از آنچه که در جریان دخالت امریکا در ویتنام نشان داده شد، آنها شدیداً برعلیه دخالت نظامی دولتهای حاکم بر کشور خود در کشورهای دیگر میباشند. این موضوع همراه با ضرورت کتمان چهره وابسته جمهوری اسلامی و ضد امپریالیست جلوه دادن او، در

تشخیص داده اند. براین اساس در ماههای اخیر بردوش رژیم مزدور جمهوری اسلامی بعنوان مجری سیاست های امپریالیستی در منطقه وظایف جدیدی قرار گرفته است که هر روز گوشه ای از آن وظایف را با عملکردهای نوینی بنمایش میگذارد.

بی مناسبت نیست که امروز آوازه باصطلاح "قایقهای تندروی جمهوری اسلامی" که گویا هیچ کشتی مگر اینکه حرکتش در خلیج فارس مورد تأیید جمهوری اسلامی باشد از حملات آنها در امان نیست، در همه جا پیچیده است و بی مناسبت نیست که یکباره رابطه رژیم جمهوری اسلامی با دولت کویت آنچنان به تیرگی میگراید که کار به موشک باران پایانه نفتی کویت از طرف ایران و انجام اعمال تروریستی در داخل خاک کویت از طرف باصطلاح نیروهای حزب الله طرفدار جمهوری اسلامی میکشد و بی مناسبت نیست که یکباره رژیم نیروی کاملاً چشمگیری را که اغلب از پاسداران و اراذل چماق بدست و چاقوکش تشکیل یافته بود به مکه میفرستد و در مراسم حج، آن فاجعه ای را ببار میآورد که همگان از آن آگاهند.

نصب پرچم امریکائو شوروی بر روی کشتیهای حامل نفت و سپس اسکورت محموله های نفتی کویت توسط ناوگانهای غول پیکر امریکائی در آبهای خلیج فارس، همچنانکه مورد تأیید و تأکید

این موقعیت در مقابل ما قرار میدهد را مرور نمائیم.

همانطور که میدانیم امپریالیست ها جنگ ایران و عراق را در توافق با رویزیونیستها جهت فائق آمدن بر بحرانهای وسیع اقتصادی که نظام جهانی سرمایه داری را فرا گرفته است سازمان داده اند تا ضمن سرشکن کردن هرچه بیشتر بار این بحران بردوش کشورهای درگیر با میلیتاریزه کردن منطقه و گسترش حضور نظامی خود در آنجا آمادگی هر چه بیشتری در جهت سرکوب انقلاب بدست آورند.

اکنون پس از گذشت ۷ سال با در نظر گرفتن برکات فراوانی که جنگ در خدمت اهداف فوق برای امپریالیستها داشته است، نیاز امپریالیستها به این جنگ نه تنها فروکش نکرده است بلکه بگونه ای که وقایع اخیر در رابطه با جنگ نفتکشها و حملات ایران به کویت و عربستان نشان میدهد شدت و حدت بیشتری نیز یافته است.

بدون شك واقعیت فوق به لحاظ تداوم جنگ و شدت یابی آن، از یکطرف بیانگر تشدید بحرانهای امپریالیستی است و از طرف دیگر مبین این امر است که امپریالیستها با تجربه ۷ سال جنگ ایران و عراق و فوائد بسیاری که از آن برده اند، این جنگ را وسیله موثری جهت مقابله با بحرانهای خویش

ماههای اخیر منجر به بروز وقایعی چند مبنی بر باصلاح درگیری نظامی بین ایران و امریکا و تبلیغات دروغین جهت انحراف اذهنان توده ها گشت . حمله امریکا به کشتی ایران - اجر و به دوسکوی نفتی - نظامی ایران از جمله این وقایع بودند که علیرغم همه کوششهای تبلیغاتی محافل امپریالیستی هیچکس آنرا به عنوان یک درگیری واقعی بین ایران و امریکا جدی نگرفت . (*)

در هر حال آنچه واضحست و غیر قابل انکار این است که با ورود ناوگان امریکا و دیگر ناوگانهای امپریالیستها به خلیج فارس نه تنها آن خواست ظاهری امپریالیستها یعنی حفظ امنیت خلیج عملی نگشته است بلکه این منطقه کاملا بیش از گذشته ناامن گردیده و جنگ نفتکشها امروز با شدت هرچه تمامتر در آن جریان دارد و روزی نیست که نفتکشی غول پیکر مورد اصابت موشکی واقع نشود و بار نفت آن طعمه حریق نگردد.

برای اینکه بتوانیم به مضمون سیاست امپریالیستی در این زمینه بهتر پی ببریم و ماهیت واقعی عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی، که با ادعای دفاع از اسلام و مبارزه برعلیه امپریالیسم صورت میگیرد را بهتر بشناسیم، باید ببینیم که

نامن شدن آبهای خلیج فارس و شدت بایی جنگ نفتکشها در آن و از بین رفتن محموله های نفتی، چه فوایدی برای امپریالیستها در بر داشته و چه منافعی را نصیب آنان میسازد ! ؟

واقعیت این است که با تشدید بحرانهای امپریالیستی و نیاز کمتر موسسات و کارخانجات امپریالیستی به نفت، قیمت این کالا در بازارهای جهانی شدیداً سقوط کرده و بیش از پیش کاهش مییابد. تثبیت قیمت نفت در بازارهای جهانی که بطور برجسته در اوپک بعنوان یک مسئله کاملاً جدی مطرح است، یکی از مهمترین خواستههای امپریالیستهای است که کارتلهای عظیم نفتی را در جهان در تملک خویش دارند. براین اساس آنان برای جلوگیری از سقوط قیمت نفت اولاً باید مانع از عرضه بیشتر آن به بازارهای جهانی گردند و ثانیاً باید جلوی فروش ارزان آن را در بازارهای جهانی بگیرند جنبه دیگر مسئله مربوط به بازگشت قسمت اعظم ارز حاصل از فروش نفت به دست امپریالیستها در کلیت خود میباشد، این امر اگر در گذشته عمدتاً بصورت خرید نفت از کشورهای تحت سلطه و عرضه کالاهای بنجل امپریالیستی و غیره در ازاء آن به این کشورها صورت میگرفت. امروزه - هم از آنرو که در شرایط بحران،

اختصاص بیشتر تولیدات به تولید اسلحه و مصرف بی رویه آنها در جبهه های جنگ یکی از راههای برون رفت از بحران بشمار میروند و هم بلحاظ ضرورت مقابله و سرکوب انقلاب که بدلیل سرشکن شدن بحران بردوش تنبوه ها و عکس العملهای مبارزاتی آنان میتواند از رشد و اعتلای زیادی برخوردار باشد - به صورت عرضه نفت به بازارهای امپریالیستی و مصرف عمده ارز حاصل از این فروش در خرید سلاحهای مرکباز از آنان، تجلی می یابد.

نابودی پالایشگاهها و بسیاری از تأسیسات نفتی ایران و عراق، وارد آمدن خسارات به پایانه نفتی خارك و دهها نمونه دیگر در جریان جنگ ایران و عراق از یکطرف و خریدهای گزاف اسلحه بوسیله کشورهای مختلف خاورمیانه با قیمتهای سرسام آور و مجهز کردن ارتشهای مزدور منطقه به پیشرفته ترین سلاحها از طرف دیگر، دقیقاً در چارچوب

(*) - غیر واقعی بودن این درگیریها صرف نظر از همه مسائل، در رابطه با حمله امریکا به سکوها های نفتی بشارت نشان داده شد، که در جریان این به اصطلاح درگیری امریکا از پاسداران خواست محل خود را ترک کنند تا ناوگانش آنجا را مورد حمله قرار دهد !!!

واقعیتهای فوق الذکر قابل تبیین است.

و اما در رابطه با کویت و عربستان بعنوان دو رژیم مزدور با منابع نفتی غنی باید گفت اگر تاکنون نقش آنان در رابطه با جنگ ایران و عراق به خرید تسلیحات و مجهز کردن خود به سلاحهای پیشرفته و ارسال بعضی کمکهای مالی و غیره به عراق محدود میشد، با شدت یابی بحرانهای امپریالیستی که تداوم و گسترش جنگ ایران و عراق را الزامی مینماید، دخالت هرچه مستقیم تر آنان در این جنگ ضروری گشته است. وانگهی پس از ۷ سال جنگ بی امان که شدت بعضی از نبردهای آن و مقدار جنگ افزارهای بکار رفته در آن با جنگهای جهانی قابل مقایسه است، و کاهش شدید درآمدهای دو دولت ایران و عراق که عمدتاً متکی به نفت میباشند، آنها را از توان کمتری برای تداوم جنگ و بدوش کشیدن تمام مخارج ناشی از آن برخوردار نموده است، و از این لحاظ نیز ضروری شده است که پای عربستان و کویت هرچه بیشتر به صحنه جنگ ایران و عراق کشیده شده و بار بیشتری از این جنگ بردوش آنان قرار بگیرد. بر چنین مبنایش است که رژیم جمهوری اسلامی بعنوان سگ زنجیری امپریالیسم وارد عمل شده و با بهانه های باصطلاح اسلامی و غیر اسلامی که

همواره در آستین خود دارد، به اقداماتی بسرعلیه کویت و عربستان دست میزند و میکوشد با متشنج کردن اوضاع، آنان را به ایفای نقش هرچه بیشتری در جنگ امپریالیستی ایران و عراق در جهت منافع اربابان امپریالیستش وادار نماید. به این اقدامات مختصراً در مورد کویت اشاره کردیم (*). و اما در مورد عربستان عمدتاً باید به چگونگی برگزاری مراسم حج در مکه از طرف مزدوران جمهوری اسلامی تاکید نمایم. پیام خمینی بمناسبت حج که در آن به برگزاری سیاسی مناسک حج شدیداً تاکید شده بود و بدنبال آن بسیج نیروی زیاد در این رابطه و برپایی تظاهراتی که نمیتوانست به درگیری بین تظاهرکنندگان و پلیس منجر نشود، همه حاکی از توطئه ای بود که جمهوری اسلامی برای متشنج ساختن روابط دو کشور به آن نیازمند بود. تبلیغات دامنه دار و با حدت و شدتی که در پی این واقعه، رژیم جمهوری اسلامی از طریق رادیو و تلویزیون و رسانه های

گروهی مختلف براه انداخت نیز گویای بهره برداری حکام مرتجع ایران از فاجعه ای که در مکه بوجود آورده بودند، در خدمت مقاصد خاص خویش بود. برای روشن شدن دروغین و توطئه آمیز بودن این تبلیغات کافی است بدانیم که همین خمینی مزدور که امروز برگزاری مراسم سیاسی در مکه را شدیداً مورد تائید قرار میدهد و در این مسیر از ریخته شدن خون در "خانه خدا" نه فقط ابائی ندارد، بلکه کشته شدن در مکه را از جمله آن صوابهای کبیره قلمداد میکند که موجب روانه شدن بدون معطلی فرد به بهشت میگردد، در سال ۱۹۸۰ هنگامیکه ۷۰ تن از مخالفین دولت عربستان کعبه را به تصرف خود درآورده و موجب چنان وحشتی در مرتجعین گشتند که آنها با فرود آوردن چتربازان فرانسوی با قساوت و بیرحمی در همان محل به قتل عام آنان پرداختند، وی اقدام آن ۷۰ نفر را به این دلیل که موجب ریخته شدن خون در "خانه خدا" گشته اند تکفیر نمود.

که مسئله به هیچوجه بر سر "کنفرانس اسلامی" نیست بلکه جمهوری اسلامی در صدد استفاده از این موضوع برای پیشبرد اهداف دیگری است.

(*)- در جریان برگزاری کنفرانس کشورهای اسلامی در کویت جمهوری اسلامی در جهت هرچه تیره تر کردن روابط خود با کویت به چنان بهانه های واهی و تهدیدات و اقدامات قلندر منشانه متوسل شد که با کمی دقت میشد فهمید

امروز خمینی و دیگر سردمداران مزدور رژیم بدلیل " واقعه خونین مکه " که خود بانی آن بوده اند، مقامات عربستان را شایسته حفاظت از " حرم مطهر " نمدانند و با ارائه طرحی مبنی بر اینکه کعبه نه صرفاً توسط رژیم عربستان بلکه توسط نیروی مشترک همه کشورهای مسلمان محافظت و اداره گردد، فرمولی برای توجیه مخالفت خود با عربستان دست و پا کرده اند.

در اینجا تاکید روی يك مسئله دیگر ضروری است و آن اینکه بهره برداری از واقعه مکه صرفاً به چارچوب مسائل فوق محدود نمیگردد. بلکه چه در این رابطه و چه در رابطه با کویت و بطور کلی در رابطه با کشورهای مسلمان، یکی از وظایف ضدانقلابی رژیم جمهوری اسلامی، جلب افکار توده های تحت ستم این کشورها به سوی آن نهضت باصطلاح اسلامی است که وی خود را پرچمدار آن میداند.

اصولاً اگر قبول کنیم که یکی از اساس ترین مسائل امپریالیستها در جنگ ایران و عراق سرکوب مبارزات توده ها و میلیتاریزه کردن منطقه جهت مقابله با انقلاب خلقهای تحت سلطه است، باید متوجه باشیم که تاکید خمینی مزدور و دیگر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به سیاسی برگزار کردن مراسم حج

و برپائی تظاهرات سیاسی در مکه، جاشی که مسلمانان کشورهای مختلف جهان بخصوص از کشورهای تحت سلطه در آنجا گرد میآیند، چه معنائی میتواند داشته باشد. در اینجا در مناسک حج، جمهوری اسلامی با زدن ماسک ضد امپریالیستی برچهره خویش و با سردادن شعارهای پوچ ضد امریکائی در صدد جلب افکار عمومی بطرف خود و شناساندن خویش بعنوان رژیم ضد امریکائی و ضد امپریالیست به آنان میباشد، تا از این طریق در میان مبارزات توده های ستمدیده کشورهای تحت سلطه جاشی برای خود باز کند و در مقابل آلترناتیوهای واقعا ضد امپریالیست در این کشورها، نیروئی قرار دهد که با ادعای ضد امپریالیست بودن، مبارزات ضد امپریالیستی توده ها را از محتوا تهی ساخته و آنها منحرف نماید. و البته این نیز از سیاستی نشأت میگیرد که در سالهای اخیر امپریالیسم در سطح جهانی در پیش گرفته است و مطابق آن میکوشد بجای آنکه همچون قبل خود را آشکارا در مقابل توده ها قرار دهد یا ایجاد دستجات مزدور و نفوذ در جنبشهای توده ای آن جنبش ها را منحرف و از درون متلاشی سازد.

تشکیل گروههای مختلف اسلامی، از اخوان المسلمین گرفته تا دستجات متعدد حزب الله

در کشورهای مسلمان و تقویت آنان از طرق مختلف از جمله با مطرح کردنشان در رسانه های گروهی و تبلیغ وسیع در مورد آنان، نمودار سیاست امپریالیستی فوق الذکر میباشد. در مورد عربستان اگر چه اختناق بسیار شدید حاکم بر این کشور از انتشار اخبار مبارزاتی در درون آن به شدت جلوگیری میکند، ولی هم نفس وجود چنان اختناقی - که خود ناشی از شدت تضاد توده های تحت ستم عربستان با حکام آن کشور است - بیانگر وجود اعتراضات و مبارزات گسترده در میان توده هاست، وهم نمودارهای دیگری وجود دارد که نشانگر جریان رشد یابنده مبارزه در آنجا میباشد.

بیشک وقتی بدلیل کاهش قیمت نفت در آمد کشورهای نفت خیز منطقه به ٪ و گاه به ٪ قبل رسیده است، وقتی کار ورشکستگی اقتصادی عربستان به جاش میرسد که بنابه گزارش خبرگزاری ها دولت برای جبران کسری بودجه خود بمیزان هشت میلیارد دلار، دومیلیارد و ۱۴۰ میلیون دلار از ذخایر و سپرده های خارجی خود برداشت خواهد کرد و معادل ۸ میلیارد دلار را نیز از طریق فروش اوراق قرضه دولتی وام خواهد گرفت، میتوانیم تصور کنیم که چه بار عظیمی از فشار بر کرده توده های ستمدیده این کشور وارد میآید و طبیعی است

کشتیهای حامل نفت کویت توسط ناوگان عظیم امریکائی ، شدت یابی جنگ نفتکشها و طعمه حریق شدن نفت در آبهای خلیج فارس پیش آمد در صدد تامین کدام منافع و بنفع چه کسانی بوده است؟!؟

همانطور که پیش از این توضیح دادیم . با توجه به بحران امپریالیستی تلاش برای تثبیت قیمت نفت در حد معینی (حد مطلوب برای نفت کشورهای خاورمیانه فعلا بشکه ای ۱۸ دلار تعیین شده است) و جلوگیری از عرضه بیشتر آن به بازارهای جهانی از یکطرف و فروش ابزار آلات جنگی بجای کالاهای بنجل صنعتی و غیر صنعتی قبلی درازا ، خرید نفت از کشورهای منطقه ، سیاست شناخته شده امپریالیستی در سالهای اخیر میباشد .

حال اگر در نظر بگیریم که عربستان و کویت یکی از سرشارترین منابع نفتی را در خاورمیانه در اختیار دارند ، در شرایطی که بدلیل بحران امپریالیستی از درآمد آنها از نفت به مقدار بسیار زیادی کاسته شده است ، متوجه میشویم که آنها سعی خواهند کرد نفت خود را به مقدار زیاد و با قیمت ارزانتر از نرخ معمول وارد بازارهای جهانی بنمایند . امری که کاملا به ضرر بعضی کارتلهای امپریالیستی تمام خواهد شد .

جمهوری اسلامی که ماهیتش برای توده های ستمدیده عربستان بدلیل اختناق حاکم بر آن کشور ناشناخته است ، با چهره بزرگ کرده خود و طرح شعارهای دفاع از محرومین و مستضعفین و ضدیت ظاهری با امریکا میتواند برای توده های ناآگاه و ستمدیده عربستان مقبول واقع شده و توجه آنان را قبل از آنکه بسوی نیروهای واقعا اصیل ضد امپریالیست که با توجه به شدت عمل نیروهای حاکم در مورد آنها و شرایط اختناق از قدرت بسیج توده ای کمتری برخوردارند جلب شود ، به سوی خویش معطوف دارد . براین اساس است که میبینیم علیرغم همه هیاهوها و همه ابراز ضدیت های رژیم جمهوری اسلامی نسبت به حکام عربستان ، صرفنظر از بعضی بااصلاح سخت گیریهای معمول در مورد مزدوران رژیم جمهوری اسلامی از طرف دولت عربستان ، باز نیروی بسیار بزرگی از مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به مکه راه میابند ، تظاهرات آنچنانی بر پا میکنند و به طرح شعارهای ضد حکام عربستان در آنجا میپردازند .

اکنون به موضوع اول برگردیم و ببینیم که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با خصمانه کردن روابط خود با کویت و عربستان که در پی آن ، نصب پرچم آمریکابروی کشتیهای کویتسی ، اسکورت

که بدلیل مجموعه اوضاع نابسامان ناشی از بحران اقتصادی ، حرکتهای مبارزاتی هرچه بیشتر گشته و تحرك هر چه فزونتری بیابد ، و اگر قبول کنیم که تشدید تضادهای درونی هیت حاکمه عربستان بعنوان یک کشور وابسته طبیعتا انعکاس از تشدید تضاد خلق با حکومت و رشد مبارزات پائینی ها برعلیه بالاشی هاست ، میتوانیم دریا بیم جاشی که رشد این تضادها حتی به قتل و کشت و کشتار در درون هیت حاکمه عربستان منجر میشود ، اصولا نفرت و اعتراض در پائینی ها از چه حدت و شدتی باید برخوردار باشد . ولی اگر برزمینسه شرایط نابسامان اقتصادی و ورشکستگی اقتصادی ناشی از بحران ، رشد مبارزات توده ها به امری اجتناب ناپذیر تبدیل گشته که هیچ نیروی قادر به جلوگیری از آن نیست ، پس پروبال دادن به نهضت های اسلامی از نوع نهضت اسلامی خمینی و کانالیزه کردن خشم و نفرت توده های وابسته این سیر بااصطلاح مبارزه ، البته در کنار بکار گیری شیوه های مختلف سرکوب ، موفقیتی برای امپریالیستها و سگان زنجیریشان بحساب میآید . دربستر چنین شرایطی است که جنبه دیگری از عملکردهای اخیر رژیم جمهوری اسلامی در مکه قابل فهم میگردد . آری رژیم منفور و جنایت پیشه

قرار دارد .
 با توجه به مطالبی که شرحش رفت هنگامیکه ماسک ریا و تزویر از چهره امپریالیستها و همپالکیهای رویزیونیست آنها که همگی خود را در جنگ ایران و عراق بسی طرف جلوه میدهند و حتی هر از چند گاهی تبلیغاتی مبنی بر ضرورت خاتمه دادن به جنگ و طرفداری از صلح برآه میاندازند ، کنار میروند و هنگامیکه ماهیت اقدامات باصطلاح اسلامی رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم جمهوری اسلامی و اعمالی که تحت عنوان اعتقاد عمیق به اسلام از طرف این رژیم انجام میگردد ، بر ملا میشود ، معلوم میگردد که امپریالیستها و سگان زنجیریشان با پیشبرد جنگ ویرانگر ایران و عراق به قیمت انجام جنایات وحشیانه در حق توده ها ، به قیمت خانه خرابی ، آوارگی و در بدری و تشدید فقر و فلاکت و هزاران مصیبت حاصل از جنگ ، کدام مصالح ضد خلقی را در نظر داشته و چه منافع غارتگرانه ای را دنبال میکنند .

امروز خشم و نفرت بی حد و حصر توده های میهن ما از جنگ امپریالیستی ایران و عراق و گسترش اعتراضات توده های ستمدیده بر علیه این جنگ که بیانگر شناخت وسیع آنها از ماهیت ضد خلقی آن میباشد ،

میزند . به این ترتیب با احتساب همه مخارجی که صرف حمل محموله های نفتی این کشورها به بازارهای جهانی میشود ، آنها مجبورند نفت خود را در بازار به همان قیمتی بفروش برسانند که کارتلهای امپریالیستی تعیین کرده اند . به این ترتیب این کارتلها که پیش از این ذخیره نفت ۱۲ دلاری و حتی کمتر از این قیمت را در اختیار داشته اند با طی مکانیسمی که شرحش رفت ، خواهند توانست بدون هیچ دغدغه خاطر از عرضه نفت به قیمت ارزان توسط کشورهای حوزه خلیج فارس ، نفت خود را به قیمت تعیین شده به بازار ببرند . از طرف دیگر بعلت نامنی منطقه و با توجه به تهدید کویت و عربستان به جنگ و انجام اقداماتی در این جهت بر علیه این دو کشور از طرف ایران ، در ماههای اخیر آنها و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس مجبور به خرید تجهیزات نظامی بسیار گرانقیمت شده اند ؛ که درخواست خرید مین یاب به ارزش ۲۰۰ میلیون لیره استرلینگ توسط عربستان و طرح فروش موشکهای استینگر به بحرین ، فقط گوشه ای از آن را نشان میدهد . همه موارد فوق در چارچوب خارج شدن ارز حاصل از فروش نفت از دست این کشورها بِنفع کارخانه های اسلحه سازی امپریالیستها و در خدمت کاستن از شدت بحرانهای امپریالیستی

پس با در نظر گرفتن این جنبه از قضیه ، کوشش امپریالیستها در درجه اول باید جلوگیری از عرضه نفت فراوان عربستان و کویت به بازار و ایجاد چنان موانعی بر سر راه فروش نفت از جانب آنان در بازارهای جهانی باشد که آنها نتوانند به آسانی و بنا قیمت های دلخواه نفت خود را بفروش برسانند .

شدت یابی جنگ نفتکشها و تحرك چشمگیر باصطلاح قایقهای تندرو جمهوری اسلامی در ماههای اخیر و بطور کلی ناامن شدن آبهای خلیج فارس برای کشتیرانی و حمل محموله های نفت ، درست در خدمت این امر قرار دارد . با ناامن شدن این آبراه و مورد اصابت قرار گرفتن کشتیهای حامل نفت نه فقط مقدار زیادی از این کالا به دریا ریخته شده و یا طعمه حریق میگردد بلکه ، با افزایش نرخ بیمه کشتیرانی ، به قیمت نفت نیز افزوده خواهد شد . علاوه بر این حضور ناوگانهای کشورهای مختلف امپریالیستی به خلیج فارس بدلیل ناامن بودن منطقه و هزینه ای که صرف آنها میشود نیز در افزایش قیمت نفت مؤثر است . در مورد اسکورت کشتیهای کویتی توسط ناوگان آمریکا باید گفت تأمین هزینه این ناوگان عظیم در آبهای خلیج فارس که بر دوش کویت قرار دارد ، ماهیانه سر به میلیونها دلار

زنجیریشان را به زیاله دان تاریخ خواهد ریخت و با برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر و کُـذار به سوسیالیسم ، دنیائی سرشار از صلح و آزادی و بدور از هر گونه استثمار و بردگی بر پا خواهد ساخت .

جاودان بساد خاطره شهدای رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن ! زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است ! مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش !

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی ! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر !

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران

۱۹/ بهمن ۱۳۶۶



رفقای هوادار:

اخبار و گزارشات محل کار و زندگی خود را جمع آوری نموده و به آدرسهای سازمان در خارج از کشور ارسال کنید .

توده هاشی که از مبارزه این رزمندگان تاثیر گرفته بودند ، در قیام بهمن اوج هرچه بیشتری یافت و در تمام سالهای حیات ننگین جمهوری اسلامی چه بوسیله خلق رزمنده کرد و چه دیگر توده های ستمدیده ما تداوم یافته است .

پس ، از آنجا که تنها راه مقابله با جنگ امپریالیستی جهت برقراری صلحی دمکراتیک ، تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی است و از آنجا که چنین جنگی سالهاست در کشور ما جریان دارد ، بنابراین وظیفه همه نیروهای انقلابی است که در جهت گسترش این جنگ انقلابی که جز به مفهوم تداوم بخشیدن به راه رزمندگان سیاهکل و جز ادامه قیام توده ها در ۲۱- ۲۲ بهمن نمیباشد ، با تمام توان بکوشند . تا به این وسیله در عمل از این وقایع بزرگ و تاریخی تجلیل به عمل آورده باشند .

در پایان در حالی که بار دیگر یاد پر افتخار دو روز بزرگ تاریخی رستاخیز سیاهکل و قیام شکوهمند بهمن را گرامی میداریم و به توده های قهرمان خود اطمینان میدهیم که به همت آنان و فرزندان پیشرو انقلابی شان ، سرانجام انقلاب قهر آمیز خلق های ما در پاسخ به تمام جنایاتی که مزدوران در حق خلق مرتکب شده اند ، امپریالیستها و تمام سگان

جنش صلح خواهی و پایان دادن به جنگ را هر چه بیشتر دامن زده و در حالیکه صحت شعار " مرگ بر جنگ امپریالیستی " را آشکارتر ساخته ، مبارزه برای نابودی جنگ و برقراری صلح را هر چه وسیعتر در مقابل توده ها و نیروهای انقلابی قرار داده است . برای این اساس نیروهای انقلابی موظفند ضمن افشای ماهیت امپریالیستی جنگ ایران و عراق و نقش امپریالیستها در این جنگ ، رژیم مزدور جمهوری اسلامی را به مثابه مجری سیاستهای امپریالیستی که در اجرای تمام و کمال این سیاستها همچنان بر طبل جنگ میکوبد و از آن بعنوان یک " برکت " نام میبرد ، آماج ضربات کوبنده خود قرار دهند .

موضع کمونیستها در رابطه با جنگهای امپریالیستی ، جنگهای که بر علیه توده های میلیونی و به نفع سرمایه داران سازمان داده شده است ، روشن است . آنها در عین محکوم کردن این جنگها و عدم شرکت در آنها ، از جنبش صلح توده ها دفاع نموده و نیروی خود را در جهت تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی متمرکز مینمایند . ولی در ایران جنگ داخلی بر علیه امپریالیسم و سگان زنجیریش سالهاست که جریان دارد و این همانا جنگی است که با شلیک گلوله های آتشین رزمندگان سیاهکل آغاز گردید و توسط

اینک خلق در بند و رزمیده ای که در طول سالها به اشکال و طرق متفاوت مقاومت و مبارزه ، آسایش را از نیروهای اشغالگر و مزدور اسرائیلی در سراسر مناطق اشغالی سلب کرده است ، در روزها و هفته های اخیر با ابعاد بی سابقه ای به حرکت در آمده و با عزمی راسخ در راه گستن زنجیرهای گران سالها بردگی و ستم و رهانیدن سرزمین مادری خویش از چنگال اهریمنی غاصبان اسرائیلی به پیش می رود .

موج اعتصاب و اعتراض ، فلسطین اشغالی را فراگرفته است. دهها هزار کارگر و زحمتکش با نرفتن به سر کارهای خود و بستن مغازه ها ، انزجار خویش را نسبت به سیاستهای جنایتکارانه غاصبان اسرائیلی اعلام کرده و تظاهرات و اعتراضات توده ای به امری روزمره بدل گردیده و همه کوچه ها و خیابانها و مدارس در مناطق اشغالی به کمینگاهی برای بدام انداختن مزدوران اشغالگر صهیونیست و تعرض به آنها بدل گشته است .

از سوی دیگر دشمنان رنگارنگ این خلق محروم نیز از پاننشسته اند و با شدتی بیش از پیش از دو جبهه درونی و بیرونی با تمام قوا کوششهای خود را معطوف به تضعیف و نابودی این جنبش انقلابی کرده اند و به طور اولی با توسل

فلسطین: مشعل فروزان مقاومت

از صفحه ۱

به وحشیانه ترین شیوه های سرکوب و همچنین اعمال تشبثات متفاوت ، مذبحخانه میکوشند تا آتش مبارزه را در این کانون پر جوش و خروش طغیان انقلابی فرو نشانده و فریاد اعتراض آن را در گلو خفه کنند . اما مگر خلق به پا خاسته فلسطین چه میخواهد که اینچنین بیرحمانه در معرض جنایات و شقاوتهای مزدوران امپریالیسم و صهیونیسم قرار گرفته و روزی نیست که این جنایتکاران فرزندان مبارز این خلق را به خاک و خون نکشند ؟ واقعیت این است که خلق در زنجیر فلسطین سالهاست که برای تحقق حقوق عادلانه خویش یعنی آزادی سرزمینهایش از چنگال اشغالگران جنایتکار اسرائیل و تشکیل دولت ملی و مردمی خود و برای کسب حق تعیین سرنوشت خویش مبارزه میکند . امری که در زمره طبیعی ترین حقوق عادلانه هر خلق در زنجیر است . خلق فلسطین میبکند تا آزادی خود را بدست آورد و به همین خاطر است که خانه و کاشانه اش در شهرها و روستاهای اشغالی طی روزها و هفته های اخیر شاهد قساوت و بی رحمی پایان ناپذیر نیروهای سرکوبگر و تبهکار اسرائیل در قلع و قمع و کشتار توده های معترض و به جان آمده

فلسطین و گسترش هرچه بیشتر صحنه های حماسی مقاومت و پایداری توسط این خلق رزمنده بوده است . صحنه هاشی که تمامی رسانه های گروهی بین المللی و حتی دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم نیز قنادر به کتمان و لاپوشانی آن نبوده اند . صحنه ها و تصاویر تکان دهنده ای که همگی حکایت از آن دارند که مزدوران حیوان صفت ارتش ضد خلقی اسرائیل در همه جاتنها به یک زبان با توده های به پا خاسته صحبت میکنند ، زبان گلوله و سرکوب ، آنها بروی مردم بی دفاع و معترض آتش گشوده و آنها را قتل عام میکنند . معاشر را میبندند قفل مغازه های بسته شده را به زور می شکنند و صاحبان آنها را با ضرب و شتم مجبور میکنند که اعتصاب خود را بشکنند . مزدوران سرکوبگر حتی مدتهای مدید آب و نان را بر روی اردوگاههای فلسطینیان میبندند ، به خانه ها میریزند و جوانان و نوجوانان را جلوی چشم مادران و خواهرانشان به وحشیانه ترین شکلی مورد ضرب و شتم قرار داده و با خود میبرند . فعالین اعتراضات را از سرزمینهای خویش اخراج میکنند و به این ترتیب مجبور گشته اند که تقریباً در همه جا حکومت نظامی اعلام کنند . جنایت در قاموس نیروهای سرکوبگر اسرائیل هیچ

حد و حصری را نمیشناسد، (*) اکنون این مزدوران جانی صفت کار را به جانی رسانده اند که در موارد متعددی در نواحی اشغالی زنان باردار را به ردیلانه ترین وجهی کتک میزنند تا آنجا که طفلشان را سقط میکنند و حتی در مواردی جوانان دستگیر شده را در روستاها زنده بگور کرده اند و تازه با داشتن چنین کارنامه سیاهی هنوز هم وقیحانه از زبان نخست وزیر جنایتکار اسرائیل اعلام میکنند که گویا به خاطر معذورات اخلاقی دست خونالود نیروهای جلاد اسرائیلی در سرکوب مقاومت توده ای و برقراری نظم دلخواه این جنایتکاران در سرزمینهای اشغالی باز نیست!

اما با وجود اینکه ظرف چند ماه اخیر بیش از ۱۰۰ تن از مردم بیگناه فلسطینی بدست سربازان اسرائیلی کشته شده اند، سیر رشد یابنده این مبارزات نشان میدهد که کوچکترین خللی در عزم توده های به پاخاسته فلسطینی بوجود نیامده است. مردم ستمدیده و قیام کننده نه تنها از پای ننشسته اند بلکه در همه جا با سنگ و چوب و حتی چنگ و دندان به مقابله با مزدوران اشغالگر برخاسته اند. بدین ترتیب حقایق انکار ناپذیر نشان داده اند که این مبارزه دیگر غیر قابل نفی و انکار است چرا

توده های به پاخاسته در سرزمینهای اشغالی کرانه غربی رود اردن و نوار غزه ارائه میگردد، تا باصطلاح مسئله فلسطین را حل کرده و سنگینی بار این معضل بزرگ امپریالیستها و ارتجاع در منطقه را از دوش آنها بردارد.

مطابق بعضی از این طرحهای ضد خلقی و ریاکارانه، برای فرونشاندن قیام توده ها در سرزمینهای اشغالی باید به کشاورزان ساحل غربی رود اردن، از لحاظ اقتصادی امتیازاتی داد و تسهیلاتی برای این قشر که درصد بالایی از جمعیت زحمتکش این مناطق را تشکیل میدهند قائل شد. برخی دیگر از این طرحهای ارتجاعی به خاطر رشد و وسعت جنبش، اعطای نوعی خودمختاری محدود به توده های تحت ستم فلسطین را پیشنهاد میکنند. تعداد دیگری از این طرحها اصولا مطرح میکنند که باید اداره سرزمینهای اشغالی نوار غزه و ساحل غربی را به دولت وابسته به امپریالیسم اردن سپرد تا مشکل سرکوب عریان

تروریستی در حالی صورت گرفت که دولت ضد خلقی اسرائیل همه روزه در تمامی تبلیغات عوامفریبانه اش میکوشد مبارزه توده های انقلابی خلق فلسطین و سازمانهای مسلح آنرا مذبحخانه، اقدامات مشتی تروریست و خرابکار بنامد.

که پیوند عمیقی با توده های دربند و تحت ستم و خواسته های برحق و عادلانه آنها دارد و از این منبع لایزال و پایان ناپذیر نیرو گرفته و تغذیه میکنند. در نتیجه دشمنان خلق فلسطین دریافته اند که این مبارزه را دیگر تنها به زور سرنیزه نمی توان سرکوب کرد. بر همین اساس است که امپریالیستها و همپالکیهای صهیونیست شان به همراهی سایر دول مرتجع عربی، در یک کُر واحد و با نغمه های متفاوت به تکاپو افتاده اند تا این جنبش عادلانه را با توسل به نیرنگهای متفاوت از روند پوینده خویش باز داشته و با محدود ساختن آرمانها و اهداف انقلابی آن، از شدت وحدتش بکاهند و آن را به راه حلهای سازشکارانه و مسالمت آمیز سوق دهند.

بنابراین به موازات عمیق تر شدن بحران و سترونی اشکال گوناگون سرکوب به کار گرفته شده در این کانون انقلابی، هر روز از جانب استراتژیستهای امپریالیسم طرح های جدیدتری برای مهار جنبش

* - در همین روزهای اخیر دولت ضد خلقی و تروریست اسرائیل به سیاق معمول تمامی دولتهای ضد خلقی و جنایتکار، طریک اقدام تبهکارانه سه تن از مبارزین فلسطینی را در قبرس به قتل رساند و این اقدام

این خلق و بی آبروشی ناشی از آن در سطح بین المللی، از روی دوش دولت ضد خلقی اسرائیل و نیروهای سرکوبگرش برداشته شده و این مهم یعنی سرکوب و به خاک و خون کشیدن خلق محروم عرب فلسطین و خواسته های عادلانه اش، به دست ملك حسین مزدور و خود "عربها" عملی گردد.

مجموعه تمامی این طرحها و نقشه ها و توطئه های امپریالیستی ای از این قبیل در واقعیت امر يك هدف واحد را تعقیب میکنند که همانا تداوم اساس نظم فلاکت بار موجود، با صورت دادن بعضی تغییرات در ظاهر اوضاع جاری و تسهیل امر تجاوز به حقوق عادلانه خلق فلسطین و سرکوب سهل تر این خلق است. در هیچیک از این طرحها حتی نامی هم از حق تعیین سرنوشت به عنوان يك حق مسلم برای خلق محروم فلسطین به میان آورده نشده است.

اختلاف در چگونگی سرکوب و پیشبرد سیاستهای امپریالیستی در جنبش رهاشبخش توده های مردم فلسطین به نوبه خود اختلافات شدیدی را هم در صفوف دست اندرکاران ضد خلقی دولت سرکوبگر اسرائیل و جناحهای متخاصم امپریالیستی دامن زده و این اختلافات را بیش از پیش علنی نموده است. در حالیکه از يك سو

اسحاق شامیر نخست وزیر جنایتکار اسرائیل و جناح او در دولت خواهان گسترش و تشدید سرکوب و باز شدن دست نیروهای سرکوبگر اسرائیل در بیشتر به خاک و خون کشیدن توده های به پا خاسته و بیدفاع فلسطینی هستند، جناح دیگر یعنی شیمون پروز و دارودسته او از سوی دیگر به موازات تأیید سرکوب مبارزات خلق فلسطین خواهان برگزاری کنفرانس بین المللی برای حل مسئله و صد البته بر علیه خلق فلسطین میباشد، حدت یابی جنبش انقلابی و اوجگیری این تنشها در هیات حاکمه ارتجاعی اسرائیل در واقع موجب بروز بحرانی گشته است که عمق آن بخصوص هنگامی بیشتر عیان میگردد که گاه و بیگاه میشنویم که سردمداران جنایتکار اسرائیل از اشغال سرزمینهای ساحل غربی و نوار غزه علنا اظهار شیمانی میکنند.

در ایمن میان رویزیونیستها نیز بیکبار ننشسته اند. رویزیونیستها در حالی که در چهارچوب رقابت با همپالکیهای امپریالیستشان در سطح بین المللی میکوشند در معادلات سیاسی این منطقه حساس نقش هرچه بیشتری ایفا کنند، برای اینکه از این گردونه عقب نمانند با سعی در اعمال نفوذ در این جنبش و حمایت از عناصر سازشکارتر آن و همچنین با در جازدن در پشت قطعه نامه ها و

کنفرانسهای صلح بین المللی برای "حل و فصل" حقوق غصب شده خلق فلسطین، عمدتاً به دنبال "راه حلهاش" هستند که نتیجه عملی آنها در واقع نه تنها متضمن حق تعیین سرنوشت به مثابه اعمال اراده آزادانه توده ها و سایر حقوق عادلانه مردم فلسطین نیست، بلکه دایره عمل رادیکالیسم انقلابی این جنبش را نیز ضعیف تر میسازد. اما مردم فلسطین پس از گذشت این سالهای خونین و تجربه نتایج فاجعه بار سیاستهای سازشکارانه مدعیان رنگارنگ دفاع از حقوق خلق فلسطین خود بخوبی درک کرده اند که آزادی حقوق عادلانه و منافع آنها نه در کسب برخی "امتیازات" و رفرمها در پشت میزهای مذاکره ای که نمایندگان واقعی او حضور ندارند و یا در قطعه نامه های کذابی متعدد سازمان ملل و ... بلکه اساساً در میدان نبرد و مقاومت، قابل حصول و تداوم است. تمامی تجارب مبارزاتی خلقهای تحت ستم و از جمله خلق مبارز فلسطین در سالهای اخیر بروشنی نشان داده است که جلادان خلقهای محروم و ستمکش یعنی امپریالیستها و رژیمهای وابسته و از جمله دولت سرکوبگر اسرائیل تنها آن حقی را برای توده ها قائل میگردند که در میدان مبارزه و به زوربه آنها تحمیل شده باشد.

عنوان يك " انقلاب اسلامی " نظیر آنچه که در ایران و در جریان قیام بهمن اتفاق افتاد و تداوم سلطه امپریالیستی را بسا جایگزینی رژیم سرسپرده و هار جمهوری اسلامی به جای رژیم وابسته شاه تضمین نمود ، معرفی کند .

جمهوری اسلامی در تبلیغات عوامفریبانه خویش وقیحانه میکوشد که جنبش توده های ستمدیده و محروم فلسطین را يك " جنبش اسلامی " و برای " اسلام " معرفی کند . و در حالیکه هرروز تعداد بیشتری از مردم قهرمان و مبارز فلسطین در مقابله با همپالکی های صهیونیست جمهوری اسلامی در سرزمینهای اشغالی به خاطر آزادی و رهائی سرزمین خویش از چنگال اهریمنی اشغالگران اسرائیلی و کسب حق تعیین سرنوشت خویش به خاک و خون کشیده میشوند ، این مبارزه و اهداف و آرمانهای انقلابی آن را مخدوش سازد . یعنی همان امری که امپریالیستها متناوبا و با توسل به هر وسیله ای سعی در کتمان و لاپوشانی آن دارند . البته ما در مقالات قبلی پیام فدائی ماهیت امپریالیستی سیاستهای ضد خلقی جمهوری اسلامی را در لبنان و رابطه آن با جنبش انقلابی فلسطین را توضیح داده ایم . اما امروز افشای سیل جدید تبلیغات گمراه کننده

بدو موجودیت ننکین خود کوشیده است نابا تاکتیک شناخته شده " دفاع " از توده های " مستضعف " و به پاخاسته برعلیه " مستکبران " و زدن رنگ و لعاب " اسلامی " بر تمامی آنها ، در واقع مبارزات ضد امپریالیستی و رهاشبخش خلقهای تحت ستم کشورهای تحت سلطه برعلیه دیکتاتوری های امپریالیستی موجود را ، در جهت منافع اربابان امپریالیستش به بیراهه سوق دهد .

سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی در رابطه با جنبش های انقلابی منطقه ، در واقعیت امر بیانگر بخشی از سیاستهای امپریالیستهای است که میکوشند تداوم سلطه غارتگرانه خویش را بر جان و مال توده های تحت ستم خاورمیانه با استفاده از مذهب و زیر پوششش لفاقه های ایدئولوژیکی " اسلامی " و با مدل " جمهوری اسلامی " به پیش ببرند . با عزیمت از این نقطه است که امروزه میتوان ماهیت طوفان تبلیغات عوامفریبانه سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی را در رابطه با مسئله فلسطین درک کرده و همچنین فهمید که چرا جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم تا این اندازه اصرار دارد که در افکار عمومی ، قیام دلاورانه خلق محروم فلسطین را با اتکاء به برخی عناصر مذهبی درون آن به

از سوی دیگر نقش بس ارتجاعی و مزدور منشانه دولتهای وابسته عربی از جمله مصر و اردن و ... که فعلا نه به عنوان ابزاری در دستان خونالود امپریالیستها مجری پیشبرد و اجرای برنامه های ضد خلقی طرح ریزی شده آنها برعلیه خلق در بند فلسطین هستند را نباید فراموش نمود . این سگان زنجیری امپریالیسم هر يك بنا به وسع ضد خلقی خود با ظاهری " فلسطین دوستانه " و ریختن اشک تمساح برای توده های محروم فلسطینی و همچنین با حمایت از بخش از نیروهای مسلح این جنبش و سعی در اعمال نفوذ در آن ، به نام توده های مبارز و تحت ستم فلسطین و برعلیه آنها ، سعی در مشارکت در اوضاع و تحولات جنبش انقلابی در راستای منافع دیکته شده جناحهای مختلف امپریالیسم و در حقیقت کنترل این جنبش را دارند .

بر اساس چنین منافع و چهار چوبی است که امروزه حتی رژیم سرسپرده و جنایتکار جمهوری اسلامی هم ، در حالیکه روابط بسیار حسنه اش با دولت سرکوبگر اسرائیل شهره عام و خاص است ، مدافع حقوق توده های قیام کننده فلسطینی و صد البته " انقلاب اسلامی فلسطین " شده است . چرا که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از

جمهوری اسلامی در رابطه با جنبش توده ای سرزمینهای اشغالی و نشان دادن ماهیت و اهداف آن - بدانگونه که در فوق شرح آن رفت - تاکید دوباره بر ضرورت افشای آن سیاستهای ارتجاعی ای است که امپریالیستها با حرارت تمام برای بسط انحراف کشاندن این مبارزات از طریق جمهوری اسلامی مشغول پیشبرد آن بوده و از این نظر نیز حائز اهمیت میباشد .

به هررو اینک در حالیکه مبارزات خلق فلسطین هرروز اوج تازه ای مییابد ، تشدید تمامی این تمهیدات و کوششهای مذبحخانه و همچنین تشکیل چنین صف بندی ناهمگونی از نیروهای متفاوت در کنار این " خون یغما " بیش از هرچیز و در درجه اول مبین عمق و وسعت این جنبش عادلانه و آرمانهای برحق و تاثیرات مبارزاتی آن میباشد . اما از سوی دیگر جنبش دلاورانه خلق رزمنده فلسطین امروز به موازات پیشبرد مقاومت قهرمانانه خویش در تقابل با این دشمنان رنگارنگ ، از مشکلات درونی متعددی نیز رنج میبرد . وجود تشبث و پراکندگی در صفوف جریانات سیاسی و نیروهای مسلح فلسطین و رشد اختلافاتی که حتی بعضا موجب

خونریزیهای بی نتیجه ای در بین این نیروها شده ، به نوبه خود تاثیرات بسیار ناگواری بر روند پیشروی این جنبش انقلابی برجای نهاده است . در عین حال که در طول این سالها ، گرایش به چترهای حمایتی کساد و برنامه ریزی شده دول مرتجع و وابسته عربی که هدفی جز به انحراف بردن مبارزات انقلابی خلق فلسطین ندارند ، و همچنین رشد تمایلات سازشکارانه در برخی سطوح رهبری کننده این نیروها نیز از دیگر عوامل بازدارنده در شکوفائی و اعتلای هرچه بیشتر و به بارنشستن جنبش توده های انقلابی فلسطین بوده است .

امروز با وجود سنگینی تمامی این مشکلات و مصائب ، خلق رزمنده فلسطین همچنان پرشور و از جان گذشته در راه کسب حقوق عادلانه خود با دشمنان رنگارنگش می جنگد . توده های قیام کننده در طول ماههای اخیر نشان داده اند که با هرآنچه که در توان دارند حتی لحظه ای هم امپریالیستها و مزدوران اشغالگر صهیونیستشان را در مناطق غص شده آسوده نخواهند گذارد . مبارزات و مقاومت این خلق رزمنده نشان داده است که در مقابل عزم راسخ توده های به جان آمده و به پاخاسته برای آزادی ، امپریالیستها و

مزدورانشان بهره ای کاغذی و پوشالینی بیش نیستند . مبارزه و مقاومت خلق در بند فلسطین به دشمنان جنایتکارش نشان داده است که حتی اگر هفته ها و ماهها توده های رنج دیده را در اردوگاهها و روستاها محاصره کرده و با بستن آب و نان برروی آنها، مردم را وادار به خوردن گوشت مردگان و حیواناتشان کنند ، اگر آنها را وحشیانه از دم تیغ بگذرانند و یا حتی آنها را زنده به گور کنند ، قادر نخواهند بود که حقوق و آرمانهای عادلانه این خلق را به گور سپارند و جلوی رشد و اعتلای مبارزات آنها را بگیرند . چراکه خلق رزمند فلسطین برای کسب حق تعیین سرنوشت خویش به مبارزه ای مشروع و عادلانه دست یازیده است که سرانجامی جز پیروزی نخواهد داشت .

از آنجا که جنبش خلق فلسطین بخشی جدائی ناپذیر از جنبش انقلابی تمامی خلقهای تحت ستم بر علیه امپریالیستها میباشد . پس باید با تمام قوا از این مبارزات قهرمانانه و آرمانهای مقدس آن دفاع کرد . امروز وظیفه نیروهای انقلابی است که در حالیکه از تجارب مبارزاتی خلق فلسطین درس میگیرند ، به اشکال متفاوت و با درصفحه ۳۲

درسهائی از قیام بهمن

از صفحه ۱

شاهانه بودند، در مقابل مظالم شدیدی که به انحاء گوناگون از طرف رژیم وابسته به امپریالیسم شاه به آنها وارد می‌آمد و از جمله انهدام خانه و کاشانه شان توسط شهرداری محل به پا خاسته و علم طغیان برافراشتند. با پشتیبانی دانشجویان و دانش آموزان رزمنده از این مبارزات بتدریج مبارزه گسترده تر شد و طبقات و اقشار متفاوت خلق را در بر گرفت و هنگامی که کارگران وارد صحنه مبارزه شدند و کارگران قهرمان شرکت نفت، شیرلوله های نفت را به روی غارتگران امپریالیست بستند، دور جدیدی از جنبش آغاز شد، قدرت عظیم طبقه کارگر لرزه براندام تمامی دشمنان خلق افکند و از آن پس بود که امپریالیستها در اجرای نقشه محیلانه خود مبنی بر حفظ نظام سرمایه داری وابسته ایران و درعین حال تعویض رژیم شاه با رژیم خینی دیگر تردیدی به خود راه ندادند.

شرکت گسترده اقشار و طبقات خلق در جنبش و وحدت و یکپارچگی آنان مبین چیزی جز اشتراك منافع تمامی خلقهای ایران در مبارزه علیه رژیم شاه بعنوان سنگ زنجیری امپریالیسم

مسا بخاطر رهائی از سلطه امپریالیسم و دست یابی به زندگی سعادت بار به آن دست زدند و گرامی باد یاد آن فداکاریهها، ایثارها، آن قهرمانی ها و حماسه آفرینی ها که گرمابخش قلب توده ها بود و هرروز با آرزودن موج جدیدی بر امواج توده های بپاخاسته، انقلاب را در بستر پرخروش خود به پیش میبرد و گرامی و خسته باد آن شور انقلابی، عشق به آزادی و محور هرگونه ستم و استثمار، یاد آن فرهنگ انقلابی و روحیه های سرشار از همدردی و همکاری و گرامی باد اتحاد یکپارچه خلق در مقابل امپریالیسم و سگان زنجیریش. اتحادی که علیرغم نفوذ دشمن بدرون صف خلق و سواستفاده های مزورانه از این اتحاد، بعنوان یکی از ارزشمندترین خیصه های قیام بهمن در تاریخ ایران ثبت است. قیام بهمن ۵۷ که طی آن توده های مبارز و قهرمان ما زرادخانه های امپریالیستی را آماج حملات خود قرار داده و با جسارت و بی باکی، ضمن تصرف پادگانهای ارتش ضد خلقی به خلق سلاح مزدوران مستقر در آن پرداختند، اوج پروسه ای از مبارزه گسترده و خونینی بود که آغازش حدودا به یکسال و نیم پیش از آن می رسید، زمانیکه زحمتکشان خارج از محدوده تهران که اکثرا همان روستائیان آواره شده از دهات در اثر اصلاحات ارضی

نبود و این امر که رژیم وابسته به امپریالیسم شاه آماج حملات توده ها قرار داشت مبین آن بود که مردم دشمن را در این چهره بخوبی میشناختند، و در عین حال شعار " پس از شاه نوبت امریکاست "، که پس از فرار شاه از طرف توده ها داده شد، بواقع حدوالی آگاهی آنان را از این حقیقت که تا قطع نفوذ امپریالیسم از ایران مبارزه همچنان ادامه خواهد داشت و پیروزی انقلاب ایران منوط به از بین رفتن هرگونه وابستگی به امپریالیسم میباشد، نشان داد. این آگاهی و این شناخت مسلما از ارزش زیادی برخوردار است و باید بدرستی بروی آن تاکید شود، ولی از جنبه دیگر در حالیکه توده ها از مبارزه جهت سرنگونی رژیم شاه تمامی منافع طبقاتی ویژه خود را محو مینمودند و بعبارت دیگر سرنگونی رژیم برای موطنه و قشر اجتماعی مفهوم و معای معین و خاصی را داشت، مع الوصف آنها از رژیمی که میبایست جایگزین رژیم پیشین گردد، درک روشنی نداشته و نسبت به آن در ناآگاهی به سر میبردند و بعبارت دیگر باید گفت که اساسا توجهشان به این مساله مهم و اساسی معطوف نبود. همین امر یکی از اساسی ترین نقصانهای انقلاب در حال جریان بود که باید بعنوان درسی بزرگ

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

از این انقلاب مورد توجه قرار بگیرد.

بدون شك خلقهای ایران متشکل از اقشار و طبقات گوناگون که در کنار هم بر علیه دشمن مشترک خویش مبارزه میکردند ، دارای منافع طبقاتی متفاوتی بودند که دلایل اقتصادی و اجتماعی شرکت آنان را در جنبش بوجود آورده بود و این منافع نیز در قالب خواستهای طبقاتی معین و مشخص مطرح بودند ، معهذا در این انقلاب مرز بندیهای طبقاتی آشکار نشد و خواستهای طبقات و اقشار گوناگون شرکت کننده در انقلاب بروشنی طرح و فرموله نگشت ، در حالیکه تمامی این خواستها اصولا میبایست بصورت برنامه ای جامع و مدون درآید تا هر یک از اقشار و طبقات خلق با وقوف به منافع طبقاتی خویش امکان یابند از طرفی راههای رسیدن به خواستهای طبقاتی خود را با آگاهی هر چه فزونتری تشخیص داده و در آن راه گام بردارند و از طرف دیگر بتوانند با آگاهی هرگونه حیل و تزویری که باعث کمرایشان میگردد و هر مانع دیگری را از سر راه تحقق اهداف خویش بربندند و از میان بردارند . فقدان برنامه انقلابی و مطرح نبودن آن در بین توده ها زمینه کاملا مساعدی را برای نفوذ دشمن بدرون جنبش خلق فراهم ساخت که مطابق با نقشه محیلانه ای از

طرف امپریالیستها بنا رخنه روحانیون و آخوندهای مزدور در صف مردم صورت واقعیت بخود گرفت . استفاده از دستگاه مذهبی روحانیون و تکیه بر مذهب این امکان را برای امپریالیستها بوجود میآورد که از طرفی به خرافات و توهمات توده ها دامن زده و از بسط آگاهی آنان حتی المقدور جلوگیری بعمل آورند و از طرف دیگر با بسیج و سازماندهی توده ها در تکایا و مساجد توسط روحانیون ضد خلق که در پوشش همکامی با انقلاب و ضدیت با رژیم شاه عمل میکردند ، از بسیج و تشکّل آنان در ارگانهائی که بواقع پیش برنده اهداف انقلابی توده ها باشند ، جلوگیری بنمایند . نقشه آن بود که با جنبه مذهبی دادن به انقلاب و طرح شعارهای کلی ، شعارهای انقلابی توده ها را از محتسوا تهی و مبارزه ضد امپریالیستی مردم را از سیر اصلی خود منحرف سازند ، تا بتوانند انقلاب را بنام انقلاب سرکوب ساخته و آنرا به شکست بکشانند . باین ترتیب هنگامیکه بکمک تبلیغات گسترده امپریالیستی رهبری کاذب آفریده شد و خمینی باصطلاح در رأس جنبش قرار گرفت آگاهانه کوشید از ارائه هرگونه برنامه ای خودداری نماید و متاسفانه توده ها و نیروهای سیاسی انقلابی نیز چنین تقاضائی را بطور صریح و قاطع از وی ننمودند ، در چنین

شرایطی بسود که خمینی و دارودسته اش در حالیکه " شعار مرگ بر شاه " توده ها را تکرار کرده و برآن تاکید مینمودند در راستای سیاست تهی کردن شعارها از محتسوا انقلابی خود با عبارات کلی و کاملا تفسیر پذیر ، مفهوم واقعی این شعار را در نزد توده ها از آن میکرفتند . اگر توده ها در فردای سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه تحقق تمامی خواستهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی خویش را میدیدند ، اگر برای توده ها اسلام و جمهوری اسلامی که خمینی مطرح میساخت جز به مفهوم پشت پا زدن به تمام روابط و مناسبات طالمانه سیستم حاکم و دست یابی به جامعه ای آزاد با معیارهای انقلابی نبود ، خمینی و دارودسته اش با تمام قوا میکوشیدند با جنبه مذهبی دادن به انقلاب همه آمال و خواستهای واقعی توده ها را در هاله ای از عبارات کلی بپوشانند و تحت عنوان دفاع از اسلام و برقراری نظام اسلامی در جامعه ، بواقع نظام مورد تهاجم توده ها با مناسبات و روابط اقتصادی و اجتماعی ذاتیش ، یعنی کلیت نظام سرمایه داری وابسته را از خطر انهدام توسط توده ها مصون داشته و آنرا حفظ نمایند . عدم ارائه برنامه از طرف خمینی که در مقطعی از جنبش دیگر ظاهرا رهبر انقلاب

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

پیش برده شود .

ولی اگر عدم آگاهی و شناخت توده ها از رژیم که میبایست جایگزین رژیم شاه شود و فقدان برنامه انقلابی مورد پذیرش توده ها در پروسه انقلاب زمینه فریب توده ها توسط دارودسته خمینی این مزدوران جدید امپریالیستها را فراهم ساخت ، نفوذ این دارودسته ضدخلق در میان صف متحد و رزمنده خلق ، معلول اوضاع و شرایط مشخص و عوامل چندی بود که باید هرچه بیشتر شناخته شده و مورد تاکید قرار گیرد .

در خطوط کلی باید گفت شدت یابی جریان سیال مبارزات توده ها - هرچند این مبارزات بدلیل اختناق حاکم بر جامعه بدون آنکه در نمودارهای وسیعی خود را منبسط سازد بصورت آتش گداخته ، در نهان ، در بطن جامعه گسترش میگیرد و دامن میکستراند - باعث تعویض هویدا نخست وزیر وقت و برسرکار آمدن آموزگار گردید که میبایست طرح امپریالیستی جدیدی را بمنظور مقابله با جنبش رو به اعتلای توده ها به مورد اجرا بگذارد . ولی با اوجگیری مبارزات توده ها و برآمد آشکار این مبارزات در شرایطی که علیرغم مقابله قهرآمیز و سرکوب شدید مبارزات توسط دشمن ، جنبش مردم اوج

محسوب میگردد و عدم وقوف توده های انقلابی بر ضرورت و اهمیت این امر ، از یکطرف باعث ناشناخته ماندن ماهیت واقعی خمینی و دارودسته اش در نزد توده ها شد و از طرف دیگر در شرایط اعتماد نامعقول و ناشی از توهم توده ها نسبت به خمینی ، این مزدور بهمراه همپالکی های خود امکان تغییر مسیر و دنامپریالیستی جنبش و انحراف آنرا یافت . توده ها بدون آنکه تحقق برنامه مشخص و فرموله شده ای را پیشروی خود قرار داده باشند ، در واقع برای برقراری جمهوری دموکراتیک خلق مبارزه میکردند ، درحالیکه خمینی و دارودسته اش ، کوسیدند این مبارزه را در جهت حفظ و استمرار نظام سرمایه داری وابسته سوق دهند ، ماهیت رژیم جمهوری اسلامی فرقی با ماهیت رژیم سلطنتی نداشت و تفاوت بین این دو رژیم نه در ماهیت بلکه تنها در شکل بود . در این رژیم الزامات و مقدرات حفظ نظام سرمایه داری وابسته ایران نه با تمدن بزرگ و برتست به عصر کورش و داریوش و جلال و جبروت شاهان بلکه میبایست با برگشت به صدر اسلام و استمداد از خدا و پیغمبر و ائمه و غیره تشریح و تبیین گردد و در عمل به

تازه ای یافته و باشدت و حدت هرچه بیشتری دامن میکستراند ، بزودی معلوم شد که امپریالیستها بایستی برای مقابله با سیل بنیان کن مبارزات خلقی که نظام امپریالیستی را در یکسایه از حساس ترین مناطق جهان ، در قلب خاورمیانه به مخاطره افکنده بود ، به تشبثاتی چند و به اتخاذ شیوه های گوناگون بپردازند و بواقع این هم برای امپریالیستهای جهانخوار به امری اساسی تبدیل شد . از اینرو تشکیلات و سقوط کابینه های مختلف این دوره مبین اتخاذ سیاستها و روشهای گوناگونی جهت چاره اندیشی در مقابل جنبش خلقی بود . تعویض کابینه آموزگار با کابینه ساسطلاح آشتی ملی شریف امامی که وعده اصلاحات و تغییر و تبدلات پندی را میداد و ظاهرا تاکنیک عقب نشینی در مقابل توده ها را برگزیده بود و سپس سقوط این کابینه و روی کار آمدن کابینه ازهارى که کارش به برقراری حکومتهای نظامی در این شهر و آن شهر و بالاخره در اقصی نقاط ایران کشید و در حالیکه جنایات ۱۷ شهریورها و ۱۲ آبان ها را آفریده بودخونی جاری درکوچه ها و خیابانها نمیدیدند و

پیش بسوی سازماندهای مسلح توده ها

دوربین شیش فریادهای زنده توده های خشمگین از مظالم رژیم شاه را بصورت نوارهای ضبط صوت به او نشان میداد. (*) و نهایتاً نیز تشکیل کابینه بختیار که بلافاصله با شعار پرمعنای بختیار نوکر بی اختیار از طرف توده ها مواجه گردید ، همگی بیانگر شیوه ها و سیاستها و اراده آلترناتیوهای گوناگونی بودند که امپریالیستها - البته در کنار شیوه ها و سیاستها و اراده آلترناتیوهای دیگر - در رویارویی با جنبش دمکراتیک و ضدامپریالیستی توده ها بکار گرفتند .

تکیه بر مذهب و تقویت جماعت روحانی و آخوند از جمله آلترناتیوهاش بود که به منظور سودجویی از امکانات دستگاه مذهبی جهت کنترل جنبش توده ها و انحراف مسیر آن موکدا مورد توجه قرار داشت . در این رابطه بود که بلندگوهای امپریالیستی از جمله رادیوهای آمریکا و بی بی سی در تبلیغات جهت دار خود به نفع آخوندها و علم کردن خمینی در شرایطی که وی برای نسل جوان انقلابی اساسا ناشناخته بود ، از هیچ اقدامی فروگذاری نمیکردند ؛ و در کنار این تبلیغات امپریالیستی جریان امور در عمل به گونه ای میگذشت که در حالیکه مراکز و نهادهای غیر مذهبی شدیداً مورد تهاجم قرار داشته و مزدوران مسلح

رژیم شاه با توسل به هر جنایتی از حرکتهای مبارزاتی جلوگیری مینمودند ، و حتی چسباندن يك اعلامیه به دیوار و یا نوشتن يك شعار به روی آن حداقل ضرب و شتم پلیس و خطر دستگیری را به دنبال داشت . آخوندهای مزدور با طیب خاطر در بالای منبر ، نطق غرائی میکردند و در حالیکه برای جلب توجه و اعتماد توده ها خود را به مبارزین مسلح منتسب میکردند ، میکوشیدند شعارهای انقلابی را از محتوی تهی و افکار توده ها و مسیر انقلاب را به جهتی بکشانند که بدان نیاز داشتند . اگر دانشگاهها بعنوان مراکز مبارزات انقلابی که بیشترین هواداران چریکهای فدائی خلق و مجاهدین را در خود جای داده بودند، هر روز شاهد درگیریهای بیساز دانشجویان مبارز و انقلابیون دیگر با مزدوران مسلح رژیم شاه بود و اگر سخن دانشگاه تهران با خون

* - از هزاری در یکی از سخنرانیهای گذاش ادعا کرد که گویا خرابکاران و اشرار دوی قرمز در جوی آب و در خیابانها میریزند تا آنرا بجای خونی که در اثر تیراندازی مامورین دولتی بر زمین ریخته شده به مردم جا بزنند و ضمناً او خود با دوربین شب پشت بامها را نظاره کرده و کسی را در حال شعار دادن ندیده است و مدعی شد

شدهای پاکبخته ۱۲ آبان گلگون گشت ، مساجد و تکایا با آزادی عملی که از آن برخوردار بودند، به مراکزی برای بسیج و تشکل توده ها تبدیل شد . بدون شك ، با مرور مجدد و دقیق بسیاری از وقایعی که در جریان اوجگیری جنبش دمکراتیک و ضدامپریالیستی توده هادر رابطه با علم کردن خمینی* و دارودسته اش و تقویت مراکز مذهبی که به نحوی از انحاء رابطه اش به این دارو دسته برمیگشت بهتر میتوان به چگونگی سیاست آلترناتیو سازی امپریالیستی در این مورد پی برد . مطلبی که در اینجا لازم

شعارهائی که در شبها از پشت بامهای تهران شنیده میشود مربوط به نوارهای ضبط صوت ها است .

** - درج متنی در رابطه با خمینی در روزنامه اطلاعات که بعداً معلوم شد توسط ساواک به این روزنامه داده شد از جمله اقدامات حساب شده برای جلب توجه افکار به سوی خمینی و تسهیل کار مبلغین مذهبی در رابطه با او بود .

متفاوت از اسلاف خود به نوعی آلترناتیو جدیدی محسوب میشد ، مع الوصف کابینه بختیار عمدتا در خدمت ایجاد فضای کاملا آزاد برای بسیج و تشکل توده ای توسط دارودسته خمینی برپا شد .

در شرایطی که فریب ، عقب نشینی و یا سرکوب وحشیانه توده ها نه فقط باعث تضعیف جنبش خلق نگشته بود بلکه آنها با فریادهای هرچه رساتر مرگ بر شاه ، مرگ بر رژیم سلطنتی ، نشان داده بودند که در پیشبرد انقلاب خویش کاملا پایدار و مصر میباشند، لازم بود امپریالیستها در حالیکه آخرین تلاشهای خود را جهت حفظ تخت و تاج شاه بکار میگیرند از آنجا که نمیبایست سرنوشت خود را با سرنوشت سگان زنجیریشان پیوند زنند ، برای حفظ سیستم سرمایه داری وابسته ایران و تامین منافع خود با پذیرش از دست دادن شاه ، در مورد آلترناتیوهای دیگر تصمیم بگیرند . برسرکار آوردن خمینی و داروستیغش بیش از هر آلترناتیو دیگری برای امپریالیستها مقبولیت داشت . از اینرو در شرایط جدید ایجاد شده در دوره بختیار ، حال میبایست بسه دارودسته خمینی بطور وسیع امکان داده شود که به کار تشکل توده ای بپردازند و توده ها را در وسعت هرچه بیشتری در ارگان هائی (حتی اگر این ارگانها بطور خود جوش

از میان خود مردم سربیزون آورده باشند) متشکل و تحت کنترل و رهبری خود درآورند . باین ترتیب امپریالیستها نیز نسبت به قابلیت این دارودسته آخوند در امر خطیر بسیج و تشکل توده ای کاملا مطمئن شده و اطمینان خاطر کسب مینمودند .

اساسا کار انقلاب حتی اگر توده ها از آگاهی سیاسی والائی نیز برخوردار باشند بدون تشکیلات و بدون متشکل شدن توده ها در ارگانهای لازم پیش نمیرود . پروسه انقلاب ایران در سالهای ۵۷ - ۵۶ این مهم را به عنوان تجربه ای ارزشمند نشان داد . این تجربه نشان داد که درحالیکه توده ها در حرکات انقلابی خود شدیدا متاثر از مبارزات فرزندان مسلح انقلابی خویش متشکل در سازمانهای چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق بودند و این دو نیروی انقلابی وسیعا مورد پشتیبانی آنها قرار داشتند و حتی آخوندهای وابسته صرفا بسا تاثیر عنصر فدائی و مجاهد و منتسب نمودن خود به این انقلابیون مسلح قادر به رونق دادن به کار خود بودند ، معهدا این دو سازمان به دلائل گوناگون درست در مقطع مورد بحث از ضعف تشکیلاتی و قدرت تشکل شدیدا در رنج بودند و چریکهای فدائی خلق به عنوان تشکل اصیل کمونیستی که رسالت رهبری انقلاب بردوش آنان قرار داشت ، از یک طرف بدلیل ضربات

پی در پی پلیس و از طرف دیگر بدلیل نفوذ اپورتونیسیم به درون آن در موقعیتی قرار گرفته بود که قادر به پیشبرد خط انقلابی سازمان نبود و اگر ما در صحن جامعه شاهد فعالیتهای واقعا انقلابی هواداران چریکهای فدائی خلق بودیم که به واقع نقش انقلابی چشمگیری در روند انقلاب ایفاء نمودند ، این تجلی تاثیر پذیری آنان از فعالیتهای انقلابی رفقای مسا در دوران دیکتاتوری سیاه شاه و بدلیل برداشتهائی بود که آن مبارزین از چگونگی پیشبرد خط انقلابی چریکهای فدائی خلق داشتند و الا سازمانی که در آن مقطع باخط مشی و نظرگاههای متفاوت از خط مشی و نظرگاههای چریکهای فدائی خلق صرفا نسام سازمان رابا خود به یدک میکشید آنان را بسه چنان فعالیتهای انقلابی رهنمون نمیکرد .

در هر حال فقدان یک نیروی متشکل و قوی کمونیستی در آن شرایط ، چنانچه انداختن یک رهبری کذائسی را از طرف امپریالیستها در جنبش خلق ما امکانپذیر ساخت . رهبری کذائی که قبل از اینکه به واقع رهبر و پیشاهنگ باشد و در جلو توده ها گام بردارد ، بدنبال توده ها و جنبش آنان روان بود و اگر نمیتوانست از شدت و دامنه مبارزه بکاهد لبه تیز حملات خلق به هدف اصلی را کند مینمود .

امروز پس از گذشت ۹ سال از قیام پرشکوه بهمن در حالیکه بسیاری از واقعاتها در رابطه با این قیام و پروسه انقلاب آشکار گشته و با روشن شدن ماهیت ضد خلقی رژیم منغور جمهوری اسلامی و افشای اسناد و مدارکی چند، پسرده از نقشه محیلانه امپریالیسم در مقابل انقلاب خلق برداشته شده است. درک این مطلب که امپریالیسم با یک عقب نشینی تاکتیکی و فدا کردن نوکسر باوفای خود شاه مزدور دست اندرکار کدام تعرض شدید و گسترده به توده ها بوده است، دشوار نیست.

یکی از مهمترین مسائلی که در رابطه با قیام بهمن مطرح میباشد درک این واقعیت است که این قیام علیرغم همه دستاوردهای گرانقدر و حقیقتاً شکوهمند خویش، قیامی بود که شکست خورد. درست است که با این قیام رسماً به عمر ننگین رژیم سلطنتی پایان داده شد، درست است که پس از قیام بهمن در شرایط جدیداً ایجاد شده، خلق لحظه ای احساس آزادی و آرامش نمود ولی بواقع قیام به هدف اصلی خود که همانا نابودی سیستم سرمایه داری وابسته ایران و قطع نفوذ امپریالیسم از ایران بود نایل نگشت. شاه رفت و سلطنت بگور سپرده شد، بی آنکه به همراه آن سیستم سرمایه داری وابسته نیز در خاک

مدفون گردد. شاه رفت ولی ارتش شاهنشاهی که حالا دیگر به دستور سازمان دهندگان اصلیش یعنی امپریالیستها مسلمان عابد گشته و خمینی را مرجع تقلید خود قرار داده بود بجای ماند و همین کافی بود تا حفظ نظام موجود و تأمین منافع امپریالیستها در ایران تضمین شده باشد و امپریالیستها بدون اینکه چندان دچار زحمت شوند به تعویض مهره ها بپردازند و سگ زنجیری جدیدی را بجای سگ زنجیری پیشین بر سرکار آورند. در این مورد ماهیت تمام عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی که از همان ابتدا جز در خدمت تأمین منافع امپریالیستها و سرمایه داران وابسته نبود، خودبروشنی تأییدی انکار ناپذیر بر این مدعاست. این تصور که گویا رژیم جمهوری اسلامی در ابتدا دارای ماهیت مردمی بود، و سپس تغییر ماهیت داده است، تصور بوج و باطلی است که با تمام واقعیات در تضاد قرار دارد. اگر هرج و مرج پس از قیام بهمن شرایط نسبتاً آزادی به وجود آورد، این صرفاً حاصل توازن قوای جدیدی بین خلق و ضد خلق و حاصل شرایط بود که خلق با قیام شکوهمند خویش با برهم زدن نظم پیشین و گسستن شیرازه بسیاری از امور، به نفع خود بوجود آورده بود. حاصل شرایطی که خلق با خلق سلاح زرادخانه های امپریالیستی اسلحه بدست آورد و

خود را مسلح ساخته بود در حالیکه نظم سابق در ارتش امپریالیستی بهم خورده و دشمن به درجه قدرت آتش خود و به نتیجه عملیات نظامی اش بر علیه خلق وقوف چندانی نداشت ولی همانطور که دیدیم جیره خواران رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز هر جا امکان می یافتند لحظه ای از حمله بسه دست آورد های قیام بهمن کوتاهی نمیکردند و سران وابسته به امپریالیسم رژیم برای حمله به خلق خیلی زود دست به تشکیل باندهای سیاه و دسته های متشکل از اوباشان و چاقویشان زدند تا در فرصتی که ارتش را برای حمله قطعی و سراسری به خلق آماده مینمایند، در جهت ممانعت از رشد جنبش وظیفه ضد خلقی خود را انجام داده باشند.

موضع دیگر در رابطه با قیام بهمن ۵۷ تاکید بر این واقعیت است که برخلاف آنچه که سران رژیم جمهوری اسلامی جلوه میدهند، این رژیم نه حاصل قیام توده ها در بهمن ۵۷ بلکه حاصل مذاکرات هویزر و سران ارتش از جمله قره باغی از یکطرف و بهشتی و بازرگان و اردبیلی و غیره از طرف دیگر میباشد و این رژیم قدرت خود را قیل از اینکه از قیام قهرمانانه خلقهای ایران کسب کرده باشد از حمایت امپریالیستهای بدست آورده است

که در دی ماه همان سال در کنفرانس گوادولوپ به تکیه آن دارودسته به اریکه قدرت رای مثبت دادند. واقعیت این بود که از اواخر دوره بختیار دیگر همه تدارکات برای انتقال قدرت سیاسی از رژیم شاه به دست دارودسته خمینی آماده شده بود و قرار به انتقال کاملا مسالمت آمیز قدرت به گونه ای بود که خلق هنوز از قیدی رها نشده بود از همان آغاز زنجیرهای گران دیگری را بردست و پای خود مشاهده نماید، ولی قیام خلق مشکلات عدیده ای در راه اجرای آن طرحهای خائنه ایجاد کرد و توانست با دست آوردهای درخشانی که برای توده ها به ارمغان آورد انقلاب را علیرغم همه تشبثات دشمن عمق هرچه بیشتری بخشد.

در خاتمه این بحث بی مناسبت نیست برای نکته نیز اشاره کنیم که در برخورد به قیام بهمین اغلب در بین نیروهائی که ظاهرا با امتد مارکسیستی به تجزیه و تحلیل آن میپردازند، اگر چه بدرستی عدم قرار گرفتن طبقه کارگر در رأس قیام و رهبری آن اصلی ترین عامل شکست قیام مطرح میگردد ولی این جریانات در همین جا متوقف شده و هرگز نمیگویند که طبقه کارگر چگونه و در چه شرایطی میتواند و یا میتواند رهبری قیام را بدست بگیرد.

آنها شادمان از طرح حقیقتی که بعنوان امری بدیهی کشف تازه ای از جانب آنان محسوب نمیشود، این نتیجه غلط و بسیار زیانمند را از شکست قیام بهمین میگیرند که گویا راه انقلاب ایران و راه بدست گرفتن قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر، ترتیب قیامهای مسلحانه شهری است و با الگوبرداری و کلیشه سازی که یکی از بارزترین خصوصیت اپورتونیستی در میهن ماست کوئی که طبقه کارگر ایران درست در همان شرایطی به سر میبرد که طبقه کارگر روسیه بسر میبرد، برای انقلاب ایران راه انقلاب روسیه را تجویز میکنند.

قیام بهمین، قیام خودبخودی و بدون رهبری بود و همانطور که تجربه بارها نشان داده است نتیجه چنین قیامهایی چیزی جز شکست نیست. درحالیکه خصیصه یک قیام پیروزمند در سازمانیافتگی آن نهفته است، از اینرو باید دید طبقه کارگر چگونه و در چه پروسه ای قادر به شکل خویش آنها نه فقط شکل صنفی بل شکل در عالیترین ارگان سیاسی خود بوده و چگونه و در چه پروسه ای در رأس نیروهای اجتماعی سازمانیافته قرار خواهد گرفت تا پس از رهبری مبارزه در اشکال متفاوت و انجام تدارکات لازم در موقعیت مناسبی دستور قیام را صادر نماید.

واقعیت این است که اگر

در روسیه شکل طبقه کارگر و پروسه بسیج و سازماندهی توده ای توسط کمونیستها در بستر کار آرام سیاسی امکانپذیر بود و اگر تحت استبداد تزاری و تحت همه قساوتها و وحشیگریهای ناشی از آن در هر حال اعتصابات گسترده و رو به رشد کارگری امکان پذیر بوده و اصلی ترین بستر مبارزاتی را تشکیل میداد و درست در همین پروسه حزب طبقه کارگر میتواند قیام آگاهانه و سازمانیافته ای را برپا داشته و آن را رهبری نماید، الزامات ساخت اقتصادی - اجتماعی در ایران که بالاچار دیکتاتوری عنان گسیخته ای را میطلبد، در پروسه ای نظیر آنچه در روسیه گذشت و در اشکال شناخته شده پیشین امکان شکل طبقه کارگر را نمیدهد بنابراین اگر پیروزی قیام منوط به سازمانیافتگی و اعمال رهبری آگاهانه طبقه کارگر باشد، بستری که طبقه کارگر در آن متشکل گشته و ستاد رزمنده خویش، حزب کمونیست رامیسازد، بستری که امکان رهبری به طبقه کارگر میدهد بستر و پروسه یک جنگ توده ای و طولانی است، پروسه ای که اساسا راه انقلاب ایران را نشان میدهد. تجربه شکست قیام بهمین صرفنظر از زوایای دیگر که در این مورد مطرح است از زاویه فوق الذکر نیز یکبار دیگر این حقیقت را که انقلاب ایران نمیتواند از راه قیامهای شهری به پیروزی برسد خاطر نشان نمود.

دروء برقیام بهمین، زنده باد جنگ توده ای و طولانی. ●

ارتش و سپاه ضد خلقی دو تشکیلات بسیار ضروری برای جمهوری اسلامی

"حقیقت این است که ارتش و سپاه دو تشکیلات بسیار ضروری و لازم برای این انقلاب و این ملتند که حساسترین وظیفه رو به خودشون اختصاص دادند."

این گفته بخشی از اعتقاد زاسسخ سگان زنجیری امپریالیسم در ایران، یعنی سردمداران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی است که توسط خامنه ای مزدور در قالب این کلمات، خطاب به پرسنل نیروی هوایی در سالگرد ۱۹ بهمن (که از طرف رژیم روز نیروی هوایی قلمداد گردیده است) ایراد شد.

البته شاید امروز بعد از طی ۹ سال حاکمیت سپاه رژیم وابسته حاکم، نقش به غایت ارتجاعی و سرکوبگرانه ارتش و سپاه در تکوین و تحکیم پایه های جمهوری اسلامی و در هم شکستن اوج جنبش توده ها، بعد از قیام شکوهمند بهمن، برای کارگران و خلقهای تحت ستم ما در زندگی مادی شان روشن تر از هر زمان دیگری باشد، اما برای اینکه مفهوم سخنان خامنه ای را دقیقتر فهمیده باشیم، بدنیست که با کمی کندوکاو در جوانب مختلف این سخنان، به واقعیات جاری زندگی رجوع نماییم، تا معنای عملی آنچه که این سگ

زنجیری امپریالیسم درباره نقش و وظایف نیروهای مسلح طرح مینماید را بهتر در یابیم و با روشنی بیشتر بتوانیم در باره ارتش به عنوان یک تشکیلات امپریالیستی در جامعه تحت سلطه مان سخن گفته و آنرا تشریح نماییم.

واقعیت این است که در دورانی که مادر آن بسر میبریم، رشد دائم التزاند بحرانهای بین المللی گریبانگیر امپریالیسم و نیاز سیری ناپذیر انحصارات جهانی به غارت و سرکوب فزونی تر کارگران و خلقهای محروم ملل تحت سلطه و به موازات اینها آهنگ سریع رشد جنبشهای رهاشبخش و نهضت های انقلابی بر علیه این مناسبات، ضرورت حفظ و تقویت گسترده تر زرادخانه جنگی امپریالیسم در سطح جهانی را در تمام تجلیات و اجزاء خویش بیش از پیش در دستور کسار امپریالیستها و مرتجعین قرار داده است.

بر همین مبناست که در سالهای اخیر روند رشد یابنده تبدیل کشورهای عقب نگاه داشته شده و تحت سلطه به کانونهای پرخروش مبارزه و عظیمان توده ای بر علیه طبقات وابسته حاکم و دیکتاتوری های امپریالیستی، از جنبه دیگر

خود با سازماندهی و تجهیز بیش از پیش ساختمان و قدرت ارتشهای مزدور امپریالیستی و گسترش نقش به غایت ضد خلقی و جنایتکارانه آنها در کنترل و سرکوب این مبارزات مقارن گشته است.

اصولا گرایش شتابناک امپریالیسم و سگان زنجیریش در سطح جهانی به نظامیگری و خطر گسترش و نفوذ شیخ سرخ کمونیسم و انقلاب، که اینک در بسیاری از جنبشهای انقلابی و رادیکال توده ای متبلور شده است، تخصیص نیروهای عظیم و بودجه های نجومی به سازمانگری و تقویت نیروهای مسلح و سرکوبگر برای امپریالیستها به امری لازم و ضروری بدل نموده است و در حالیکه کارگران و سایر توده های ستمکش در کشورهای تحت سلطه در وخیم ترین اوضاع اقتصادی به سر میبرند نیروهای مسلح مزدور در هر یک از این جوامع هر سال بخش عظیمی از ثروتها و درآمدهای عمومی را در کام خود می بلعند تا قدرت مانور و توان ضد خلقی آنها در سرکوب و چپاول توده های محروم و تاسمین منافع سرمایه داران بین المللی و همپالکی هایشان در کشورهای مزبور هر چه بیشتر تقویت گردد.

نجومی از کیسه کارگران و زحمتکشان صرف تجهیز و سازماندهی و تسلیح آن میکرد و به مثابه نیروی مافوق توده ها و بیگانه با آنها، رسالتش در هر شکلی که باشد همانا به انقیاد در آوردن خلقهای تحت ستم و محکم کردن زنجیرهای بردگی و استثمار سرمایه داری جهانی برپای کارگران و زحمتکشان است. نیروی که به آخرین تکنیکها و پیشرفته ترین تجارب و سیستم های سرکوب و جنگ افزارهای مرکب از غارتگران جهانی مجهز است و به واقع که در سالهای اخیر نشان داده است که در سرکوب جنبشهای انقلابی و ضد امپریالیستی خلقهای ستمدیده و به خاک و خون کشیدن توده های بیگناه از قدرت مانور و استعداد شگرفی در دناات و پستی برخوردار میباشد.

با چنین ماهیت و عملکردی است که میتوان فهمید چرا امپریالیستها برای اعمال سلطه ننگین خود در کشورهای تحت سلطه و تامین منافع ضدخلقیشان از این موسسات یعنی ارتشهای ضد خلقی به عنوان کلیدی ترین ابزار استفاده میکنند.

ارتشهای ضد خلقی ستون فقرات نظامهای غارتگرانه امپریالیستی در جوامع تحت سلطه اند. امپریالیستها به وسیله ارتش و سایر زوایا رنگارنگش

و قمع آنها مشکلتر میشود - و گاهها حتی از توان ارتشهای مزدور بومی يك کشور مشخص خارج میگردد - حیطة عملکرد سایر نیروهای سرکوب و ارتشهای ضد خلقی موجود در منطقه گسترده تر شده و برای انجام وظیفه ناتمام همپالکیهای خود در کانونهای انقلابی مستقیماً وارد عمل میشوند. لشکرکش شاه خائن به عمان و سرکوب جنبش انقلابی مردم ظفار در سال ۵۴ - ۵۲ و یا نقش بیشرسانه ارتش مزدور سوریه در لبنان و حضور وسیع نیروهای مزدور هند برای قلع و قمع جنبش توده ای تامیلیها در سریلانکا در ماههای اخیر مبین چنین واقعیتی هستند.

به این ترتیب است که فشرده و به هم پیوستگی هرچه بیشتر منافع ضد خلقی سرمایه داری در سطح جهانی و ضرورت حفظ و حراست این منافع و غارت و چپاول گسترده تر کارگران و خلقهای تحت ستم در سراسر دنیا، به موازات خود به واقعیت اتحاد هرچه بیشتر نیروهای سرکوبگر امپریالیستی در سطوح منطقه ای و جهانی و در غالب پیمانهای بزرگ و کوچک نظامی، جنبه عملی بخشیده است. امری که حاصل آن ماشین های جنگی بزرگی است که به مثابه چماق سرکوبگری بر سر کارگران و خلقهای زحمتکش سراسر دنیا و جنبش انقلابی آنان سنگینی میکند. ماشین های جنگی غول پیکری که امروز ارقام

قتل عام صدها هزار نفر از توده های محروم در ظرف چند روز در اندونزی تحت حکومت سوهارتوی مزدور، و کشتار و بکیر و بیند دهها هزار تن توسط پینوشه در شیلی و کشتار توده ها در ۱۷ شهریور تهران (جمعه خونین) و غیره نمونه های گویایی از نقیض جنایتکارانه ارتشهای امپریالیستی و مزدور در مقابله با جنبشهای انقلابی و عادلانه توده ای هستند.

البته محدود کردن نقش و وظیفه ارتش های ضد خلقی و سایر دستجات مسلح مزدور امپریالیسم در جوامع تحت سلطه صرفاً به سرکوب جنبشهای توده ای در همان کشورها امر اشتباهی است. گسترش و عمق بحران سیاسی در کشورهای سرمایه داری و بویژه در جوامع تحت سلطه، که به نوبه خود معلول بحران های عمیق اقتصادی و تضادهای حاد طبقاتی در این کشورهاست از یکسو و ماهیت امپریالیستی این ارتشها از سوی دیگر به بازوی نظامی امپریالیسم یعنی ارتشهای سرکوبگر وابسته، عملکردی فراسوی مرزهای کشوری و منطقه ای بخشیده است.

بر بستر بحران اقتصادی فزاینده کریبانگیر امپریالیسم، به همان نسبت که جنبشهای انقلابی و امر انقلاب در کانونهای بحران از رشد و عمق بیشتری برخوردار میگرددند و قلع

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

نیروهای مسلح امکان پذیر است . در روند جنبشهای انقلابی نمونه های بسیاری در دست است که ارتشهای ضد خلقی و جنایتکار یعنی همان جلادان خلقها و گرگهای درنده دیروز ، در مرحله معینی از رشد و تکامل قیامهای توده ای به لباس میش و در هیات دفاع از انقلاب بر می آیند تا در فرصتهای مناسب بعدی ، انقلابی که به خاطر دایره محدود دید انقلابیون و یا رهبری سازشکار آن و یا به هر دلیل دیگر ، در صدد نابودی و در هم شکستن این تشکیلات ضد خلقی بر نیامده است را سرکوب کنند . نظیر آنچه که در قیام بهمن و در کشور خودمان پیش آمد . در جریان قیام شکوهمند خلق شاهد بودیم که ارتش ضد خلقی و شاهنشاهی ای که اساسا به وسیله امپریالیستها بنیاد نهاده شده بود ، ارتشی که در جریان کودتای ننگین ۲۸ مرداد حکومت ملی دکتر مصدق را ساقط نموده و با توسل به دهها جنایت دیگر موجبات چندین دهه دیگر فقر و فلاکت و تحت سلطگی رابضرای توده ها فراهم نموده بود ، چگونه یکشنبه توسط خمینی مزدور تطهیر شده و با شعار " ارتش برادر ماست " از آتش کینه و خشم بنیان برافکن جنبش توده ها در امان ماند ، تا در فرصتهای مناسب بعدی بر علیه همین توده های به پا خاسته به کار گرفته شود .

حال با توجه به توضیحات فوق است که میتوان درک کرد چرا خامنه ای جنایتکار از ارتش و سپاه ضد خلقی به عنوان " دو تشکیلات بسیار ضروری و لازم " برای جمهوری اسلامی یاد میکند . و این نیروهای مسلح امپریالیستی را " نوک پیکانی " مینامد که از " انقلاب اسلامی " کدائی جمهوری اسلامی به قیمت سرکوب ددمنشانه توده ها پس از قیام بهمن " دفاع مسلح " میکنند .

واقعیت این است که خمینی و خامنه ای و دارو دسته وابسته حکومتی در جمهوری اسلامی از همان آغاز به خوبی به نقش ضد خلقی و پایه ای این تشکیلات های تا بن دندان مسلح و آمریکاشی در حفظ دیکتاتوری امپریالیستی حاکم بر ایران واقف بودند و به همین خاطر هم بود که ، در حالی که میرفت تا قیام توده های مسلح ، ضربات اساسی و جبران ناپذیری بر این ارگان سرکوب وارد آورد ، با طرح شعار " ارتش برادر ماست " و " امام که حکم جهاد نداده است " آن را از گزند ضربات خرد کننده توده های مسلح و به پا خاسته بیرون کشیده و سریعاً بازسازی و ترمیم آن را با کمک همان کارشناسان دوره دیده آمریکاشی و غیره آغاز نمودند . و در کنار آن نیز با ایجاد ضامم دیگری نظیر سپاه پاسداران و

تغییر و تحولات مربوط به اوضاع سیاسی و اقتصادی را در کشورهای وابسته و نومستعمراتی در چهار گوشه جهان کنترل میکنند ، موسسات صنعتی و اقتصادی و مالیشان را توسط همین ارتشها حفظ و حراست کرده و با قدرت آنها برای گردش سرمایه و کسب سودهای بیکران در هر نقطه جهان امنیت ایجاد میکنند . و در همه حال ارتش آن تشکیلاتی است که برای در هم شکستن جنبشها و تشکلهای انقلابی و توده ای بدان توسل میجویند . و ارگانی است که در مواقع لزوم و برای غلبه بر بحرانها در هر جا که لازم شد توسط امپریالیستها به کار گرفته میشود تا از سریعترین راه ممکنه قدرت سیاسی تضعیف گشته را تحکیم و یا در کانالهای دلخواه تعویض نماید .

با توجه به چنین ماهیت و ساختی است که هنگامی هم که در جوامع تحت سلطه خیزش های توده ای و انقلاب ، به عنوان امری محتوم پدیدار میشود ، امپریالیستها و کارگزارانشان شدیداً مراقبند که به این تشکیلات و اساس آن حتی الامکان آسیبی وارد نیاید چرا که احیاء و بازسازی دوباره مناسبات ظالمانه مورد تعرض قرار گرفته پیشین که تحت تاثیر جنبشهای توده ای حتی متحمل ضرباتی چند هم شده باشند ، اساساً به وسیله اعمال قدرت همین ارتشها و

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

درخون خود غوطه ورساخت وهمین ارتش کودتاجی ۲۸ مرداد سال ۱۳۲۲ بود که در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ نیز با سبعیت تمام و با گرفتن حکم جهاد از امام جنایتکارش یورش ددمنشانه خود را به خلق کرد آغاز کرد و جنگی تمام عیار و ناعادلانه را به این خلق رزمنده و در زنجیر تحمیل نمود . تانکهایش از روی مردم بی دفاع سنبلدج گذشت و سلاحهای آمریکائیش قلب هزاران تن از کودکان و نوجوانان ، مبارزین و مردم بیگناه و محروم این خطه را به خاطر درخواست حقوق عادلانه شان سوراخ سوراخ کرد . و طی تمامی این مأموریتهای امپریالیستی همه جا از یاری دنبالچه هائی چون سپاه ضد خلقی و کمیته ها و نیز برخوردار گشته و در جریان عمل توان و قابلیت سرکوب این ارگانهای سرکوبگر را نیز تا مدارج نوینی تکامل داد . و بالاخره همین ارتش دست پخت امپریالیستها بود که زمانیکه منافع اربابانش در شروع و تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق قرار گرفت با وحشیکری تمام به پیشبرد این سیاست امپریالیستی پرداخته و میهن ما را به عرصه جنگی اینچنین ویرانگر و ارتجاعی که تماما بر علیه خلقهای منطقه میباشد

کمیته های ضد خلقی و به دایره عمل و پتانسیل سرکوب خود در رژیم جدید بر علیه توده ها گسترش هرچه بیشتری بخشیدند . دیکتاتوری امپریالیستی در حالیکه در ماهها و روزهای متلاطم و پسر آشوب قیام نظم ضد خلقیش را مختل شده می یافت پس از گذراندن این روزها و در اولین فرصت با به صحنه آوردن ارتش ضد خلقی و با به قول خامنه ای مزدور این "بهلوان زنجیر گسته " خیلی سریع به قلع و قمع نهضت انقلابی توده ها بر خاسته و به بازستاندن وحشیانه دستاوردهای انقلابی جنبش آنان مبادرت ورزید . توده های ما شاهد بودند که همین ارتش اسلامی که در واقع چیزی جز ارتش شاهنشاهی تعمیر یافته دیروز نبود ، در همان اولین ماههای پس از قیام به فرماندهی تیمسار فلاحتی ، این مزدور سیال لشکرکشی به ترکمن صحرا را آغاز نمود و با به توپ و خمپاره بستن خانه و کاشانه توده های بیگناه ، جنبش عادلانه و بر حق آنها برای زمین و آزادی که بوسیله شوراها ی خلق ترکمن به پیش میرفت را به خاک و خون کشید. همین ارتش ضد خلقی بود که در چهارشنبه سیاه ، با قساوت تمام خلق محروم عرب را

تبدیل نمود . جنگی که ابعاد مرگبار آن در برخی جوانب تنها با ابعاد جنگهای جهانی قابل قیاس میباشد . جنگی که در طی گذشت بیش از ۷ سال مداوما بر فقر و فلاکت کارگران و خلقهای تحت ستم افزوده و زندگی آنان را در آتش خود تپاه کرده و به موازات آن ، کسب ثروتهای افسانه ای را برای هدایت کنندگان و کنترل کنندگان واقعی آن یعنی امپریالیستها و شرکای رویزیونیست شان مقدور نموده است . جنگی که صدها هزار انسان بیگناه از کودکان و نوجوانان گرفته تا زنان و سالخوردگان در میدانهای وسیع آن سلاخی شده و صدها هزار تن دیگر در جریان آن معلول و یا مفقودالایر و بی خانمان شده اند . جنگی که کل منطقه را به دژی نظامی بدل ساخته و میدانهایش در شهرها و روستاها و سایر اماکن مسکونی در واقع به آزمایشگاهی برای امتحان کاراش آخرین مدل از سلاحهای مخرب و خانمان برانداز امپریالیستها و کشورهای به اصطلاح سوسیالیستی مبدل گردیده و تمامی راهزنان بین المللی برای کسب سودهای نجومی از برکت این جنگ ضد خلقی و در نتیجه مهار بحرانهای خویش با یکدیگر به مسابقه عجیبی برخاسته اند. جنگی که با تمامی

پیش بسوی تشکیل ارتش خلق

عواقب مخرب و بازتابهای تباہ کننده اش به وسیله ارگانهای ضد خلقی ای نظیر ارتش و سپاه در جهت منافع امپریالیستها پیش میرود.

اکنون نینسز تنهادریک مورد دو سوم بودجه مملکت که از سفره توده های زحمتکش و محروم ما به زور سرنیزه و با شیوه های گوناگون اخاذی شده، توسط خامنه ای مزدور و همپالکهایش صرف حفظ و نگهداری و تغذیه این ماشین نظامی عظیم میگردد تا تحت نظارت امپریالیستها غارت و سرکوب و قلع و قمع توده ها و پیشبرد جنگ ارتجاعی در یک زمان واحد میسر گردد.

امروز دقیقاً به اعتبار وجود این کارنامه سراسر سیاه و وجود و تداوم چنین منافع و اهدافی است که در دیکتاتوری امپریالیستی حاکم بر میهن ما یعنی در زیر سلطه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، ارتش ضد خلقی به همراهی سپاه و سایر زواند سرکوبگرش توسط خامنه ای تبهکار، با عناوین پرطمطراق "پهلوان زنجیرگسته" و "نهال برومند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی" تجلیل میکردند. این که این "پهلوان زنجیرگسته" و این "نهال برومند" دوتشکیلات بسیار "ضروری و لازم" برای دیکتاتوری امپریالیستی حاکمند منتج از این حقایق و در واقع بیانگر تیز بینی و فراست

ضد انقلابی خامنه ای و اربابان امپریالیستش است که به مانند تمامی همپالکهای جنایتکارشان در نظامهای دیکتاتوری و ضد خلقی اهمیت اعمال زور و سرکوب سیستماتیک و سازمان یافته طبقه شان در قالب چنین تشکیلات مسلحی برای حفظ قدرت سیاسی در حکومتهای مطلوب خویش را بخوبی درک میکنند. بنابراین اگر خامنه ای بنا به ماهیت ضد خلقی و وابسته اش نقش ارتش و سایر ضامن آن در تداوم حیات رژیم سرسپرده جمهوری اسلامی را درک میکند، جنبش انقلابی و خلقهای دربندمان نیز که نابودی این رژیم را هدف خود قرار داده اند باید با وسعت نظر هرچه بیشتری به اهمیت و نقش این موسسات سرکوب نگریسته و شیوه های نابودی آن را در انقلاب رهائیبخش خلقهای ایران در نظر بگیرند.

ما می گوئیم در تمامی جوامع طبقاتی و از جمله در جامعه تحت سلطه ما، دولت ارگان سیادت و برتری یک طبقه برعلیه طبقه یا طبقات دیگر است. بنابراین همین قانونبندی عام است که امروزه مثنی سرمایه دار وابسته و زالو صفت از جمله سردمداران جمهوری اسلامی با اتکاء تمام و کمال به قدرتهای امپریالیستی، بر جان و مال اکثریت عظیمی از توده های محروم یعنی کارگران، دهقانان و سایر اقشار مختلف

خرده بورژوازی حکم می رانند و با استثمار و غارت و چپاول روزافزون آنها کسب مافوق سود و ارزشهای اضافی را برای راهزنان بین المللی و امپریالیستها میسر میسازند. تمامی امکانات و ثروتهای جامعه از قبیل ابزار تولید و منابع طبیعی و ملی در اختیار این اقلیت معدود قرار دارد و اکثریت مطلق آحاد جامعه از داشتن طبیعی ترین حقوق اجتماعی و اقتصادی خویش محرومند. تمامی واقعیات روشن دیگر در جامعه امروز ما دلالت بر این امر دارند که در یک سوی این تضادهای عمیق اجتماعی امپریالیستها و نوکرانشان ایستاده اند و در سوی دیگر توده های میلیونی کارگران و خلقهای تحت ستم و دولت جمهوری اسلامی ارگان اعمال سلطه طبقاتی امپریالیستها و سرمایه داران وابسته برعلیه توده های محروم و زحمتکش ماست.

اما اعمال این سلطه ددمنشانه امپریالیستی بر هستی توده ها - همانطور هم که تجربیات فراوان موجود در سطح بین المللی مؤید آن است - تنها با بکارگیری دستگاههای عریض و طویل سرکوبی که با سرکوب وحشیانه مبارزات توده ها دیکتاتوری وحشتناک و عنان کسبخته، یعنی روبنای ذاتی چنین نظامی را اعمال میکند،

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

تمامی این حقایق انکار ناپذیر، هنوز هم پس از گذشت سالها سایه شیوه های برخورد سازشکارانه و اشاعه وسیع نقطه نظرات نادرست در مورد این مسائل عمده انقلاب بر فضای جنبش انقلابی سنگینی میکند. به همین دلیل هم است که هنوز هم هستند سازشکاران و فرصت طلبان ریز و درشتی که با به فراموشی سپردن آموزشهای اساسی انقلاب و تجارب انقلابی در رابطه با نقش ارتش و سپاه و سایر نهادهای سرکوب، در تبلیغات عوامفریبانه شان میکوشند بدون انهدام این موسسات سرکوب به خیال خود، نظام موجود را واژگون ساخته و به اصطلاح به خواستهای خود دست یابند. و یا با تئوری پردازیهایی بی بند و بار و فاقد مضمون واقعی با چند مرحله کردن انقلاب دمکراتیکی که واقعیات ضرورت انجام آن را در کام نخست پیشاروی انقلابیون قرار داده است امر در هم شکستن ارتش و سپاه و ... را به آینده ای

امکان پذیر است. ارتش، سپاه و کمیته، شهربانی و ژاندارمری و زندان، و ساواک و ساواما از زمره این دستگاهها و موسساتی هستند که دیکتاتوری امپریالیستی حاکم بر میهن ما چه در زمان شاه و چه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی قهر و زور ضد انقلابی خود را بر علیه خلقهای تحت ستم به شکلی سازمانیافته و سیستماتیک اعمال کرده و با بکار گیری چنین تشکیلاتهای سرکوبگری در جهت حفظ و توسعه نفوذ امپریالیسم و سگان زنجیریش در تمامی شئون زندگی توده ها کوشیده است.

در نتیجه اگر انقلاب ضد امپریالیستی خلقهای تحت سلطه، مسئله نابودی سلطه امپریالیسم را در دستور کار خود قرار داده است پس دیگر هیچ جنبش انقلابی به مفهوم اخص کلمه حتی اگر با صادقانه ترین نیات شکل گرفته باشد، تا زمانی که انهدام و خرد کردن تمامی نهادهای ارتجاعی - بوروکراتیک را علی العموم، و ارتش و سایر دستجات مسلح مزدور را علی الخصوص، در راس برنامه خود قرار ندهد و مهمتر از آن راه اساسی نیل به این اهداف را برای انقلابیون روشن نسازد قادر به کامیابی نهائی و حصول آزادی برای جامعه نخواهد بود.

اما متأسفانه بی‌رغم

نامعلوم و امری گذارند غافل از اینکه بدون انهدام ماشین سرکوب دیکتاتوری وابسته حاکم، حصول به دمکراسی و انجام کمترین تحول انقلابی امکان پذیر نبوده و نیست. چرا که ارتش و سایر موسسات سرکوب عمده ترین عامل سد کننده هرگونه تغییر در نظم ارتجاعی موجود و ستون فقرات و مدافع چنین نظام غارتگرانه ای اند بدون شک در جامعه ما انقلاب در این مرحله باید در روند تدریجی خود طی یک جنگ توده ای و طولانی ماشین بوروکراتیک - نظامی حاکم متشکل از ارتش و سپاه ضد خلقی و سایر دنباله های امپریالیستی شان را به مثابه ستون فقرات و بخش مهمی از ارگانهای اقتدار و دیکتاتوری سرمایه داران وابسته به امپریالیسم برای استثمار و چپاول خلقها را در هم شکنند و به جای آنها ارتشی انقلابی از توده های مسلح را به وجود آورد. تشکیل چنین ارتش در صفحه ۳۷

پیاد صدق

که در راه ملی کردن صنعت نفت و

مبارزه بر علیه امپریالیسم فعالیتهای

ارزنده های نمود، گرامی پیاد!





بیاد شهدای جاوید ۱۱ اسفند

امید را در دلهای خلق افشاندند و راه فردای روشن را به او نشان دادند. بدینسان بود که چریکهای فدائی خلق در دلهای کارگران و زحمتکشان جای گرفته و از هر قطره خون آنها صدها چریک فدائی برخاست.

در میان شهدای گرانقدر ۱۱ اسفند، بنیانگذار کبیر سازمان چریکهای فدائی خلق، رفیق مسعود احمدزاده هروری از جایگاه ویژه ای برخوردار است. رفیق مسعود یکی از برجسته ترین کادرهای جنبش نوین کمونیستی بود. وی باتکیه بر استعداد کم نظیر خود و با بهره گیری از دانش گسترده مارکسیستی اش، با تحلیل از شرایط جامعه ایران و با جمع بندی تحقیقات و مشاهدات عینی گروه و درس گیری از تجربیات مبارزاتی انقلابات رهائی بخش در جهان تئوری انقلاب ایران را تبیین و تدوین نمود و بروشنی راه برون رفت از بن بست جنبش و تغییر وضعیت حاکم در آن مقطع را نشان داد.

رفیق مسعود در اثر همیشه جاودان خود، مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک نشان داد که تئوری مبارزه مسلحانه، تنها تئوری انقلابی است که عنصر پیشرو با تحقق آن خواهد توانست نیروی



از صفحه ۱۶

جان خود را در راه تحقق آرمانهای انقلابی طبقه کارگر نثار کردند.

"من یک کمونیستم و در راه تحقق آرمانهایم برای نابودی بساط حکومت ننگین شما سلاح بدست گرفتم" این سخنان رفیق حمید توکلی در دفاعیات قهرمانانه اش از آرمان سترگ چریکهای فدائی خلق، در بیدادگاه های آریامهری، حاکی از پای نهادن نسلی از مبارزین در عرصه بیگار طبقاتی بود که شور و عزم، صداقت و آگاهی انقلابی، چنان ایمانی بدانها بخشیده بود که در آن سالهای سیاه دیکتاتوری امپریالیستی موفق شدند از درون مبارزه و از میان خون و آتش، راه خود را بسوی خلق خویش هموار سازند و با زدودن همه زنگارها و تیرگی ها بین خلق و فرزندان انقلابیش، با خلق خویش رابطه ای نوین برقرار نمایند. آنان با پیرویه عمر کوتاه ولی پر بار خود، بذر آگاهی و ایمان و

عظیم انقلابی نهان در توده ها را بجریان انداخته و مبارزه توده ای را در بستر جنگی طولانی برعلیه امپریالیسم و سگان زنجیریش جاری سازد و جنبش انقلابی تنها باطنی این پیرویه و با رهبری طبقه کارگر قادر خواهد بود که دشمن را با گورستان تاریخ سپرده و پیروزی را نصیب خلقهای قهرمان ایران نماید.

در آستانه شانزدهمین سالگرد شهادت قهرمانانه رفقای ارزنده مان یکبار دیگر یاد و خاطره آنها را گرامی داشته و پیمان میبندیم که با حفظ و ادامه ارزشهای والای قیامزاتیشان، راه سترگ آنان را تا رهائی خلقهای در بند میهنمان تداوم بخشیم.

جاودان باد خاطره شهدای ۱۱

اسفند چریکهای فدائی خلق

ایران

جاودان باد خاطره تمامی شهدای

بخون خفته خلق

گرامی باد ۱۷ اسفند (۸ مارس) روز جهانی زن

از صفحه ۱۱

زنان کارگر بود که تاثیر بس مهمی در جلب هرچه بیشتر اذهان بسوی شرایط دهشتناک کار و زندگی زنان و نیروی مبارزاتی آنان برجای گذاشت و به همین دلیل هم دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۱۰ در کنفرانس زنان سوسیالیست انترناسیونال دوم، منعقد شده در کپنهاگ به پیشنهاد کلارا زتکین یکی از رهبران برجسته سوسیال دمکراسی آلمان، ۸ مارس بعنوان روز جهانی همبستگی زنان کارگر و رحمتکش تعیین گردید. و از آن پس نیز هر ساله این روز به مثابه روز وحدت بین المللی زنان کارگر سراسر جهان در مبارزه شان برعلیه ظلم و ستم سرمایه داری در حق زنان و برای نابودی هرگونه ستم و نابرابری تحمیل شده بر آنان، از سوی توده های هرچه بیشتری مورد توجه قرار گرفته و هر روز که میگذرد با گرامی داشت ۱۷ اسفند (۸ مارس) به مثابه روز جهانی زن و مبارزه در راه تحقق برابری کامل حقوق زن و مرد از شدت و دامنه فزونی بیشتری برخوردار میگردد. از آنجاکه زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل داده و مبارزه زنان کارگر جزئی جدانشناختنی از مبارزه جهانی طبقه کارگر بر علیه نظام جا برانه سرمایه داری

میباشد و از آنجا که هیچ جنبش واقعا توده ای برعلیه تمامی بیدادگریها و مظالم سرمایه داری بدون شرکت وسیع زنان نمیتواند وجود داشته باشد، پس مسئله مبارزه زنان و رشد و گسترش این مبارزه برعلیه سرمایه داری از اهمیت بس بزرگی برخوردار میباشد که باید مورد توجه دقیق همه انقلابیون قرار گیرد.

زنان در جریان مبارزات طولانی خود تاکنون توانسته اند بخشی از حقوق برحق خویش را در اینجا و آنجا و در این یا آن کشور سرمایه داری بدست آورند و برابری زن و مرد را بعنوان امری بدیهی در بسیاری از کشورهای جهان رسمیت بخشند؛ اما از آنجا که تا نظام سرمایه داری برقرار است برابری کامل حقوق زن و مرد در عمل امکان پذیر نمیشود، هنوز هم بسیاری از بندهای اسارت بردست و پای زنان سنگینی نموده و در عمل عدم تساوی حقوق زن و مرد همچنان به مثابه واقعیت انکارناپذیری حتی در پیشرفته ترین جوامع سرمایه داری خود را نشان میدهد.

در ایران نیز نگاهی به زندگی و مبارزه زنان در زیر سلطه منحوس جمهوری اسلامی خود نمونه زنده ای از بخشی از

زورگوشیها و تعدیات و ستم های وحشیانه ای است که در چهارچوب نظام سرمایه داری وابسته ایران بر زنان تحمیل گشته و آنان را برای زهانش از این قید و بندها به مبارزه ای سخت و نابرابر با مزدوران جمهوری اسلامی فرا خوانده است.

اگر مبارزات سالهای ۵۷ - ۵۶ و قیام بهمن بعنوان فرازی پرشکوه و فراموش ناشدنی در تاریخ مبارزات خلقهای ستمدیده ایران، به روشنی بیانگر نهضت خلقی ستمدیده ولی بیباک و بیباک برای نابودی سلطه امپریالیسم و تمامی ظلم و ستمهای ناشی از آن بود و اگر این واقعیت انکارناپذیری است که زنان نقش بس بزرگ و وسیعی در این مبارزات برعهده داشتند پس خود همین واقعیت نیز یکی از دلائل اقدامات سرکوبگرانه رژیم جانشین رژیم شاه در سرکوب مبارزات زنان در چهارچوب سیاست سرکوب انقلاب و نابودی دستاوردهای آن را مشخص میسازد بویژه که جمهوری اسلامی در شرایطی به حراست از نظام سرمایه داری وابسته ایران گمارده شد که این نظام را بحران بس بزرگی فراگرفته و بورژوازی وابسته در جهت حفظ

نظام موجود دسته دسته کارگران را بدون پذیرش کوچکترین مسئولیتی نسبت به سرنوشت آنها از کار اخراج مینمود و به علت رکود حاکم بر اقتصاد ایران هرچه که میگذشت نیاز هرچه کمتری به نیروی کار احساس میشد و منافع بورژوازی وابسته ایجاب میکرد که اولاً بخش هرچه بیشتری از این اخراجها را زنان تشکیل دهند و در ثانی عامل اصلی این اوضاع نه ناشی از سلطه جابرانه نظام کنونی بلکه اسلام و ایدئولوژی اسلامی رژیم تعلق گرفته، تا زنان عامل اصلی ادبار خود را در نظام موجود جستجو نکرده و کینه و خشم طبیعی شان در این جهت کفایت نکرده.

در نتیجه رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی از همان آغاز استقرار خود در چهارچوب وظیفه ضد خلقی اش در سرکوب تمامی دستاوردهای انقلاب زیر پوشش اسلام، یورش بس و حشیانسه ای را به حقوق و مبارزات زنان سازمان داده و تحت عنوان پیاده کردن قوانین اسلام کوشش نمود قید و بندهای هرچه بیشتری بر زندگی زنان ستمدیده کشور تحمیل نموده و این نیروی عظیم را به تدریج از صحنه مبارزه بر علیه امپریالیسم خارج ساخته و در گوشه خانه و آشپزخانه محبوس سازد.

برای پیشبرد همین سیاست

ارتجاعی بود که رژیم ددمنش جمهوری اسلامی زیر پوشش اسلام، وقیحانه زنان را رسماً " ناقص العقل " و موجوداتی " احساسی " قلمداد نمود که صلاحیت برخوردار از یکسری حقوق از جمله حق " قاضی " شدن را نداشته و در لایحه قصاص کذابی اش با وقاحت تمام زن را نصف مرد اعلام نمود.

در سرکوب مبارزات زنان و تحمیل اجحافات گوناگون نسبت به آنها این رژیم ددمنش تا آنجا پیش رفت که حتی حق زنان در انتخاب آزادانه پوشش خود را نیز نادیده گرفته و حجاب اسلامی کذابی را بر آنها تحمیل نمود و در حالیکه زنان مجبور بودند در ادارات دولتی و کارخانجات و غیره حجاب کذابی را رعایت نمایند در همانحال با سیعیت تمام اراذل و اوباش حزب الهی خود را با تیغ و کاتر به خیابانها ریخت تا با حمله به زنان و ضرب و شتم آنها و حتی پاشیدن اسید به روی آنها آنچنان فضای رعب و وحشتی ایجاد نماید که دیگر هیچ زنی جرأت مقاومت در مقابل بیدادگریهای رژیم را ننماید و چه خیال باطلی! وقتی این سیعیت و وحشیگری بدلیل مقاومتهای تحسین برانگیز زنان نتیجه مطلوب را عاید رژیم ددمنش جمهوری اسلامی ننمود، این مزدوران اعلام کردند که از آنجا که ضرب و شتم زنان در خیابانها در چهارچوب

امر به معروف و نهی از منکر صورت میگیرد عملی غیر قانونی نبوده و قابل تعقیب نمیباشد و بر همین اساس هم، دسته های موتور سوار رژیم با فریادهای هیستریک یا روسری یا توسی هراز چند گاهی به خیابانها ریخته و به وحشیانه ترین شکلی زنان ستمدیده را مورد ضرب و شتم قرار میدهند.

رژیم با توسل به دستگاه های عظیم تبلیغاتی اش میکوشد تا این وحشیگریهای ددمنشانه را در پوشش لفاظیه های مذهبی توجیه نموده و آنها را جزئی از کوششهای خود در زمینه تحقق قوانین اسلام قلمداد نماید، در حالیکه دیگر چون روز روشن است که در اینجا بحث نه بر سر اسلام و تحقق آن بلکه مسئله بر سر سرکوب مبارزات زنانی میباشد که سردمداران مزدور جمهوری اسلامی قدرت عظیم آنان را در جریان مبارزات ستمدیده ها بر علیه سلطه امپریالیزم در زمان شاه به روشنی دیده بودند و از آنجا که این دار و دسته مزدور، وظیفه سرکوب انقلاب را بر دوش حمل میکردند میبایست در جهت سرکوب این نیروی عظیم به هر جنایتی متوسل گردند، در نتیجه سرکوب ددمنشانه مبارزات زنان نه ناشی از خصوصیات مذهبی رژیم موجود بلکه دقیقاً از ماهیت نظام سرمایه داری وابسته و

فلسطین مشعل ۰۰۰۰

از صفحه ۱۵

هر آنچه که در توان دارند از خواستهای عادلانه ایمن خلق رزمنده و مبارزات آنها در راه کسب حق تعیین سرنوشت خویش پشتیبانی کرده و چهره جنایتکار امپریالیسم و چماق سرکوبگرش در منطقه خاور میانه یعنی دولت ضد خلقی اسرائیل را بر علیه توده های به پا خاسته فلسطین هر چه بیشتر افشاء سازند. در عین حال باید ماهیت امپریالیستی سیاستهای تبلیغاتی و توطئه گرانه جمهوری اسلامی بر علیه خلق محروم فلسطین را برای افکار عمومی تشریح کرده و توضیح داد که اصولا جمهوری اسلامی نه تنها نمیتواند مدافع واقعی هیچ خلق تحت ستمی و از جمله خلق دربند فلسطین باشد بلکه بطور مشخص در رابطه با جنبش توده های تحت ستم فلسطین رسالتی جز به

بویژه نیازهای سرکوبگرانه آن در شرایط بحران ناشی میشود و خصوصیت مذهبی رژیم صرفا توجیهی بدست میدهد که با آن علت واقعی آنهمه قساوت و بی شرمی خود را در حق زنان پوشیده بدارند. برای این اساس لازم مبینیم بار دیگر در ۸ مارس روز جهانی زن تاکید کنیم که برابری کامل حقوق زن و مرد بعنوان طبیعی ترین خواست زنان ستمدیده کشور ما تنها با نابودی نظام سرمایه داری وابسته امکان پذیر بوده و تا این نظام جا برانه که عامل اصلی ستمگری بر زنان میباشد به همراه تمامی رژیمهای حافظ آن بوسیله انقلاب خلقهای ستمدیده ما نابود نگردد، امر رهائی زنان هرگز متحقق نخواهد شد. برای رهائی زنان قبل از هر چیز لازم است تا سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته به آن سرتگون گشته و جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر برقرار گردد و همین واقعیت نیز به روشنی مبارزه زنان برای رهائی را با مبارزه طبقه کارگر بر علیه سیستم سرمایه داری وابسته ایران به هم پیوند میزند و همسویی این دو مبارزه و ضرورت پیشبرد آنها را همگام با یکدیگر خاطر نشان میسازد.



انحراف بردن این جنبش در جهت منافع آمریکا و اسرائیل ندارد و همانطور که تجربیات مبارزات آزادی بخشش تمامی خلقهای ستمدیده بروشنی نشان میدهد جنبش عادلانه فلسطین نیز سرانجامی جز پیروزی دربر نداشته و دیربازود با شکست ذلت بار اشغالگران اسرائیلی و اربابان امپریالیستشان به فرجام نهائی خود خواهد رسید.

پیروز باد جنبش انقلابی خلق فلسطین در مناطق اشغالی!
مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش!
مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
برقرار باد اتحاد نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر جهان!



با ما مکاتبه کنید

خوانندگان مبارز "پیام فدائی" برای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم. نظریات، انتقادات، پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکشید با مکاتبه با نشریه رابطه هر چه فعالتری با ما برقرار کنید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به توده ها و به مجموعه هوادارانیش متکی باشد.



اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران

در رابطه با

موشک باران تهران و بغداد

خلقهای قهرمان ایران :

بار دیگر "جنگ شهرها" با موشک باران وحشیانه تهران و بغداد میروود تا انسانهای بیگناه هرچه بیشتری را در شعله های خانمانسوز خود نیست و نابود سازد. ما همانطور که بارها اعلام کرده ایم بمباران مناطق مسکونی را از هر طرف و با هر توجیهی که صورت بگیرد محکوم نموده و خواهان خاتمه فوری این عمل وحشیانه میباشیم .

از آنجا که خصلت هر جنگ نقش بس مهمی در متدهای بکار برده شده در آن دارد ، " جنگ شهرها" با تمامی فجایعی که در آن صورت میگیرد تنها تاکیدی است بر ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی جنگ ایران و عراق ، جنگی که در جهت منافع امپریالیستها و تحت هدایت و کنترل آنها بر علیه منافع خلقهای دو کشور سازمان داده شده و هر روز که میگذرد توده های ستمدیده هرچه بیشتری را قربانی خود میسازد .

خلقهای مبارز :

ماهیت امپریالیستی این جنگ و وحشیگریهایی که هر روز در میدانهای آن روی میدهد تنها بیانگر این واقعیت است که باید با قدرت هرچه بیشتری بر علیه این جنایت بزرگ بپا خاست و با شعله و رتر ساختن هرچه بیشتر آتش انقلاب آتش خانمانسوز این جنگ ویرانگر را نیست و نابود ساخت .

مرگ بر جنگ امپریالیستی - برقرار باد صلح دمکراتیک !

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش

چریکهای فدائی خلق ایران

۶۶/۱۲/۱۲

گزارشی از روزنامه های ترکیه

خوانندگان مبارز!

نوشته ای را که در زیر مشاهده میکنید ترجمه گزارشی است که اخیراً در یکی از روزنامه های ترکیه به نام NOKTA در رابطه با وضع اسفبار هزاران پناهنده و پناهجوی ایرانی در ترکیه به چاپ رسیده است.

این گزارش که توسط یکی از رفقای هوادار سازمان، از روزنامه فوق الذکر ترجمه و برای ما ارسال شده، تصویری هرچند کوچک از عمق جنایات و وحشیگریهای است که در نتیجه سالها تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق و از برکت این جنگ ارتجاعی نصیب توده های ستمدیده و به جان آمده ماکشته است. در عین حال که این گزارش از زوایای دیگری گوشه هایی از چهره به غایت سرکوبگرانه و ضد خلقی رژیم وابسته به امپریالیسم ترکیه هم که در همکاری با جمهوری اسلامی به چنین جنایاتی در حق پناهندگان و پناهجویان ایرانی مبادرت میورزد را نیز نشان میدهد.

به همین دلایل با وجود اشکالاتی که در کار ترجمه این گزارش وجود داشت، به خاطر ارزش و اهمیت این گزارش، ما عیناً به چاپ آن در نشریه پیام فدائی مبادرت میورزیم.

ترکیه مصاحبه نمود.

میعادگاه مرگ

پناهندگان ایرانی و ترس از بازگردانده شدن "رفته رفته با شدت بخشیدن رژیم خمینی به جنگ ایران و عراق راه را به هجوم شدید پناهندگان به مرز ایران - ترکیه باز میکند. اما برگرداندن ایرانیان فراری که درخواست پناهندگی دارند از طرف مقامات ترکیه يك درام انسانی در مرز بوجود میآورد." همه جا تاریک بود برف روز قبل به يك یخبندان شدید

قتل عام در مرز

بعثت فشار حکومت خمینی و جنگ مابین ایران و عراق هرروز به تعداد ایرانیان فراری به ترکیه افزوده میشود. بخش مهمی از فراریان با وجود حکم دادگاه مبنی بر منع اخراج آنها، از طرف مقامات ترکیه به ایران بازگردانده میشوند. این افراد یا در مرز به دست رژیم تیرباران و یا به جبهه های جنگ فرستاده میشوند. مجله نکته در این مورد با چندین ایرانی فراری و مقامات

تبدیل شده بود دلال ایرانی با ما هیچ صحبت نمیکرد. بین فراریها از همه کوچکتر من بودم، و به دو همراه دیگرم نمیخواستم ترسم رامشخص کنم. موقع حرکت از تهران میدانستیم که گذشتن از مرز خیلی سخت و کوران است، در ضمن بعد از گذشتن از مرز هم احتمال برگردانده شدن ما به ایران خیلی زیاد. اما این يك تقدیر بود و شاید تقدیر من عوض میشد. تنها چیزی که میدانستیم این بود که بعد از مدتی کوتاه به مرز ترکیه رسیده و دلال ایرانی ما را به دلال دیگری تحویل میداد. ناگهان صدای سلیک اسلحه و شیهه های اسب و فریادهای انسان را شنیدیم مثل اینکه صدای يك زن هم در بین صداها بگوش میرسید. دلال ایرانی به ما گفت که ژاندارم ترك آتش گشوده بهتر است فوراً برگردیم. به حرفهای او گوش نداده و باوجودیکه ترس ما را فراگرفته بود به راه خود ادامه دادیم. از دور اجساد انسانها و اسبها که در خون غلطیده بودند دیدیم در آن هنگام شخصی با بچه ای که در بغل داشت دوان دوان بما نزدیک شد و خودش را دلال معرفی کرد گفت: "زن و بچه مردند." شوهرش زنده است. فوراً برگردید - دوباره به خاک ایران برگشتیم.

اینها را يك جوان ۱۹

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

نمیدانند که فردا چه برسرش خواهد آمد. اما خودش را از عده زیادی ایرانیهای هم تقدیرش خوش شانس تر میدانند. زیرا هنوز به ایران باز گردانده نشده است.

طبق اظهارات مدیر امنیتی شهر وان بنام (قردی ارزیم) به مخبر نکته NOKTA : " در سال ۱۹۸۷ فقط ۱۷۲ ایرانی وارد ترکیه شده و هیچکدامشان به ایران برگردانده نشده اند. " در صورتیکه طبق اطلاعات غیر رسمی هر روز حدود ۱۰ ایرانی راهی برای گذشتن از مرز و رسیدن به ترکیه پیدا میکنند. و عده زیادی از اینها چه از طرف استانداری و چه از طرف مقامات امنیتی در ظرف یک هفته فوراً به ایران باز گردانده میشوند. اینک چند نمونه : بابک ترود ، صیاد تبریزی ، افشین میر مجتهدی ، محمد رضا و علی رضا پرتوی زاده

غیر قانونی وارد ترکیه شدن تنها وجه مشترک این ایرانیها نبوده. اینها همه از طرف دادگاه جزائی صلح شهر وان به علت مخالفت با قانون گذرنامه محاکمه شده و از طرف دادگاه ممنوع الخروج از ترکیه اعلام شده بودند. طبق برگه های رسمی نه تنها امنیت بلکه استانداری وان هم با وجود حکم دادگاه عده زیادی ایرانی را به ایران باز گردانده بود. عجیب

میکشاند. از يك طرف قبل از گذشتن از مرز و ترس کشته شدن بدست پاسداران ، از طرفی دیگر بعد از عبور از مرز در کابوس برگردانده شدن به ایران توسط مقامات ترکیه

نداشتن فکر و راه حل بخصوص در مورد برگرداندن افراد ، و رد درخواستهای پناهندگانی از طرف حقوق دانان و مقامات مسئول ترکیه ، بی توجهی نمایندگان سازمان ملل هم به این مسئله اضافه شود ، کارها کاملاً به بن بست منتهی میگردد .

پرویزی يك ماه و نیم است که در یکی از اتاقهای هتل در شهر وان با ترس به سر میبرد. در اصل خودش در فکر فرار از ایران نبود. اما خانواده اش که يك پسرش را در اتاقهای بازجوش و پسر دیگرش را در جبهه های جنگ از دست داده بود. در تلاش نجات آخرین فرزند خود بودند .

اولین کاری که میبایست انجام میگرفت یافتن يك دلال مورد اطمینان بود ، پس از ماهها جستجو بالاخره دلالی پیدا شد که پس از اطمینان مبنی به جاسوس نبودن ، پرویزی عهده- دارکارها شد. و بدین ترتیب اولین گام بسوی آزادی برداشته شد .

پرویزی هنوز نتوانسته است برگ در خواستش را به سازمان ملل تحویل دهد .

ساله بنام پرویزی که در اواسط آبان ماه از مرز (باش کاله) وارد ترکیه شده بود تعریف میکرد .

در حقیقت در همان روزها زن و شوهری که با دو فرزندشان قصد خروج از ایران را داشتند در مسوز ترکیه هدف شلیک گلوله های ژاندارم ترک قرار گرفته و زن ایرانی که پرستار بود با يك فرزندش کشته شده و شوهرش دستگیر و به ایران تحویل داده شد. فرزند دیگرش هم توسط راهنما به جای نامعلوم برده شده است. طبق اظهارات مقامات ترکیه دلیل کشته شدن آنها تنها اطاعت نکردن به اخطار ایست میباشد .

این حادثه مانع از عبور پرویزی و دوستانش از مرز در روز بعد نشده بود. جلیلی (آ) میگوید : " برای ما دیگر ترس معنائش ندارد. از هر چیز آنقدر میترسیم که بعد از يك مرحله دیگر از هیچ چیز نمیترسیم . "

پرویزی یکی از قهرمانان بی نام این درام بی سروصدا است که سالها در مرز ایران و ترکیه جریان دارد .

جنگ خمینی و هدام حسین که دیگر به يك خون خواهی تبدیل شده و رفته رفته با خشن تر شدن رژیم ملاحا، هرروزه هزاران هزار ایرانی را در کشورهای دیگر به امید تشکیل يك زندگی جدید به سوی یسک سرنوشت نامعلوم

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

دست پاسداران بیفتد مرگش حتمی است. اما اگر خوش شانس باشد و بدست گروه دیگری بیفتد بعد از يك باز جوشی سبك به خط مقدم جبهه فرستاده میشود. این مسئله داستان چهل قاطر و چهل سطر (يك مثال ترکی) را بخاطر میآورد. تنها فرق بین این دو انتخاب مدت زمان فرا رسیدن مرگ است. زیرا در خط مقدم جبهه بودن یعنی کمی دیرتر مردن. شانس نجات تقریباً صفر است.

کشف جدید

نتیجه تحویل پناهندگان ایرانی به هر صورتی که باشد به نفع رژیم خمینی میباشد. زیرا طبق قانونی که مدتی قبل وضع شده است يك حرکت اجرائی بنام (پرداخت وجه نقد) بوجود آمده است و زیر سایه فراریان مبلغ هنگفتی به کیسه رژیم سرازیر میشود.

- [آ - کارامانی] در مورد این قانون چنین میگوید: ۹۰ درصد از پناهندگان که به ایران تحویل داده میشوند فوراً در مرز به قتل میرسند ۱۰ درصد بقیه بعد از ماهها شکنجه و بازجوشی به جبهه های جنگ فرستاده میشوند. خانواده این افراد هم مجبور به پرداخت مبلغی بعنوان ضمانت به رژیم میباشند. مبلغ حداقل از ۲۰۰۰ دلار شروع میشود. این مبلغ بمعنای کفالت برای شخص فراری به منظور جلوگیری از اعدام وی

است که دانستن افکار استاندار شهر وان بنام (ازد میر همان الی) در مورد این عملکردهای متضاد غیر ممکن بود. زیرا در خواست دیدار مخبر مجله نکته NOKTA چه با استاندار - شخصا و چه بصورت تلفنی در استانبول به علت کارهای شدید آقای استاندار در هر بار بی نتیجه میماند.

"باکسانی که بزرگدانه

میشدند؟"

به درهای ضعیف امید وابسته شده و در ترکیه به انتظار جواب سازمان ملل ماندن برای ایرانیها به يك جنگ اعصاب تبدیل میشود. اما از طرفی باگذشت هر روز و بازگردانده شدن بسه ایران يك شانس به حساب میآید.

اسفندیار (ك) مدتی قبل همراه برادرش از مرز گذشته بود. اما برادرش از طرف مقامات ترکیه بازگردانده شد و فوراً از طرف پاسداران در مرز کشته شده بود. اسفندیار (ك) در مورد اینکه چه برسر ایرانیهای بازگردانده شده خواهد آمد چنین میگوید: اتفاقاتی که خواهد افتاد بستگی به شانس شخص است - ارتش ایران به دو گروه تقسیم شده است. يك گروه پاسداران و گروه دیگر افرادی که از زمان شاه در ارتش باقیمانده اند. اگر شخص بازگردانده شده به

میباشد. اگر شخص فراری پس از اتمام ۲ سال سربازی جان سالم بدر ببرد ۲ سال هم بسه زندان محکوم میشود. پس از ۲ سال زندان به مدت ۱۰ سال از حقوق اجتماعی محروم خواهد بود. پس از گذشت این ۱۶ سال است که وجه نقد بسه خانواده فراری اعاده میگردد. البته تمام این قوانین در حال حاضر فقط به روی کاغذ آمده و هنوز به اجرا گذاشته نشده است.

"پرداخت وجه نقد" فقط

فراریان باز گردانده شده را در بر نمیگیرد بلکه خانواده افراد زیر ۱۸ سال که هنوز به ایران بازگردانده نشده اند مجبور به پرداخت غرامت میباشند و تا برگشت این افراد به ایران این مبلغ بسه خانواده شان داده نمیشود. بدون شك پرداخت غرامت تنها مشکل درد سر نزدیکان پناهندگان نیست.

جلیلی (آ) میگوید:

حال وضعیت نزدیکانمان در ایران خیلی وخیم است بعلافت فرار من از ایران هیچ کدام از افراد خانواده مان حتی اگر در امتحانهای ورودی دانشگاه موفق بشوند حق ورود به دانشگاه را ندارند. از طرفی کویتهای اوراق را هم از خانواده ام خواهند گرفت.

اسفندیار (ك) خانواده دوستم که با هم از مرز گذشتیم از طرف دادستانی انقلاب

ارتش و سپاه ضد خلقی.....
از صفحه ۲۸
خلق بخش از استراتژی انقلاب و
متضمن حفظ دستاوردهای انقلابی و
پیشروی های عمیق تر و گسترده
تر انقلاب ضد امپریالیستی و
رهاشبخش خواهد بود .

تجربه خونین قیام بهمن
یکبار دیگر و به نحو انکار
ناپذیری بر این واقعیت مهر
تایید زد که خلق به پا خاسته ای
که هنوز در یک ارتش انقلابی و
در سایر ارگانهای توده ای خود
متشکل و مسلح نشده و ارتش
امپریالیستی مدافع نظم موجود
را نابود نساخته ، هر اندازه
هم که مضمم باشد نخواهد توانست
نظام ارتجاعی حاکم و سلطه
امپریالیسم را براندازد و به
آزادی برسد . پس با درگیری
از این تجربه و سایر تجارب
انقلابی که در طول سالها مبارزه
و به بهای خون هزاران تن از
کارگران و توده های زحمتکش
بدست آمده بکوشیم که با گسترش
مبارزه مسلحانه جاری در
میهنمان و تشکیل ارتش خلق ،
ارتش ضد خلقی و تمامی زائده های
رنگارنگش را نابود کرده و با
به گور سپردن رژیم وابسته و
جنايتكار جمهوری اسلامی ، سلطه
منحوس امپریالیسم و سگان
زنجیریش را برای همیشه از
میهنمان برافکنیم و با ایجاد
جامعه ای آزاد و دمکراتیک در
راه خوشختی و برابری تمام
انسانها یعنی نظام سوسیالیستی
قدم گذاریم .

ملل بصورت تنها در امید برای
ایرانیهای فراری باقی مانده
است
گفته های شهريار (ب) که
هنوز به ایران برگردانده نشده
است گویای ساده این حقیقت تلخ
است .

" این جنگ، جنگ مانیت .
جنگ بین خمینی و صدام حسین است .
این حکومت ، حکومت مانیت .
حکومت فئاتیک هاست . با برادرم
از مرز گذشتیم من ماندم . او
را برگرداندند و در مرز کشتند .
اسمش را نمیدهم . اینجا هر
عمل خطائی انجام بدهم باعث
بیشتر عذاب کشیدن خانواده ام
خواهد شد . شاید هم برگردانده
شوم . و شاید هم در مرز کشته
نشده و در جبهه بمیرم . بدین
ترتیب کسانی که باعث برگرداندن
من بودند راحت هستند . زیرا
مردن در جبهه برای اینها جنایت
عادلانه به حساب میآید . اما چه
در مرز چه در جبهه و چه در
اتاقهای ساوا ما مردن ، هیچ چیز
مانع از هجوم پناهندگان نخواهد
شد . زیرا دیگر ترس در چشم ما
مفهومش را از دست داده است .."

مخبر مجله هفتگی نکته .

نویسنده AESE BASTURK

10 OCAK 1988

NOKTA

ژانویه

دستگیر شده و تحت شکنجه قرار
دارند و تا برگشت فرزندشان به
ایران بازداشت خواهند بود .
" سازمان ملل چه میکند؟"

وضعیت ایرانیانی که
تمام موانع و سختیها را پشت
سرگذاشته و موفق به دادن برگ
درخواست پناهندگی خود به
سازمان ملل شده اند از وضع
دیگر ایرانیان بهتر به نظر
نمیرسد .

بهراد (د) میگوید :
سازمان ملل خیلی یاسیو بوده و
به وضعیت ما اهمیت نمیدهد .
در حالی که طبق قوانین و
قرار دادهای بین المللی در
مورد حقوق بشر مامشمول واقعی
حقوق پناهندگی میباشیم .

طبق ارقام خردادماه
سال ۱۹۸۷ وجود بیش از یک
میلیون ایرانی فراری در ترکیه
از طرف مقامات رسمی تأیید شد .
با گسترش دادن دامنه
جنگ و شدت اختناق رژیم ملاحا ،
آنها با در نظر گرفتن خطر مرگ
و بازگردانده شدن و یا هر نوع
خطر جدی در کوره راه ، باز به
فرار از ایران ادامه خواهند
داد . اما جواب به درخواست
پناهندگی ایرانیان از طرف
سازمان ملل ماهها و حتی بیش
از چندین سال بطول میانجامد .
بعد از این انتظارهای طولانی
اکثرا بایک جواب " خیر " به از
بین رفتن تمام امیدها منجر
میشود . بسا وجود برای این سازمان

گزارش شرکت در تظاهرات سرتاسری به نفع خلق فلسطین در رم

روز سه شنبه ۲۰ ژانویه ۱۹۸۸ در شهر رم ایتالیا تظاهرات بزرگی با شرکت بیش از ۲۰ هزار نفر در اعتراض به جنایات ارتش سرکویکر اسرائیل بر علیه خلق فلسطین و در حمایت از این خلق رومنده برپا گردید. در این تظاهرات که به دعوت سازمان "دمکراسی کارگری" صورت پذیرفته بود رفقای هوادار سازمان شرکت نموده و اعلامیه آنها در حضور جمع قرائت گردید. متن اعلامیه مزبور بشرح زیر میباشد.

از مبارزه خلق فلسطین حمایت کنیم

قتل، جنایت، تبعید، تجاوز، حمام خون، خرابی روستاها..... همه اینها بخشی از زندگی روزمره خلق قهرمانی است که برای زمین و صلح مبارزه میکنند.

دهها سال است که خلق قهرمان فلسطین در شرایط سختی مبارزه دشواری را بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم آغاز کرده و در این راه تا کنون قادر شده است تا حمایت بخشی از خلقهای جهان را جلب کند.

هر چند که امپریالیسم و ارتش صهیونیستی اسرائیل هرروزه جنایتهای بزرگتری بر علیه خلق فلسطین انجام میدهند لیکن نباید فراموش کنیم که این وضعیت در حال حاضر شامل بیشتر ملل خلقهای خاور میانه نیز هست، چرا که اصولا امروزه خاور میانه گره اصلی تضادهای امپریالیستی است.

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که با ماسک ضد امپریالیستی وارد میدان کشته است و در حرف از مبارزه خلق فلسطین حمایت میکند، اما در عمل و مستقیما بوسیله مزدوران رنگارنگی خویش (حزب الله و پاسداران و....) دستهای پلیدش به خون خلق فلسطین آغشته است. در حقیقت در لبنان همین سازمانهای وابسته به رژیم خمینی بودند که با حمله و محاصره اردوگاههای فلسطینیان آنها را قتل عام کرده و باعث کشته شدن زنان و کودکان از گرسنگی و یا بی غذائی شدند.

همینطور ارتش سوریه که با اشغال و محاصره اردوگاههای خلق فلسطین، مسئول مستقیم جنایتهای بیشماری بر علیه این خلق قهرمان است.

ما خلقهای خاور میانه میدانیم که تنها راه آزاد سازی فلسطین اتحاد و مبارزه متحدانه ما خلقها است.

زنده باد همبستگی بین المللی با خلق فلسطین

زنده باد مبارزه برحق خلق فلسطین

مجمع دانشجویان ایرانی در ایتالیا هوادار چریکهای فدائی خلق ایران

۲۰ / ژانویه / ۱۹۸۸

بخوابی و پلیس تو را دستگیر کند ما هیچکاری نمیتوانیم بکنیم چون به جرم ولگردی تو را دستگیر کرده اند و فکر میکنم آن افرادی که هنوز در زندانهای پاکستان هستند همه را بجرم ولگردی دستگیر کرده اند که نمیتواند برایشان کاری بکند .

و از اینجا برو و نامه بده شاید ترتیب اثر دادند و از همین قبیل " الطاف " ولی باز مشاهده کردند که من هنوز در آنجا هستم و بالاجبار به من يك وقت مصاحبه دادند و مصاحبه انجام شد. بعد از اتمام مصاحبه باز مرا آنجا دیدند و دیگر کاسه صبر آقای اورتس گلداف لبریز شد و دیگر طاقت نیاورد و عصر روز چهارشنبه ۱۶ دسامبر ایشان با عصبانیت به خیابان آمد و در حضور چند تن از مأمورین انتظامات و پلیس مستقر در un و افسر مصاحبه گر که ناظر بر صحنه بود آقای گلداف نماینده سازمان مدافع حقوق بشر شروع به ابراز احساسات کردند . صحبتهایی از قبیل اینجا برای شما هتل نیست. البته من تا آن لحظه نمیدانستم که آنجا هتل نیست (؟) و اگر اینجا را ترك نکنی راه دیگری با دخالت پلیس برایتان پیدا خواهم کرد که از اینجا بروی این را گفت و رفت . و من هم مجبور به ترك آنجا شدم .

دوگزارشی که در زیر میخوانید همه ای از وضع نابسامان پناهندگان ایرانی در پاکستان و برخوردهای به غایت غیر مسئولانه un با آنان را بیان میکند . این دو گزارش از نشریه " پیام شورا " ارگان شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان است که در اینجا عینا به درج آن اقدام میکنیم .

شرح بيك اعتراض

قطع شده بود شخص را دیدم که فقط به بهانه اینکه چرا به کلاس انگلیس نمیرود کارتش را قطع کرده بودند و خانمی را که از روی ضدیت شخصی با ایشان با گزارشی دروغ باعث قطع شدن کارتش شده بود و باز مادری را دیدم باسه فرزندش در حیاط un به خاطر اعتراض به عمل un مبنی بر قطع شدن کارتش تحصن کرد و در آخر با دخالت آ و انت پر از پلیس تحصن وی باز ورشکسته شد و هم او و ما را از آنجا متواری کردند ووووو... چرا و چرا هیچکس و هیچ سازمانی نمیتواند جلوی این عمل ضد انسانی و مغایر قوانین حقوق بشر را بگیرد . نمیتوانم بگویم الله و العلم .

و اما لطف un فقط شامل این افراد نشد و از فردای آن روز پیغام و پس غامهایی مبنی بر این که مسئولین زحمت کش و محترم un از بودن من در آنجا ناراحت هستند از طریق مترجمین " عزیز " و " هموطن " و دوست شروع شد . پیغامهای جورواجور از قبیل اینکه اگر شب اینجا

روز سه شنبه ۸ دسامبر بطرف un برای تحصن و گرفتن حق پایمال شده ام حرکت کردم وقتی به آنجا رسیدم جمعی از ایرانیان برای انجام دادن کارهای مربوطه به خود جلوی un حضور داشتند ساکم را زمین گذاشتم و نشستم و تحصن شروع شد. آخر وقت کار un که کارکنان آن از un برای رفتن به خانه خارج میشدند مرا به دیده تعجب ولی بی تفاوت نگاه میکردند و همچنین مسئولین خارجی این سازمان . صبح روز بعد که دوباره مرا در آنجا دیدند برایشان محرز شد که برای تحصن آمده ام ولی چه اهمیتی دارد که يك ایرانی فقط يك ایرانی برای تحصن آمده ساعتها میگذشت و روزها و ایرانیها می آمدند و می رفتند صحنه های عجیب و ناراحت کننده ای را میدیدم خانواده هایی را که بعد از يك سال کارشان قطع شده بود خانواده ای را دیدم که چند روز قبل از روز پروازشان کارشان

محکمتر و عزممان را جزم تر برای گرفتن حق پایمال شده مان بکار گیریم بیا دوباره با هم عهد و پیمان ببندیم و تا نگرفتن حقمان از پای ننشسته و حتی يك قدم به عقب نگذاریم. زندان و ضرب و شتم برای همه و آزادی و عدالت هم برای همه.

موفق و پیروز باشید

میدانی چرا هموطن عزیز چون تنها بودم چون تو هموطن همدردم کنارم نبودی چون يك تنه قدرت ایستادگی را نداشتم و هیچ کس ندارد باید با هم باشیم باید برای هم و در کنار هم برای گرفتن حق پایمال شده خودمان مبارزه کنیم آنوقت است که گلدافها جرأت انجام دادن این قبیل حرکات را ندارند پس بیا ای هموطن همدرد اتحادمان را

اساسی این سازمان را زیر پا میکند. دريك سال گذشته تعداد زیادی کارتهای پناهندگان بلوچ به دلایل واهی از قبیل اینکه " شما به کلاس انگلیسی نرفته اید." یا " شما مدت طولانی از حقوق پناهندگی استفاده کرده اید." قطع گردیده است. و به افراد معدودی مبلغی ناچیز، معادل سه ماه مقرری، پول پرداخت شده و از بخشی همین مبلغ نازل هم دریغ گردیده و بدون هیچگونه مسئولیتی پرداخت مزایای آنها متوقف مانده است. و اخیرا نیز دیده میشود کارت بعضی از این پناهندگان به خاطر به اصطلاح " سابقه فرهنگی شما و خانواده تان" قطع میگردد. تاکنون شنیده بودیم که چنین بند خود ساخته ای در اساسنامه UN وجود داشته باشد که صلاحیت تشخیص فرهنگ افراد و خانواده-شان به UN سپرده شده باشد و یا اینکه UN حق داشته باشد با تکیه بر چنین قید و بندهای خودساخته ای پناهندگان را از حقوق مسلم خود محروم نماید. UN کراچی در نامه به بسیاری از پناهندگان بلوچی که کارشان را قطع کرده مینویسد: " با توجه به این مطلب که شما بلوچ هستید و به راحتی میتوانید در منطقه بلوچ نشین کراچی بهتر از هر

UN و پناهندگان بلوچ

ناراشی در بیان کامل علل خروجشان از کشور، در مصاحبه های اول رد و از حق مسلم خویش، محروم میگرددند. در حالیکه پناهندگان تاکنون بارها در مورد استخدام يك مترجم بلوچ به UN پیشنهاد نموده اند و UN از انجام این امر لازم و ضروری سر باز زده تا دستاویز بیشتری برای نپذیرفتن پناهنده در دست داشته باشد. UN وظیفه دارد که پناهندگان را آموزش دهد و این صرفا در کلاس زبان انگلیسی خلاصه نمیشود. این امر UN است که شیوه های صحیح آموزشی را برای افراد بیسواد بنا به فراخور حالشان جستجو کند، نه اینکه آنها را به حال خود رها کرده و تازه کارشان را هم قطع کند. UN کراچی آشکارا بخشی از مفاد

سیاست UN در برخورد به پناهندگان بلوچ در پی گسترش سیاستهای محدود کننده UN در قبال کل پناهندگان و آوارگان، مدتهاست شاهد آنیم که این محدودیتها در مورد پناهندگان بلوچ فزاینده تر میشود. بلوچهای ایرانی که علاوه بر مجموعه ستم حاکم بر مردم ایران، ستم مضاعف ملی را نیز بر دوش میکشند سزاوار توجه همه جانبه تر سازمان ملل در زمینه های مختلف هستند. اما عملکرد کمیساریای عالی سازمان ملل - شاخه کراچی -، دقیقا عکس آن است. چه بسیار بلوچهای آواره ای که به علت مشکلات زبانی (که تنها به زبان بلوچی آشنایی کامل داشتند) و

چهره تهران در جنگ شهرها

با از سرگیری "جنگ شهرها" در چارچوب جنگ امپریالیستی ایران و عراق، باردیگر وحشت و اضطراب توده های ستمدیده میهنمان را فرا گرفته است. گسترش بیسابقه میدانهای ضدخلقی این جنگ ارتجاعی و فلاکت-بار تا آشیانه و سرپناه مردم بی دفاع در سطح شهرها و روستاها، بیانگر عمق جنایت وحشیانه ایست که امپریالیستها امروز با "جنگ شهرها" آن را

و کارو غیره مهیا شود. در واقع با انجام این مسئولیت از جانب UN یعنی اعزام پناهنده به کشورهای پناهنده پذیر است که میتوان قوانین UN در مورد پناهندگان را اجرا شده دانست در حالیکه UN کراچی بدون اینکه به این وظایفش عمل کند، اقدام به قطع کارت پناهنده میکند و اعلام میدارد که "خودت در فکر تامین خودت باش" واضح است که این عملکردها خارج از ضوابط سازمان ملل و نقض مفاد رسمی آن توسط شاخه UN کراچی است.

ما پناهندگان و آوارگان اعتراض خود را علیه سیاستهای غیر مسئولانه UN کراچی بطور کلی و تبعیضات مضاعفش را علیه بلوچهای پناهنده بطور خاص اعلام داشته و بر رفع اینگونه اجحافات مصرانه پای میفشاریم.

به کمک مزدورانشان در منطقه برعلیه خلقهای دربند هردوکشور سازمان داده اند.

در این میان تهران بخاطر آنکه بیش از شهرهای دیگر در معرض حملات هولناک هوایی و موشک باران های وحشیانه قرار گرفته، چهره ای کاملاً دگرگون یافته است. پرتاب دهها موشک خانمان برانداز و نابود کننده به سوی تهران و فرود آمدن اکثریت آنها در مناطق مسکونی، ضمن قتل عام زنان و کودکان و مردان بی دفاع، مردم هراسان و وحشتزده تهران را در اضطرابی عمیق و مرگ آور فرو برده و توده های ستمدیده هرلحظه در انتظار مرگ و نیستی دقیقه شماری میکنند. مطابق اخبار واصله از تهران، متعاقب موشک باران و حملات هوایی وحشیانه عراق به شهر، مردم زیادی تهران را تخلیه و شبها را در کوج و ... بسر میبرند.

شبها موشکهای شلیک شده به تهران چندین ثانیه قبل از انفجار و نابودی اهداف مسکونی، برفراز آسمان شهر تهران بشکل اتوبوسی از آتش ظاهر شده و پس از مدت کوتاهی در یک نقطه فرود آمده و بسیاری دیگر از جوانان و زنان و کودکان را به شکل فجیعی قربانی میسازند، سرپناه مردم را برسرشان ویران و بسیاری را زیر آوار جنایتهای هولناک مدفون میکنند و پس از

کشوری زندگی و کار کنید مزایای شما قطع میگردد. "!! مسئولین UN چقدر ساده و راحت چشم خویش را بر روی واقعیت زندگی این پناهندگان - که اکنون آنها را آواره نموده اند - میبندند. آخر مگر زندگی کردن بدون حقوق اجتماعی امکان پذیر است؟ و اگر نیست چه ارگانی مسئول حقوق اجتماعی این پناهندگان است؟ پرواضح است که دولت پاکستان این پناهندگان را به رسمیت نمیشناسد، بنابراین مسئولین UN چگونه انتظار دارند که بدون داشتن حق سکونت، حق کار، حق تحصیل، امنیت و ... دهها حقوق اجتماعی دیگر، پناهندگان بلوچ بتوانند در پاکستان زندگی کنند؟ و آیا مسئولین UN از اعزام دهها مزدور تروریست سپاه پاسداران به پاکستان - و دهها مسئله امنیتی دیگر - بی اطلاع است، که آنها را محکوم به آوارگی در پاکستان، بدون تضمین حداقل امنیت مینماید؟ آیا صرفاً داشتن زبان مشترک، تمامی مسائل را حل مینماید؟ بنظر ما این امر شانه خالی کردن از یکی از مهمترین خواستهای پناهندگان است: مهاجرت، در اساننامه UN قید شده است که در طی دو الی سه سال، UN باید به گونه ای عمل کند تا از جانب یک کشور عضو سازمان ملل برای پناهنده، پذیرش پناهندگی، مسکن

حالی است که ستاد تبلیغات جنگی امپریالیستی با وقاحت تمام از مردم خواسته است که محل اصابت موشکها را بعنوان "اسرار نظامی" حفظ کنند. مضافاً اینکه مزدوران جنایت پیشه جمهوری اسلامی از وحشت برانگیخته شدن افکار عمومی، به سیاق همیشگی از اعلام تعداد واقعی تلفات جنگ ضد خلقی خود آگاهانسه ظفره میروند و میکوشند که این جنایت را کم اهمیت جلوه دهند و در حالیکه مردم سوگوار و ماتمزده در حسرت عزیزان و جگر گوشگان از دست رفته شان بیه سوک نشسته اند بیشمارانه از زبان خمینی جنایتکار اعلام میکنند که گویا مردم به ایمن موشک بارانها میخندند!!

اما با وجود این اوضاع نابسامان، تحرك ماشین سرکوب و مزدوران جیره خوار رژیم بر علیه توده ها هرچه بیشتر افزایش یافته و در طول جنگ شهرها تعداد زیادی از کمیته چپ های مزدور در سطح تهران به گشت پرداخته و تعدادی از مردم بیگناه و به جان آمده را به بهانه پخش اخبار مربوط به "جنگ شهرها" دستگیر ساخته اند. در همین رابطه با وجود اینکه به دلیل هجوم مردم تهران به شهرهای که تاکنون کمتر مورد هدف هواپیماها و موشکهای عراقی قرار گرفته اند و عبور و مرور زیاد در جاده ها،

تهران به تبریز به ۱۲ هزار تومان و کرایه اتوبوس يك نفر از تهران به مهاباد به ۵۰۰ تومان رسیده است و تازه بسیاری از مسافران مجبورند که تمام طول مسیر را در راهرو اتوبوسها سرپا بایستند.

با آغاز مجدد جنگ شهرها کمبود و گرانی که یکی از عادی ترین پدیده های روز مره زندگی توده های محروم تحت حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی است، در تهران بطرز بی سابقه ای گسترش یافته و بیداد میکند و این نیز یکی دیگر از "برکات" گسترش جنگ امپریالیستی، برای سرمایه داران وابسته رژیم فاسد و مزدور جمهوری اسلامی است. در تهران و بخصوص در کرج نان پیدا نمیشود و مردم ناگزیر شده اند که از بیسکویت به جای نان استفاده کنند. در همین رابطه کمی تولید بیسکویت نیز بعلت نبود برق و کمبود کارگر، به نوبه خود قیمت آن را اگر در سطح شهر پیدا شود به دو برابر افزایش داده است.

از زمان موشک باران، در تهران در اکثر مواقع برق شهر قطع است و بخش عمده ای از خطوط تلفن شهری نیز مختل شده، در عین حال که در بطن این اوضاع فلاکت بار، جمهوری اسلامی سرکوبگر بقیه تلفنهارا هم بخاطر ممانعت از پخش اخبار واقعی موشک بارانها توسط مردم، شدیداً کنترل کرده و این در

آن نیز تلاشهای برفرجام برای یافتن عزیزان و جگر گوشگان آغاز میشود. در همین حال زندگی آنهاش نیز که موقتا آماج مستقیم موشکها قرار نگرفته اند وضع بهتری ندارد. پدران و مادران با شنیدن هر آژیر مرگ و صدای انفجار، در طی روز و در شبها، کودکان بیگناه و وحشتزده را سراسیمه از رختخواب بیرون میکشند و آنها را گریان و هراسناک با سرعت به زیرزمینها و نقاط با اصطلاح امن انتقال میدهند. گاهی این عمل در طول شبانه روز چندین بار تکرار میشود و هر بار نیز این اوضاع وخامت بار برای مردم به جان آمده و بی دفاع و زنان و کودکان گریان که نفسها را در انتظار مرگسی هولناک در زیرزمینها، در سینه هایشان حبس کرده اند، چیزی کمتر از مردن و دوباره زنده شدن نیست. روند زندگی عادی برای توده ها تقریباً فلج گشته و همین مساله باعث شده که از زمان موشک باران تهران، بسیاری از مردم شهر را تخلیه کرده و به نقاطی که بنظرشان امن تر میآید مثل کرج و اوشان و فشم و حتی شهرهای دورتری مثل مشهد و تبریز و... پناه میبرند. به همین دلیل کرایه ماشین بطرز بی سابقه ای افزایش یافته و به طور مثال کرایه يك اتومبیل سواری از

میورزد . اما این جنگ با تمامی عواقب نکت بار و ارتجاعیش جنگ توده های زحمتکش نیست و به همین دلیل است که مردم ما تمامی خشم و کینه خود را متوجه این جنگ خانمان برانداز و مسیبان و مدافعان آن نموده اند و برخلاف عوامفریبیهای مذبحخانه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی خواهان پایان یافتن هرچه سریعتر آن هستند .

کانال دو آن برنامه پخش میکند . این مختصر تصویر کوچکی از زندگی فلاکت بار توده های تحت ستم ماست که از زمان از سرگیری جنایت ننگین " جنگ شهرها " در تهران جریان یافته است . جنگی که جمهوری اسلامی در حراست از منافع اربابان امپریالیستش و در دشمنی با توده های محروم و بی دفاع ما هر روز بسدان ابعاد بیشتری بخشیده و برتداوم آن اصرار

باز دید و کنترل دقیق وسائط نقلیه عمومی برای مزدوران رژیم ممکن نیست ، اما به هر حال اوباشان سرکوبگر رژیم تا حد توان از اذیت و آزار توده های به جان آمده و بازدید و کنترل آنها در جاده ها خودداری نمیکند . به طور مثال کنترل و بازدید وسائط نقلیه ، در خروج تبریز به طرف آذر شهر ، به علت تردد بیسابقه مردم برای مزدوران مشکل شده و به همین خاطر ، آنها تعداد کمی از ماشینها را نگه میدارند . ولی بازدید ورودی میاندوآب در جاده تبریز میاندوآب با وجود ازدیاد مسافریین تغییر نکرده و مزدوران همچنان مثل سابق به بازدید و بازجوش و انجم وظایف ضد خلقی و سرکوبگرانه خود در مورد مسافریین میپردازند . به خاطر نبود امنیت در تهران و تخلیه شهر ، کارگر نیز خیلی بندرت گیر میآید و دستمزد یک کارگر روز مزد حتی تا ۵۰۰ تومان یعنی یک رقم بیسابقه رشد کرده است . در همین رابطه عده ای برای پیدا کردن کارگر از تهران به سردشت آمده و تعدادی کارگر را برای کار به تهران برده اند .

از زمان موشک باران شهر تهران ، همچنین کانال یک تلویزیون هم قطع گردیده و فقط

فعالیت های مبارزاتی در دفاع از توده های ستمدیده ایران

★

Febbraio 1968

IRAN OGGI ③

Supplemento Mensile a cura della Federazione Fiorentina di Democrazia Proletaria - via del
al CIUMI n°2 Conciatori n°4 - Firenze - inser. reg. n° 1087, Sped. Abb. Post. gr. 3° pubblicità inf
70% Giol. in prop. via del Conciatori n°4, Dir. Resp. G. Calzani.

**CHI SI NASCONDE E DIETRO CHI
NELLA GUERRA FRA I DUE
REGIMI IRANIANO E IRACHENO.**



DOSSIER

گفته‌ها و نکته‌ها

دکتر مصطفی مخلصی
مدیر کل دفتر روابط عمومی
پیرامون حوزه علمیه

باترینه

سر دبیر محترم روزنامه اطلاعات
سلام علیکم

طبق مدارک و اطلاعات تأیید شده، متأسفانه از سوی موسسه‌ای بنام حوزه علمیه امام محمدباقر (ع) (حوزه علمیه باقریه) در شیراز، تحت عنوان تربیت نیروی پزشکی از طریق ثبت نام از تعدادی داوطلب بنام دانشجوی پزشکی با اخذ شهریه ثبت نام شده است، به اطلاع امت شهیدپرور ایران بویژه کسانی که متقاضی شرکت در این موسسه بوده و هستند، میرساند:

۱- این عمل غیرقانونی مؤسسه نامبرده که با سلامتی جامعه در ارتباط است هیچگونه مجوز قانونی ندارد.

۲- از سوی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، هیچگونه قول همکاری به سرپرستی حوزه مذکور داده نشده است و مطالب اظهار شده از سوی مسئولین این مؤسسه مبنی بر اینکه پس از اتمام سال اول تحصیل، این دانشجویان در دانشگاه علوم پزشکی شیراز ادامه تحصیل خواهند داد کذب محض است.

۳- به کسانی که بنام دانشجو در رشته‌های پزشکی و وابسته به پزشکی در این مؤسسه پذیرفته شده‌اند بدینوسیله اعلام میشود:

الف- این تشکیلات از نظر آموزش عالی پزشکی هیچگونه مجوزی ندارد و غیرقانونی است. ب- این وزارتخانه کار این افراد را تأیید نمی‌نماید و نه تنها این کار آینده‌ای برای آنها ندارد بلکه در صورت دخالت در امور پزشکی طبق قانون مجازات خواهد شد.

ج- این وزارتخانه این افراد را به‌عنوان دانشجو در رشته‌های پزشکی و وابسته نمی‌داند.

من...التوفیق

دکتر مصطفی مخلصی
دفتر روابط عمومی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

اطلاعات
۲۶ آذر ۱۳۶۶

کیمیا

سه‌شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۶۶

قانون کار و گروهکهای چاپ

گروهکهای ضدانقلاب که نقد و بررسی قوانین و امور جاری کشور به صورت حزبی از عاداتشان درآمده است به دنبال طرح و تصویب قانون کار در مجلس شورای اسلامی تنها به همین نکته کارگرمی را سلب کرده است.

کشور به صورت حزبی از عاداتشان درآمده است به دنبال طرح و تصویب قانون کار در مجلس شورای اسلامی تنها به همین نکته کارگرمی را سلب کرده است.

کشور به صورت حزبی از عاداتشان درآمده است به دنبال طرح و تصویب قانون کار در مجلس شورای اسلامی تنها به همین نکته کارگرمی را سلب کرده است.

کشور به صورت حزبی از عاداتشان درآمده است به دنبال طرح و تصویب قانون کار در مجلس شورای اسلامی تنها به همین نکته کارگرمی را سلب کرده است.

کشور به صورت حزبی از عاداتشان درآمده است به دنبال طرح و تصویب قانون کار در مجلس شورای اسلامی تنها به همین نکته کارگرمی را سلب کرده است.

کشور به صورت حزبی از عاداتشان درآمده است به دنبال طرح و تصویب قانون کار در مجلس شورای اسلامی تنها به همین نکته کارگرمی را سلب کرده است.

کشور به صورت حزبی از عاداتشان درآمده است به دنبال طرح و تصویب قانون کار در مجلس شورای اسلامی تنها به همین نکته کارگرمی را سلب کرده است.

کشور به صورت حزبی از عاداتشان درآمده است به دنبال طرح و تصویب قانون کار در مجلس شورای اسلامی تنها به همین نکته کارگرمی را سلب کرده است.

کشور به صورت حزبی از عاداتشان درآمده است به دنبال طرح و تصویب قانون کار در مجلس شورای اسلامی تنها به همین نکته کارگرمی را سلب کرده است.

فروش لباس منقوش به آرم گروهکها

به گزارش رسیده از چابهار اخیراً تعدادی زیادی الیگوز و زوالات زنانه و بیجانگانه و روسری منقوش به آرم سازمان دانشجویان بلوچستان (ا.س.بی) که یک جریان الحاد است از پاکستان وارد بازار این شهرستان شده است. همسایه‌های نیز برای سنین مختلف محصولات مدارس ابتدایی و راهنمایی منقوش با همین آرم و نشان در بازار این شهرستان به فروش می‌رسد.

حوزه فعالیت این سازمان که در همین گزارشات ناسیونالیستی شدید از تمایلات مارکسیستی نیز برخوردار است بطور سنتی بلوچستان پاکستان است که برای استقلال بلوچستان مبارزه کند و تمایلاتی نیز برای گسترش نفوذ خود در این سوی مرز دارد.

این سازمان از جاذبه به حروف لاتین و نقوش مختلف روی لباسها خصوصاً در میان جوانان استفاده کرده و درصدد السقای نظرات خود است.

روشهای تبلیغی و روانی مناسب به جای برخورد حاد با استفاده کنندگان درازین بردن تمایل استفاده از این وسایل موثرتر است.

روشهای تبلیغی و روانی مناسب به جای برخورد حاد با استفاده کنندگان درازین بردن تمایل استفاده از این وسایل موثرتر است.

روشهای تبلیغی و روانی مناسب به جای برخورد حاد با استفاده کنندگان درازین بردن تمایل استفاده از این وسایل موثرتر است.

روشهای تبلیغی و روانی مناسب به جای برخورد حاد با استفاده کنندگان درازین بردن تمایل استفاده از این وسایل موثرتر است.

روشهای تبلیغی و روانی مناسب به جای برخورد حاد با استفاده کنندگان درازین بردن تمایل استفاده از این وسایل موثرتر است.

روشهای تبلیغی و روانی مناسب به جای برخورد حاد با استفاده کنندگان درازین بردن تمایل استفاده از این وسایل موثرتر است.

روشهای تبلیغی و روانی مناسب به جای برخورد حاد با استفاده کنندگان درازین بردن تمایل استفاده از این وسایل موثرتر است.

روشهای تبلیغی و روانی مناسب به جای برخورد حاد با استفاده کنندگان درازین بردن تمایل استفاده از این وسایل موثرتر است.

روشهای تبلیغی و روانی مناسب به جای برخورد حاد با استفاده کنندگان درازین بردن تمایل استفاده از این وسایل موثرتر است.

کیمیا

یکشنبه اول آذر ۱۳۶۶

این گروهی اینگونه تبلیغ می‌کنند که چون منشاء مشکلات اقتصادی در جنگ می‌باشد پس جنگ غلط است. چون ما باصلام صلح کرده‌ایم، منحل‌ضاربات تبلیغی پس صلح نکردن یا صلح غلط است. ما تک‌تنظری نیستیم به جمعیت سیاسی مخالفان ما. ما کمیته‌های مبارزه داریم اما اگر جمعیتی بخواهد اینها بجهان قرار داده و لذت بردند دربار دچار تشویش و اضطراب کند. شدت برخورد می‌کنیم.

کیمیا

یکشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۶۶

دستگیری اعضای یک باند خروج غیرقانونی افراد از مرز ترکیه

اعضای باندی که افراد را بطور غیرقانونی از مرز ترکیه عبور می‌دادند توسط مأمورین شعبه ۴ اداره آگاهی دستگیر شدند.

اعضای این باند که محمد اکتاوای تیمه ترکیه وزنی بنام مینا تیمه ایران هستند پس از دستگیری اعتراف کردند که با اخذ ۲۵۰ هزار تومان برای هزینه‌های عبور دادن غیرقانونی افراد با همکاری شخص دیگری بنام محی‌الدین می‌کردند.

تحقیقات از والدینی که فرزندان خود را در اختیار اعضای این باند قرار داده‌اند ادامه دارد.

مارکسیسم و انقلاب

از "پیش نویس برنامه حزب سوسیال -

دمکرات کارگری روسیه"

اثر: ولادیمیر لنین

۲ (وضع مقررات قانونی برای مدت استراحت هفتگی برای کارگران مزدگیر هر دو جنس [زن و مرد] شاغل در همه رشته های اقتصادی ملی به شرطی کمتر از ۲۶ ساعت متوالی نباشد .
۲ (منع هرنوع ساعات اضافه کار .
۴ (منع شب کاری (از ۹ شب تا ۵ صبح) در همه رشته های اقتصاد ملی به استثنای رشته هاش که بدلائل تکنیکی ضروری میباشد .
۵ (منع کارفرمایان از استخدام اطفال کمتر از ۱۵ سال .
۶ (منع کارزنان در کارخانه هاش که مشخصا برای سلامتی زنان مضر است .
۷ (وضع قانون مسئولیت مدنی

* - از اینجا متنی که کمیته با اتفاق آراء تصویب کرد آغاز میشود .

** - فری پیشنهاد کرد که آغاز این پاراگراف به ترتیب زیر تغییر یابد و خوانده شود :
"برای حفاظت از فساد تدریجی روحی و جسمی طبقه کارگر و همچنین برای افزایش ظرفیت جنگی در مبارزه برای رهاشیش"

۲ (عدم تجاوز به شخص و مسکن اتباع .
۴ (آزادی نامحدود آگاهی ، بیان ، مطبوعات و تجمعات ، حق اعتصاب و تشکیل اتحادیه ها .
۵ (آزادی تغییر مکان و شغل .
۶ (الغاء املاک خالصه ؛ تساوی حقوق کامل همه اتباع ، صرف نظر از جنس ، دین و یانژاد .
۷ (شناسائی حق خودمختاری برای همه ملیتهاش که قسمتی از دولت را تشکیل میدهند .
۸ (حق اتباع برای تحت تعقیب قرار دادن مأمورین ، بدون شکایت قبلی به مافوق آن فرد .
۹ (مسلح کردن عمومی مردم بجای ادامه ارتش دائم .
۱۰ (تفکیک کلیسا از دولت و مدرسه از کلیسا .
۱۱ (تحصیل همگانی ، رایگان و اجباری تا ۱۶ سالگی . تهیه غذا ، لباس و لوازم تحصیلی برای بچه های نیازمند توسط دولت .
[ت]
برای حمایت از طبقه کارگر و افزایش ظرفیت جنگی وی (**)
حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه مطالبه میکند که :
۱ (روزکار به ۸ ساعت برای همه کارگران مزدگیر محدود شود .

[ب] حکومت خودکامه تزاری - برجسته ترین بقایای سیستم سرف داری و تنومندترین باروی همه این بربریت - خطرناکترین و تلخ ترین دشمن جنبش رهاشیشش پرولتری و پیشرفت فرهنگی همه مردم است .
[پ]

بدین دلائل (*) حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه [اینرا] بمثابه وظیفه مبرم سیاسی پیش می کشد ؛ سرنگونی خودکامگی تزاریستی و جانشین ساختن آن با جمهوری که بر پایه اساسنامه ای دمکراتیک بوده و [مفاد ذیل را] تامین نماید ؛
۱ (حکومت مردم ، بمعنی ، تمرکز قدرت عالیه دولتی در دست هیئت مقننه ایکه از نمایندگان مردم تشکیل میشود .
۲ (حق رای همگانی ، مساوی و مستقیم ، هم در انتخابات هیئت مقننه و هم در انتخابات سازمانهای محلی خود مختار ، برای هر تبعه ای که به ۲۱ سالگی رسیده است ؛ رای مخفی در هرنوع انتخابات ؛ حق هر رای دهنده برای انتخاب شدن در هر یک از مجالس نماینده ؛ مقرری برای نمایندگان مردم .

۱۶) دایر کردن شوراها و داوری کارخانه ای (*). در همه رشته های اقتصاد ملی ، با نمایندگان مساوی از کارگران و کارفرمایان .
 در اواخر ژانویه و اوائل فوریه ۱۹۰۲ نوشته شد .
 " کلیات " ، ج ۶

بنگاههای [موسسات اقتصادی] -
 بکه کارگر مزدگیر استخدام مینمایند .
 ۱۲) گسترش فعالیتهای " بازرسی کارخانه ای " به صنایع هنروری ، خانگی و کاردستی ، و بنگاههای دولتی .
 ۱۳) نقض قوانین حمایت کارگران قانونا قابل مجازات گردد .
 ۱۵) منع کارفرمایان از هر گونه کسور از دستمزد بر هر اساس یا به هر منظور (جریمه ، عدم قبول ، غیره) .



کتاب "درباره رهائی زنان" در سال ۱۳۵۸
 بوسیله انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق
 ایران منتشر گردید . مقاله فوق عینا
 از همین کتاب انتخاب گردیده است .

کارفرمایان در مقابل نقص کامل یا جزئی عضو کارگران در اثر سوانح و یا شرایط مضر کار :
 عدم نیاز به اثبات مسئولیت کارفرما برای نقص عضو کارگر .
 ۸) منع پرداخت دستمزد به صورت جنس . (**)
 ۹) پرداخت حقوق بازنشستگی به کارگران مسن ، که فاقد قابلیت [برای کار] شده اند .

۱۰) افزایش تعداد بازرسان کارخانه ها ، انتصاب بازرسان زن در کارخانه هائی که کارگران زن بیشتر هستند ؛ نظارت بر رعایت قوانین کارخانه ها توسط نمایندگان منتخب کارگران که از دولت حقوق بگیرند ؛ نظارت بر نرخهای [کارهای] قطعه ای و رد [عدم پذیرش] کار انجام شده نیز بایستی توسط نمایندگان منتخب کارگران باشد .

۱۱) نظارت ارکان حکومت خودمختار محلی ، با همکاری نمایندگان منتخب کارگران ، بر شرایط بهداشتی محلهای مسکونی تهیه شده برای کارگران از جانب کارفرمایان و همچنین رعایت مقررات اجرائی قوانین محلهای میکونی و شرایطی که آنها را اجاره میدهند ، بخاطر حمایت کارگران مزدگیر از دخالت کارفرمایان در زندگی و فعالیتهای خصوصی اتباع و افراد .

۱۲) تاسیس تشکیلات کامل و سیستم جامع بازرسی بهداشتی برای نظارت شرایط کار در تمام

برای رسیدگی به اختلافات بین کارگران و کارفرمایان در مورد مزد ، حفظ کار و غیره بودند ، و برای آنها تصمیم میگرفتند .
 دادگاههای کشاورزی درباره حق تنزل اجاره های خیلی زیاد ، فسخ پیمانهای تحمیلی ، و غیره بود .

** - فری پیشنهاد کرد که مطلب زیر در اینجا (در همان عبارت) گنجانده شود : " که قانون باید پرداخت مسزد هفتگی برای همه کارگران استخدام شده پیمانی را وضع کند . "

* - شوراهای کارخانه گویا

هر بار همین که

هر بار، همین که با جمعی به کاری سترک دست می یازیم که رنج هایی آشکار و طولانی دارد، مردی از جمع ما کم می شود و دیگر باز نمی گردد .

آنان ، برایش کف می زنند و فریاد می کشند . او را در جامه یی فاخر فرو می کنند . و با او قراردادی می بندند ، با دستمزدی گزاف .

و او ، یک شب ، دیگر کون می شود برمسند پیشین ، همچو مهمانی می نشیند . او دیگر ، برای کاری دراز مدت ، وقت ندارد .

دیگر ، باهیچ سخنی ، مخالفت نمی کند ، (چرا که این هم وقت گیر است .)

او ، خلق و خوئی نیک می یابد . و سخت نازک طبع می شود .

زمانی دراز به جامه ی فاخر خویش می خندد و بارها سخن از این می گوید که

می خواهد اربابانش را بفریبد .

(آنان موجوداتی کثیفند .)

اما ، ما نیک می دانیم که دیگر ،

با مابودنش ، چندان نخواهد پایید .

آنکاه مردی از جمع ما کم می شود .

ما را با کار دشوارمان ، تنها می گذارد ،

و درطریقت مرسوم ، گام می نهد .

فعالیت های مبارزاتی در دفاع از توده های ستمدیده ایران

بولتن

پناهندگان و آوارگان ایرانی

سازمان دانشجویان ایرانی در هلند

ISSUES: Vervolgelingen bulletin
Ungvár: Magyar Studenten Associatie
Giro: 4498458

بولتن

پناهندگان و آوارگان ایرانی

سازمان دانشجویان ایرانی در هلند

شماره ۲

نوامبر ۱۳۳۳

سپتامبر ۱۹۸۷

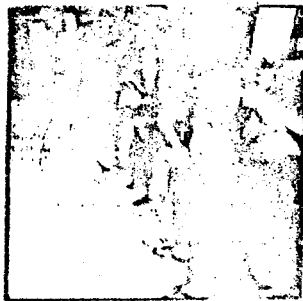
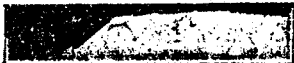
صفحه ۲۶

اسفند ماه ۱۳۳۳ - نوبت ۱۹۸۸

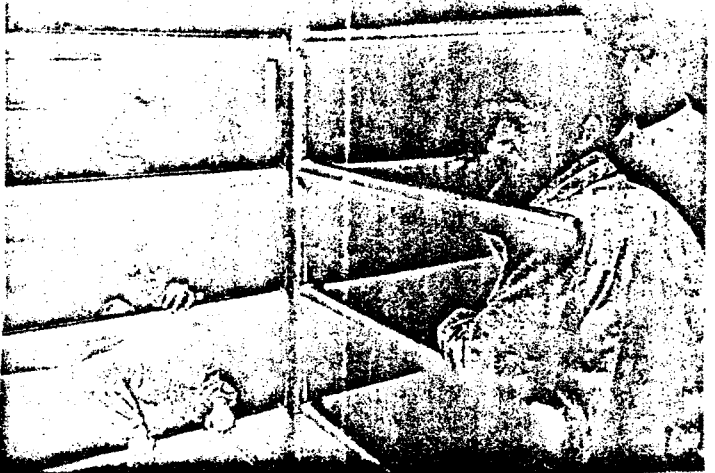
شماره ۳

در این شماره

- ۱ مقررات جدید دادگستری هلند در قبال متقاضیان پناهندگی.....
- ۸ اخبار.....
- ۴ مختصری از وضعیت پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان و ترکیه
- ۷ آمار پناهندگان.....
- ۵ درباره معنای کلمه مهاجر.....
- ۱ سیاست دولت هلند در قبال پناهندگان.....



- ۱ انتصاب فدای آوارگان ایرانی در.....
- ۲ پاکستان - فزایی.....
- ۳ ارباب دیز بسته بروی پناهندگان.....
- ۴ اسامی تعدادی از هموطنانی که در خارج -
- ۵ ارزشور توسط مزدوران جمهوری اسلامی -
- ۸ پستل رسیده فاند.....
- ۹ خود سوزی یک آواره ایرانی در کربلا.....
- ۱۱ اولادیه اتحادیه آوارگان ایرانی - هند.....
- ۱۲ نامه سرگشته شورای پناهندگان ایرانی -
- ۱۳ در پاکستان.....
- ۱۴ تپوسا ساخته شد.....
- ۱۵ اطلاعیه شماره (۱) جمعی از پناهندگان -
- ۱۶ هواداران جبهه انقلابی و حقوق ایرانی -
- ۱۷ در ترکیه.....
- ۱۸ کمپهای پناهندگی در هلند و حوادث دو -
- ۱۹ روستای استرنیک و اسلام خان.....
- ۲۰ طرحهایی از هم (۱۳ ساله) هموطن -
- ۲۱ پناهند در هلند.....
- ۲۲ اطلاعات و سکتات تحصیل برای پناهندگان -
- ۲۳ در هلند.....
- ۲۴ اخبار.....
- ۲۵ سفر.....
- ۲۶ معرفی دوستی.....



برای تهیه سیاستهای ضد پناهندگی متحد و متشکل تویم !

گزیده‌هایی از راد پیم صدای چریکها

جمهوری اسلامی و مسئله انتخابات

اینروزها، در حالیکه بیش از دو ماه به آغاز انتخابات مجلس ضد خلقی شورای اسلامی باقی نمانده، بار دیگر و به سیاق همیشگی موج وسیعی از تبلیغات عوامفریبانه دستگاههای تبلیغاتی جمهوری اسلامی را فرا گرفته است. تبلیغات عوامفریبانه ای که توده های ستمدیده ما از آغاز حیات ننگین این رژیم وابسته تا کنون، نظایر آن را چندین بار در مضحکه های انتخاباتی ای نظیر "رفراندوم جمهوری اسلامی" و "مجلس خیرگان" و سایر موسسات سرکوب نظام تجربه کرده اند و با ماهیت ضد خلقی آن آشنائی کامل دارند. با توسل به همین تبلیغات است که در مقطع تمامی انتخابات های کذائی، جمهوری اسلامی کوشیده است با آزاد جلوه دادن آنها، توده های هرچه بیشتری را به پای صندوقهای از پیش پر شده رای کشانده و نتیجتاً در طی هر دوره آرایش جدیدتری از پست ترین

جمهوری اسلامی و ماسک دفاع از حقوق بشر

از آنجا که سیمای سرکوبگر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی هر روز بیش از گذشته افشا گردیده و جنایات و عملکردهای ضد خلقی اش افکار عمومی توده هارا در سطح جهانی بر علیه او برانگیخته و جمهوری اسلامی را به عنوان یکی از وحشی ترین رژیم های دیکتاتوری و خمینی جنایتکار را به مثابه جلادی در راس این رژیم در اذهان توده ها شناسانده است، سردمداران مزدور رژیم جمهوری اسلامی این سگان زنجیری امپریالیسم برای لاپوشائی اعمال و جنایاتشان دست به شعبده بازی جدیدی زده و با برپائی کنفرانسی در رابطه با بررسی حقوق بشر در اسلام سعی دارند با بزرگ کردن چهره منفورشان افکار عمومی را در جهت منافع خود سوق داده تا بهتر بتوانند سیاستهای اربابان امپریالیست خود را پیش ببرند در این کنفرانس که با هزینه سرسام آوری در تهران در صفحه ۵۱

جمهوری اسلامی و درمان و بهداشت

در کردستان

اخیراً از سوی سرپرست سازمان منطقه ای بهداشتی استان کردستان، اعلام گردید که طی نشستهای متوالی و سمینارهای وزارت بهداشت ضد خلقی، سهمیه داروئی استان کردستان از ۹٪ مجموع کل داروئی تولیدی و وارداتی کشور در سال گذشته، به ۱/۶٪ کاهش یافته است. گرچه این اقدام ضد خلقی سردمداران رژیم بخشی از توطئه ای است که بخصوص در شرایط تداوم جنبش مسلحانه انقلابی در کردستان بر حیات توده های زحمتکش اعمال شده و به مرحله اجرا درآمده است، اما در همانحال اعلام این مسئله از جانب خود دست اندرکاران رژیم نشانگر اوضاع نازل بهداشتی و درمانی مردم محروم و ستم کشیده کردستان نیز میباشد که بویژه طی سال جاری، ابعاد وخیم آنرا با تمام وجود لمس کرده اند. طی سال جاری، کمبود و گرانی سرسام آور دارو در شهرهای کردستان از جمله سنندج در صفحه ۵۴

عناصر وابسته و سگهای زنجیری را در ماشین حکومتی ضد خلقی خود بنام نمایندگان ملت و اسلام جایگزین کرده و آنها را بمنظور غارت و سرکوب هرچه بیشتر توده های تحت ستم بر هستی و جان مردم حاکم نماید و بنا چنین باصطلاح انتخاباتی در واقع هـر بار یورش وسیعتری را بر زندگی و معیشت خلقهای در بند سازمان داده است .

در همین چارچوب است که با نزدیک شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی، بار دیگر سردمداران ضد خلقی جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری با هیأتی گویا "آزادخواهانه" و "مردمی" به صحنه میآیند و مذبوحانه میکوشند تا توده های تحت ستم را به شرکت در چنین مضحکه هاش تشویق و ترغیب نمایند . برای نمونه اخیرا وزیر کشور رژیم یعنی محتشمی جنایتکار طی مصاحبه ای با وقاحت تمام عنوان کرده است که : "من به جرات به ملت عزیزمان عرض میکنم ، تنها کشوری که يك انتخابات آزاد و يك مجلس دقیقا در خط مردم و برگزیده مردم داشته و خواهد داشت جمهوری اسلامی است ."

مقدمتا باید ذکر کرد که تنها امثال محتشمی جنایتکار میپندارند که دروغ هر چه بزرگتر باشد باورکردنش نیز سهلتر است و بر همین اساس است که این مهره سرکوبگر به قول

خودش "جرات" میکند که چنین لاطائلات سراپا کذبی را در رسانه های گروهی به خورد توده ها بدهد . وگرنه خلقهای تحت ستم ماکه از طرف وزیر خائن کشوریه اسم ملت عزیز مورد خطاب قرار گرفته اند ، امروز بروشنی و بیش از هر زمان دیگری به این مسئله آگاهی دارند که از همان اولین روزهای موجودیت منحوس این رژیم ، جمهوری اسلامی بعنوان يك رژیم محصول سیاستهای امپریالیستی اساسا در تقابل آشکار با هرگونه آزادی و آزادیخواهی شکل گرفته و بر سرکار آمده است . و با راهی که در طول ۹ سال تا امروز پیموده ، به حق که وظایف خویش را نسبت به اربابانش با کارنامه طولی از جنایت و غارت و سرکوب در ایران و منطقه بنحو شایسته ای ایفا نموده است .

حال مضحك اینجاست رژیم که با نام آزادی ، بر علیه آزادی و بنام ملت ، بر ضد ملت ، بنا گرفتن پز ضد امپریالیستی ، در واقع برای پیشبرد وظیفه امپریالیستیش کوچکترین آزادی های مردمی را نبریه بند کسیده ، رژیمی که سینه های ستر آزادیخواهان را در گروههای ده نفری و صد نفری با سلاحهای مرگبار امپریالیستی مشك نموده است ، رژیمی که بعنوان يك رژیم ضد خلقی ، خلقهای ترکمن و کرد و عرب را بخاطر کوشش در کسب حق تعیین

سرنوشت و درخواست طبیعی ترین آزادیهای ملی و مردمیشان به خاک و خون کشیده و سیوعانه قتل عام کرده است و بالاخره رژیمی که دستانش تا مرفق به خون توده های مردم ، آزادیخواهان و مبارزان آلوده است ، امروز وقیحانه توسط وزیر کشور معلوم الحالش در مقابل همان توده ها ادعا میکند که تنها کشوری است که انتخابات آزادانه و بر اساس آراء مردم داشته و خواهد داشت .

اما قضیه بسه همین جا ختم نمیکردد ، وزیر کشور جمهوری اسلامی برای مقبول جلوه دادن چنین اراجیفی ، در بحث دیگر از سخنان خویش با اشاره به دمکراسی های غربی ، در مقام قیاس آنها با جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم برآمده و اعلام میکند که : " با وجود تبلیغاتی که غرب روی آزادی و دمکراسی میکند ما شاهد استبداد و دیکتاتوری احزاب در غرب هستیم زیرا اجازه تفکر را به مردم نمی دهند تا انسانهای سالم و خیرخواه و اندیشمند خودشان را به مجلس بفرستند ." و بدینوسیله محتشمی مسزور مں کوشد تا بنا نقد به اصطلاح دمکراسی های غربی تحت عنوان دیکتاتوری احزاب ، دیکتاتوری خینی جنایتکار را توجیه نموده و فقـدان آزادی احزاب و سازمانهای مختلف در ایران

که تنها بیانگر جلوه ای از سلطه دیکتاتوری وحشیانه جمهوری اسلامی بر ایران میباشد را به مثابه فضیلتی جازده و انتصابات مضحک رژیم را نه تنها به مثابه انتخابات جا بزند بلکه حتی آنها را دمکراتیک تر از انتخابات در کشورهای غربی عنوان نماید.

در اینکه در غرب ، دمکراسی واقعی یعنی دمکراسی برای اکثریت توده ها وجود ندارد شکی نیست . چرا که برای نمونه اکثر امکانات تبلیغاتی جامعه در دست سرمایه داران که اقلیتی از جامعه را تشکیل میدهند متمرکز گشته و اکثریت جامعه یعنی کارگران و دهقانان فاقد امکانات واقعی در جهت اشاعه افکار و نظریات خود و در نتیجه انتخاب نمایندگان واقعیشان میباشد . اما با همه نواقص که دمکراسی های غربی دارا میباشد باز هم انتخابات در آنها صدها بار دمکراتیک تر از مضحکه ها ای است که جمهوری اسلامی تحت عنوان انتخابات گاه و بیگاه سازمان می دهد .

اگر در همان کشورهای غربی مورد ادعای محتشمی ، نظام سرمایه داری حاکم حداقل این اجازه را به توده ها میدهد که هر چند سال یکبار در انتخاب احزاب متفاوت و مخالفی که عمدتاً به نوبه خود فراتر از چهار چوب نظام حاکم بر غرب حرکت

نمی کنند تا حدی نقش ایفا نمایند . در ایران تحت حاکمیت محتشمی ها و اربابان امپریالیستی نظام حاکم تحمل کوچکترین ندای مخالفی حتی از جانب سایر جناحهای وابسته به امپریالیسم و هم کیش خود را هم ندارد . و با سرکوب قاطعانه همه آنها بارها نشان داده که در پیشبرد سیاستهای ضد خلقی اش به عنوان مظهر استبداد و دیکتاتوری حتی به نوکران خویش نیز رحم نمیکند . رژیم که حتی تحمل حزب جمهوری دست ساخته خود را ندارد و اساساً هیچ حزب و سازمانی را به رسمیت نمیشناسد چگونه میخواهد و یا می تواند دم از آزادی انتخابات بزند ؟ در واقع این رژیم ضد خلقی بدینترتیب فقط می خواهد توده ها را فریب داده و برای حاکمیت ننگین خویش مشروعیتی کسب کند .

به هر شکل امروز بار دیگر جمهوری اسلامی ضد خلقی با نزدیک شدن انتخابات از باصطلاح ملت عزیز و امت مسلمان می خواهد که در این مضحکه ها شرکت کرده و از زبان محتشمی معلوم الحال به آنها اطمینان می دهد که آزادند تا از میان عناصر جنایتکار ضد خلقی و سگان زنجیری امپریالیسم که البته از قبل دست چپس گردیده اند ، باصطلاح نمایندگان برگزیده خود را به مجلس بفرستند ، تا بدینوسیله امپریالیستها

و نوکرانشان در ایران فرصت یابند که ضمن یورش وسیعتر بر علیه هرگونه آزادی و حقوق طبیعی توده های انقلابی و جنبش آنان ، خود را به موازین دمکراتیک پای بند نشان دهند . محتشمی در واقع از "ملت عزیز" می خواهد که در مضحکه انتخابات مجلس شورا شرکت کنند تا مجلس برآمده از آن ، همچون گذشته ارتجاعی ترین قوانین ضد خلقی را به نفع امپریالیستها و سرمایه داران وابسته ، طرح ریزی و از تصویب گذرانده و به عنوان قانون توده ها و بر سر ضد توده های زحمتکش و کارگر به مرحله اجرا درآورد .

جمهوری اسلامی از توده های ستم دیده می خواهد تا با آزادی کامل در انتخابات مجلس شرکت کنند تا همین مجلس بر فقر و فلاکت آنان و برثروت سرمایه داران بیافزاید ، شیره جان آنها را بمکد ، و فوج فوج کودکان و جوانانشان را در مسلخ گناه های جنسیت امپریالیستی ای که توده ها آن را نمی خواهند قتل عام کند . و در کنار تمامی اینها به سرکوب ددمنشانانه کوچکترین ندای اعتراضی و افکار انقلابی و آزادیخواهانه قانونیت بخشیده و هر روز قوانین جدیدی برای تسهیل کار ماشین سرکوب تصویب نماید .

با نظایر چنین اهدافی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

در راه نیل به آن گام
بر می دارد .

جمهوری اسلامی و ماسک ...

از صفحه ۴۸

برپا گردیده رژیم میکوشد ضمن تکیه بر فجایعی که در جوامع غربی هرروزه رخ میدهد و افشا آنها اعمال جنایتکارانه خود را تحت عنوان پیاده کردن اصول اسلام و زیر پوشش اجرای اعتقادات ایدئولوژیکش لاپوشانی نماید .

بر همین اساس هم بود که خامنه ای مسردور در سخنان خود در مراسم افتتاح ایمن کنفرانس ضمن پرخاشهای ریاکارانه به امریکا و اسرائیل گفت : " آزادی و رفاه ، تامین حقوق خانواده و حقوق فردی و جمعی تنها در يك جامعه اسلامی قابل تامین است " و از آنجاکه این سخنان با توجه به تجربه ۹ سال حاکمیت منحوس جمهوری اسلامی و برقراری جامعه اسلامی مورد نظر سردمداران رژیم در ایران ، هر انسانی که کمی با این تجربه آشنا باشد را به خنده وامیدارد . خامنه ای مسردور را مجبور نمود که بجای نشان دادن صحت احکام فوق بر اساس تجربه ۹ سال حاکمیت جمهوری اسلامی به سبب همپالکی های مسردورش به مجرای کربلا زده تا با بررسی حقوق بشر



نگردد ، و کارش به زندان و شکنجه نکشد و توسط دستگاه تفتیش عقاید جمهوری اسلامی هزاران بلایای دیگر نصیبش نگردد باید مهر ضد خلقی این انتخابات فرمایشی در شناسنامه اش ثبت گردد . بله آزادی در قساموس رژیمهای سرسپرده ای مثل جمهوری اسلامی از همین قماش است و بس .

اما از آنجا که توده های تحت ستم ما امروز بیش از هر زمان دیگر ماهیت رژیم وابسته حاکم و سگان زنجیری امپریالیسم را شناخته و در زندگی مادی خود با گوشت و پوست لمس نموده است ایمن مضحکه ها را انتخابات آزاد خود نمی داند و در آنها شوکت نخواند کرد چرا که توده های ما امروز دیگر به این امر آگاهند که تنها در يك محیط آزاد و دمکراتیک امکان ابراز آزادانه نظرات و آراشان را خواهند داشت و چنین محیط آزاد و دمکراتیکی تنها در پرتو حاکمیت کارگران و زحمتکشان و در جامعه رهبا گشته از قید سلطه امپریالیسم و سگ زنجیریش جمهوری اسلامی متحقق خواهد گشت . جامعه دمکراتیکی که در آن آگاهی و آزادی هر فرد شرط آگاهی و آزادی کل جامعه خواهد بود . امروز توده های ما به چنین جامعه ای میاندیشند و جنبش انقلابی آنها نیز سالیهاست که با نبردی دلاورانه و مسلحانه

است که سردمداران جمهوری اسلامی و از جمله وزیر کشور جنایتکار این رژیم یعنی محتشمی از " ملت عزیز " می خواهد که در انتخابات فرمایشی مجلس شرکت کنند و در بخش دیگری از مصاحبه کذاشراش به آنها اطمینان می دهد که " از هم اکنون سیستم بسیار منظم و سطح بالایی را طراحی کرده ایم و تمامی مقدمات انتخابات اعم از مقدمات مادی ، فیزیکی ، معنوی و نظارتی آن انجام گرفته " و سرانجام نیز اظهار می دارد که " امید دارم که ملت ایران با هوشیاری کامل به صحنه انتخابات وارد شود " .

معنای این سخنان نیز روشن است چرا که در همین جا آخرین پسرده های فریبکاری و آزادیخواهی کنار زده می شود و محتشمی مسردور از زیر عبای آخوندی ، چماق سرکوب و زور را عیان می کند . بله همانطور که ایشان گفته اند و تجربه نشان داده است دست اندرکاران رژیم سیستم بسیار منظم و سطح بالایی را طراحی کرده اند و در سایه چنین سیستم منظم و سطح بالایی است که رژیم مثل همیشه جو ارباب و خفقان و ترور فکری را بیش از پیش بر جامعه حاکم گردانده و بدین ترتیب همسان " ملت عزیز " باید در چنین فضایی هوشیاری خویش را حفظ کند و اگر می خواهد از کار بیکار نشود ، کویسن خواربارش قطع

در غرب و محکوم نمودن سازمانهای مدعی حقوق بشر دلائلی در تائید سخنان خود بیاید.

در نتیجه خامنه ای گفت :
"اکنون اسرائیل با حمایت امریکا از انجام هیچگونه جنایتی علیه مسلمانان فلسطین خودداری نمیکند و افریقای جنوبی نیز با حمایت همین مدعیان حقوق بشر، حقوق انسانها را نادیده میگیرند" و در ادامه سخنانی از اضافه کرد که :

روش فعلی سازمانهای مدعی طرفداری از حقوق بشر موجب یاس و نومیدی ملتها نسبت به آنها شده است. این سازمانها به نفع بشریت کنار میگردند امروز حق مردم فلسطین پایمال نمیشد" و باین طریق خامنه ای جهت کار کنفرانس معلوم الحال کذائی را روشن نمود و پس از آن نیز جیره خواران ریز و درشت رژیم و یا مزدورانی که از اینجا و آنجا جمع آوری شده بودند در این چهارچوب ضمن مجیزگوشی از جمهوری اسلامی به لاپوشانی حدود ده سال کشتار و جنایت این رژیم مزدور و پایمال نمودن ابتدائی ترین حقوق انسانی بوسیله این رژیم پرداخته و در این راستا سخن گفتند .

از آنجا که سیاست تبلیغاتی جمهوری اسلامی از ابتدا براین اساس بوده است که ضمن پیشبرد سیاستهای امپریالیستی اربابان

جنایتکارش بر علیه آنها نیز شعار دهد هم اکنون نیز این رژیم مزدور ضمن پایمال نمودن ابتدائیترین حقوق بشر آن هم به وحشیانه ترین شکلش در ایران ریاکارانه پرچم دفاع از حقوق بشر را برداشته و دم از حقوق بشر اسلامی میزند و البته این شیوه تبلیغات چیز جدیدی نیست و اسلاف سردمدار رژیم امثال آخوند کاشانی ها نیز در زمان شاه جنایتکار درحالیکه از انگلستان پول میگرفتند، بر علیه انگلیس شعار میدادند تا راحت تر بتوانند تسوده ها را فریب داده و سیاستهای اربابان خود را پیش ببرند و به مردم چنین القاء کنند که چون به انگلستان فحش میدهند پس ضد انگلیس هستند در حالیکه سر درآخور استعمار انگلستان داشتند .

و به همین دلیل نیز باید پرخاشهای ریاکارانه و فعاشیهای خامنه ای و دیگر سخنرانان این کنفرانس را جدی تلقی نکرد ، چراکه رژیمی به اسرائیل و امریکا و افریقای جنوبی فحش میدهد که هر روز اسناد جدیدی از روابط پنهانی او با رژیمهای جنایتکار حاکم بر این کشورها افشا میگردد .

اما باید دید که چرا جمهوری اسلامی به تلاش افتاده تا خود را طرفدار حقوق بشر معرفی نماید و از این مسئله چه سودی عاید رژیم و اربابانش میگردد ؟

۹ سال پس از استقرار جمهوری اسلامی و پس از تمامی جنایاتی که این رژیم بر علیه خلقهای ما اعمال نمود، جنایاتی که خود رژیم نیز تا مدتها میکوشید آنها را به نمایش بگذارد تا در عزم خلل ناپذیر توده ها در مبارزه بر علیه بیدادگریهایش خللی وارد سازد، چنین نمایشاتی بیشتر مصرف خارجی داشته و پاسخی است به محکومیتهای مداوم جمهوری اسلامی بعلت نقض حقوق بشر در مجامع بین المللی . و بواقع نیز رژیمی که حدود ۵۰ هزار نفر از بهترین فرزندان خلق که بدفاع از منافع خلقها برخاسته بودند را به شهادت رسانده است و در سال ۶۰ از زبان آخوند جنایتکار کیلانی دژخیم اعلام میکرد که هرکه را دستگیر کردید همانجا در همان خیابان کنار دیوار بگذارید و اعدامش کنید و یا زخمیها را تمام کش کنید چگونه میتواند از حقوق بشر دم بزند . رژیمی که از زبان پیر سک امپریالیسم یعنی خمینی جنایتکار فتوا میداد که خون زندانیانی که به اعدام محکوم گردیده اند را قبل از اعدام برای مجروحین جبهه های جنگ امپریالیستی ایران و عراق بکشند و یا به دختران دلیر و شهروانی که به اعدام محکوم گردیده اند قبل از اعدام تجاوز شود تا به اصطلاح به

بهبست نروند به واقع چگونه
 میتواند از حقوق بشر دم بزند .
 رژیمی که جدا از تمامی
 اعمال جنایتکارانه اش با
 سعیت تمام جنایاتش را نیز
 به نمایش میگذاشت و از زبان
 حاشری مزدور در نماز جمعه
 شیراز اعلام میکرد که : "چند
 تا از این ضدانقلابیون را در
 نماز جمعه ها و در ملا عام بدار
 بنیادینید تا بقیه حساب کار
 دستشان بیاید " و یا در رابطه
 با باصلاح مبارزه با گرانفروشی
 از زبان بهزاد نبوی میگفت " ۲
 تا جوبه دار در کنار خیابان
 برقرار کنید و چند نفر را اعدام
 کنید تا گرانفروشی از بین برود"
 و یا در همین چند روز پیش
 از زبان آذری قمی اعلام میکرد
 که : اگر زندانهای کوتاه مدت و
 تعزیرات محدود تازیانه ای اثر
 ندارد باید به تعزیرات موثری
 اقدام کرد حتی در مواردی که
 اعدام و تیرباران که بعنوان حد
 اجرا میشود موثر نیست با اضافه
 کردن تعزیرات که حد را موثر
 نماید اقدام نمود " به واقع
 چگونه میتواند دم از حقوق بشر
 بزند .

آری ، رژیمی که برای
 سرکوب مبارزات ضدامپریالیستی
 خلفهای قهرمان ایران به
 هروسیله ای متوسل گردیده و حتی
 مجبور شده که جنایاتش را به
 نمایش بگذارد تا شاید با
 ایجاد رعب و وحشت در دل توده ها

چند صباحی بیشتر به زندگی
 ننگین خود ادامه دهد و دهها
 هزار نفر از بهترین فرزندان
 خلق ما را در زندانهای قرون
 وسطائی خود محبوس ساخته و زیر
 شدیدترین شکنجه قرار داده است
 نه تنها نمیتواند دم از حقوق
 بشر بزند بلکه روشن است که
 چنین تبلیغاتی برای توده هاش
 که هر روز جنایات او را با گوشت و
 پوست خورد لمس میکنند نیز
 تاثیر زیادی نداشته و در نتیجه
 این چنین تبلیغاتی بیشتر
 مصارف خارجی یا بقول خود رژیم
 مسائل و منافع برون مرزی رژیم
 را در بردارد .

واقعیت این است که
 اوجگیری بحران امپریالیستی که
 هر روز شدت بیشتری مییابد باعث
 رشد بیش از پیش مبارزات
 ضدامپریالیستی خلقهای ستمدیده
 کشورهای تحت سلطه امپریالیسم
 گردیده و این مبارزات میروند
 تا سلطه امپریالیستی را در
 کشورهای مختلف تضعیف و نابود
 سازند . از اینرو امپریالیستها
 با تمام امکانات خود میکوشند
 تا این مبارزات را سرکوب و
 نابود سازند و یا با نفوذ در
 رهبری این جنبشها و به انحراف
 کشاندن آنها از مسیر درست ،
 منافع خود را در این کشورها
 حفظ و تامین نمایند .

و از آنجا که توسل به
 مذهب یکی از شیوه های شناخته
 شده امپریالیستها در به
 انحراف کشاندن مبارزات

توده هاست با اوجگیری مبارزات
 توده هاویژه در میان مسلمانان
 شرق ، امپریالیستها با درگیری
 از تجربه ای که بخصوص با
 استقرار جمهوری اسلامی در ایران
 بدست آورده اند برای حفظ منافع
 خود بیشتر از قبل به تقویت و
 اشاعه جریانسات اسلامی
 پرداخته اند و از این روست که
 میبینیم با برقراری جمهوری
 اسلامی در ایران در سایر کشورها
 مانند پاکستان ، لبنان ، ترکیه ،
 عربستان و فیلیپین گروهها و
 سازمانهای اسلامی هرچه بیشتر
 مورد توجه قرار گرفته و تقویت
 میگردند . و این وظیفه ، بخشی
 بوسیله جمهوری اسلامی پیش برده
 شده است تا توده های معترضی که
 در شرایط بحران در هر صورت به
 خیابانها میریزند زیر بیرق سبز
 اسلام گرد آیند و نه زیر پرچم سرخ
 و ظفر نمون کمونیسم .

براین اساس از آنجا
 که یکی از وظایف جمهوری اسلامی
 در پیشبرد سیاستهای اربابان
 امپریالیستش نفوذ در جنبشهای
 منطقه و ایجاد گروههای رنگارنگی
 اسلامی است و امپریالیستها نیز
 برای پیشبرد این هدف میکوشند
 جمهوری اسلامی را رژیمی مستقل ،
 اسلامی ، انقلابی و ضدامپریالیست
 جلوه دهند و از آنجا که سرکوب
 وحشیانه انقلابیون ایران و
 اعمال جنایتکارانه این رژیم در
 حق توده ها بوسیله سازمانهای
 مبارز و توده هاش که از دست

پیام فدائی

سال دوم

شماره ۱۸ - بهمن و اسفند

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

کلیه نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیستهاست که با افشای هرچه بیشتر عملکردهای جمهوری اسلامی و نشان دادن جهنمی که این رژیم برای توده های ستمدیده ما بوجود آورده است به خلقهای منطقه و انتقال تجربیات مبارزه ضدامپریالیستی خلقهای ایران به خلقهای منطقه به مقابله با این سیاست برخاسته و اجازه ندهند که آنچه را که امپریالیستها بوسیله جمهوری اسلامی در ایران پیاده نمودند در کشورهای دیگر تکرار گردد. ❖

آوردن آنها میسر میشده است.

البته مسئله کمبود دارو و اوضاع وخیم درمانی و بهداشتی در کلیت خود و در جامعه تحت سلطه ما، نه امری تازه و منحصر به استان کردستان، که یکی از ویژگیهای عمده دستاوردهای حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم میباشد. در ایران تحت حکومت جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش به موازات تمامی جنایتهای ضد خلقی سردمداران حاکم در حق خلقهای محروم ما، نبود پزشک، درمانگاه و بیمارستان، دارو و غیره امری طبیعی و حاصل سالها سلطه جابرانه امپریالیستی است که در طول سالهای مدید با استثمار و چپاول هرچه بیشتر توده ها، و درحالیکه توده ها در

خود را بکار گرفته است تا از این طریق به چهره سراسر سیاه خود رنگ و روغن جدیدی زده و توانائی بیشتری در فریب توده ها کسب نماید.

اما اگر امپریالیستها میکوشند با توسل به اسلام بویژه در کشورهای تحت سلطه خاورمیانه مبارزات توده ها را از مسیر واقعی و درستش منحرف سازند و آلترناتیو جمهوری اسلامی را به مثابه یکی از راههای ممکن در مقابل رژیم های سراپا جنایت موجود قرار دهند وظیفه

جمهوری اسلامی و درمان و...

از صفحه ۴۸

مهاباد و بوکان و غیره و نبود داروهای ضروری و اساسی یکی دیگر از مشکلات و مصادف عدیده مردم محروم کردستان، تحت حاکمیت سرکوبگرانه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بوده که این خلق دریند به مانند سایر ترفندهای ضد خلقی رژیم حاکم در کردستان با آن نیز بیش از پیش دست به گریبان شده است. با وجود سرمای شدید زمستانی و شیوع انواع بیماریهای خاص فصل سرما در سنج امسال در اغلب اوقات، تلاش مردم برای پیدا کردن یک بسته قرص آنتی بیوتیک و یا داروهای مربوط به بیماریهای اعصاب در داروخانه ها بی نتیجه مانده و با تنها با پرداختن چندین برابر قیمت امکان بدست

این رژیم خانه و کاشانه خود را رها کرده و به خارج از کشور فرار کرده اند هرچه بیشتر افشا گردیده و چهره رژیم را به جهانیان شناسانده است، و جمهوری اسلامی بارها در مجامع مختلف بین المللی به علت نقض حقوق بشر محکوم گردیده است و این امر به توانائی رژیم در پیشبرد سیاستهای ارتجاعی اش ضربه میزند. جمهوری اسلامی برای فریب توده ها به تشکیل کنفرانس مزبور متوسل گردیده تا خود را طرفدار حقوق بشر قلمداد نماید و صدا البته از نوع اسلامی اش تا به این وسیله همه جنایات خود را با تکیه به اسلام لاپوشانی کرده و توانائی فریب توده ها را هرچه بیشتر کسب نماید.

جمهوری اسلامی باین وسیله میکوشد با زدن ماسک طرفداری از حقوق بشر و حق انسانها، از پراکنده شدن زحمتکشان مبارز کشورهای تحت سلطه از اطراف گروههای اسلامی دست ساز امپریالیستها که بوسیله جمهوری اسلامی تغذیه میشوند جلوگیری بعمل آورده و در همان حال به مقابله با موضعگیریهای اخیر سازمان ملل و سایر مجامع طرفدار حقوق بشر در رابطه با محکوم کردن این رژیم بعلت نقض حقوق بشر میپردازد. در نتیجه تشکیل کنفرانس مزبور در تهران در این راستا بوده و رژیم تمامی امکانات تبلیغاتی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

کردستان و رساندن آن به کمترین میزان ممکنه دیگر تعجیبی را بر نخواهد انگیزت و آنگاه دیگر کمبود و گرانی بی سابقه دارو و غیرالمثل پیدانشدن آنتی بیوتیک و سایر داروهای اساسی و مورد نیاز در داروخانه های کردستان و یسا دهها مورد مرگهای غیرطبیعی و قابل اجتناب، بخاطر عدم دسترسی به کمترین امکانات دارویی و درمانی، تحت چنین شرایط اسفباری قابل توجیه خواهد بود. چراکه از نظر رژیم ضدخلق و سرکوبگر حاکم، ضروریات غارت و چپاول توده ها، سرکوب مبارزات آنها و پیشبرد جنگ امپریالیستی و سایر جنایاتی که این رژیم وابسته و کثیف تنها و تنها در خدمت اربابان جهانی اش عملی میسازد، ایجاب میکند که تحت حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی مردم حتی مریض هم نشوند! چون در اغلب اوقات نصیبی بجز مرگ بدست نخواهند آورد و در واقع، امروزه از نظر رژیم وابسته حاکم، در جامعه تحت سلطه ما در مقابل هزاران بدبختی و فلاکت و بیماری موجود برای توده های محروم، مرگ یکی از سهل الوصولترین و ارزانترین درمانهاست.

رژیم سرکوبگر و ضد مردمی جمهوری اسلامی امروز بویژه در

فقرو فلاکت و محرومیت عوطه ورنند آنها را از کوچکترین حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خویش نیز محروم ساخته است. امری که در جمهوری اسلامی حدت و شدت هرچه بیشتری یافته است، چراکه در شرایط بحرانی نظام موجود، این رژیم مزدور تنها بفرکر کسب سودهای افسانه ای برای سرمایه داران زالموصفت بوده و هیچ تعهدی نسبت به تامین نیازهای توده ها به عهده نمیگیرد. در حالی که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، طبق برآوردهای خود دولت مردان جنایتکار حاکم، بطور متوسط برای هر ۱۰ هزار نفر تنها یک پزشک وجود دارد، در حالیکه بیشتر از نصف جمعیت کشور که در روستاها و مناطق خارج از شهر زندگی میکنند، از درمانگاه و پزشک و بهداشت و درمان محدودتری برخوردارند، و اضافه بر اینها در حالی که با تداوم و تشدید جنگ خانه خراب کن امپریالیستی و خونریزیها و مصائب ناشی از آن، اندک امکانات درمانی و بهداشتی موجود در جامعه هرچه بیشتر توسط ماشین نظامی سرکوبگر رژیم و در خدمت جبهه های جنگ ارتجاعی به کار گرفته میشود، آنگاه کاستن چندین برابر از امکانات دارویی مردم

حالی به ایجاد و گسترش هرچه بیشتر تضیقات ضد خلقی و منجمله کاستن از بودجه درمانی استان کردستان در حلق توده های رنج دیده آن مبارزات میورزد که با تحمیل یک جنگ ناعادلانه و ضد خلقی ۸ ساله به این خلق قهرمان بیش از پیش سعی در قلع و قمع جنبش حق خواهانه آنان و پایمال کردن خواسته های عادلانه این جنبش یعنی آزادی حق تعیین سرنوشت داشته و با شدتی دو چندان مشغول سرکوب آن است.

در چنین شرایطی مردم بیباک و مقاوم کردستان به عینه شاهدند که در حالیکه بطور مثال درصد بسیاری از اطفال و نوزادان در روستاهای کردستان در مرز رسیدن به یکسالگی میمیرند، چگونه صدها هزار نیروی ضد خلقی و مسلح رژیم که برای سرکوب این خلقت در دور افتاده ترین روستاها و شهرها مستقر و ناسن دندان مسلح شده اند، در قرارگاههای ضد خلقی خود از امکانات درمانی و داروهای کمیاب خارجی و امریکائی و غیره برخوردارند، تا با توان و تجهیزات بیشتری سرکوب وحشیانه خلق کرد را پیش ببرند. امروز در چهارچوب چنین شرایطی است که سردمداران در صفحه ۶۴

پیش بسوی ایجاد فرماندهی مشترک در جنبش خلق کرد

پیام فدائی

سال دوم

شماره ۱۸ - بهمن و اسفند

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران



از اعزام به صورت پیش پرداخت و غیره .

● - مزدوران شهربانی در بهمن ماه در شهر لاهیجان دست به تشکیل کشتهای جدیدی بنام بقیة الله زدند این گشت که از اکیپهای ۲ نفره تشکیل گردیده شب هنگام ضمن ایجاد راه بنندان و بازرسی افراد و ماشینها مبادرت به دستگیری افراد مینماید .

● - روز ۱۷ بهمن ماه مزدوران کمیته های تهران به بهانه گرامیداشت دهه فجر دست به تفتیش و جستجو در سطح شهر تهران زدند . این مزدوران در میدانها و تقاطع ها ماشینها را نگهداشته و بازرسی میکردند .

● - براساس گزارش خبرگزاریها جمهوری اسلامی طی یکسال گذشته حدود هفت میلیارد دلار تجهیزات نظامی تنها از کشور چین خریداری کرده است .

● - میرزاده معاون اجرائی نخست وزیر در مورد فعالیتهای ستاد بازسازی و نوسازی مناطق آسیب دیده در جنگ طی یکسال گذشته گفت : " آمار واحدهای آسیب دیده که بالای پنجاه درصد تخریب شده و در استانهای مختلف کشور مورد حملات دشمن قرار گرفته بودند بالغ بر صدویست هزار و

هزار و هشت اهالی رافرا گرفته و نفرت و انزجار تسوده ای از جنگ و مسیبتن جنایتکارش اوج هرچه بیشتری گرفته بود ، خمینی جنایتکار بیشرمانه در ۱۲ اسفند ماه گفت : " این موشکها را زدند و کشتند و چه کردند و مردم ایران سرخای خودشسان نشستند و ایجا میخندند بهشون " .

● - چندی پیش مدیریت ضدحلقی کارخانه شیر پاک تهران برای تشویق کارگران به رفتن به جبهه های مرگ و نیستی اعلام نمود ، کسانی که برای مدت ۲ ماه بینه جبهه ها بروند ۱۶۵ ساعت اضافه کاری و یک پایه سنواتی دریافت خواهند کرد ! اما کارگران کارخانه مزبور علیرغم اینکه در اوضاع فلاکتباری بسر میبرند حاضر نشدند در ازاء این امتیاز به جبهه بروند .

● - معاون امور جنگ وزارت کار ، وظایف ستادهای انصارالمجاهدین واحدهای کارگری را چنین اعلام نمود : اعطای ۲ روز حقوق تشویقی قبل از اعزام ، پاداش تشویقی شامل وام بلاعوض بین دو هزار تا چهار هزار تومان ، اولویت دادن در پرداخت وام ، تأمین احتیاجات اولیه خانواده رزمندگان ، اعطای ۲ امتیاز در ازاء هر ماه خدمت در جبهه به رزمنده عضو تعاونی مسکن ، پرداخت دو ماه حقوق ماههای بعد

● - در ۱۰ اسفند ماه باردیگر جنگ شهرها بین ایران و عراق با شدت هرچه بیشتری یافت و باموشک باران تهران و بغداد و دیگر شهرهای دو کشور عده زیادی از اهالی بیگناه این شهرها قربانی تداوم جنگی گشتند که نه جنگ آنها بلکه جنگ امپریالیستهای است که در جهت تأمین منافع خود از توسل به هر جنایتی کوتاهی نمیورزند .

باموشک باران تهران ، اهالی شهر اجبارا شهر را تخلیه کرده و به مناطق اطراف تهران مثل کرج ، اوشان و فشم گریختند . حملات موشکی که در فواصل کوتاه انجام میشد وحشت زیادی در مردم ایجاد کرده و بار دیگر جنگ امپریالیستی ایران و عراق را با تمامی فجایع و جنایاتش در مقابل چشمان آنها بنمایش در میآورد .

در چنین شرایطی که

مرگ پر جنگ امپریالیستی برقرار باد صلحی دمکراتیک

ارکان چریکهای فدائی خلق ایران

۵ نفر در میدان فردوسی تهران و در ملاء عام انجام پذیرفت .

● - اردبیلی در نماز جمعه تهران اعلام کرد که : ما در اجاره ساختمانهای خالی ، اراضی کشاورزی ، کمربند ، قانون مالیات ، گرانفروشی ، قاچاق ، تجارت خارجی ، معادن ، روابط سیاسی با دول خارجی و بسیاری موارد دیگر بن بست داریم .

● - شدت یابی تضادهای درونی جناحهای مختلف رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ، خمینی جنایتکار را وادار کرد تا تصمیم به تشکیل مجمعی متشکل از اعضا شورای نگهبان به همراه خامنه - ای ، رفسنجانی ، اردبیلی ، توسلی ، موسوی خوئینی ها ، نخست وزیر و احمد خمینی و گرفته و سعی در کاهش و حل این تضادهای حل ناشدنی بنماید ، تشکیل این مجمع از یکطرف نشانگر اوجگیری تضادها و کشمکشهای جناحهای مختلف رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بوده و از طرف دیگر ناتوانی سردمداران مزدور جمهوری اسلامی در حل این تضادها را نشان میدهد .

● - کاشانی مزدور سخنگوی شورای نگهبان در جواب سوال خبرنگار خارجی در رابطه با تفاوتهای ولایت فقیه و دیکتاتوری گفت : دیکتاتور به آدمی میگویند که کار به قانون ندارد ، بلکه او

پانصد و هفتادوشش واحد مسکونی ، تجاری و اداری میشوند "

● - یکی از مزدوران رژیم در کمیته های ضد خلقی اعلام نمود که آموزش پرسنل کمیته ها از دو هزار نفر در سال ۶۰ به بیست هزار نفر در سال ۶۶ افزایش یافته است .

● - داود کرمی مدیر کل مبارزه با مواد مخدر جمهوری اسلامی با وقاحت اعلام کرد که " همه گروهکها تقریباً روی هم نه هزار نفر زندانی دارند و قاقا قیچیان چهل هزار نفر زندانی دارند "

● - در روزهای ۲۷ و ۲۹ بهمن ماه دو بمب قوی در تهران منفجر گردید که بر اثر آنها عده ای از مردم بیگناه بشدت مجروح شدند . رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بیشتر مانده این اقدام جنایتکارانه را به نیروهای مبارز و انقلابی نسبت داد و به این وسیله کوشید تا اذهان توده ها را نسبت به نیروهای مبارز بدبین سازد ، در حالیکه این قبیل بمب گذاریها که قربانیان آن همواره از میان توده های مردم میباشد کار مزدورانی است که در ازای دریافت پول به چنین اعمال جنایت باری اقدام مینمایند .

● - در ۱۸ اسفند ماه جمهوری اسلامی ۵ نفر را به جرم ارتباط با عراق و بمب گذاری در مناطق مختلف اعدام نمود . اعدام این

افکار خودش را میخواد بر مردم تحمیل بکنه و ولایت فقیه اولاً به معنای برهم زنده قانون نیست بلکه قانون اساسی است و ولی امر که ولایت فقیه نفوذش در کارها از راه قانون اساسی ، مجلس ، قوه مقننه و قوه مجریه و قوه قضائیه است و"



● - طبق اخبار واصله در نیمه اول اسفند ماه تعدادی از روستاهای منطقه بوکان و مهاباد در پی بارش شدید برف و باران در محاصره سیلاب قرار گرفته و مردم زحمتکش این روستاها دچار زیانهای جان و مالی بسیاری گشته اند . اسامی برخی از این روستاها عبارتند از حاجی لك ، كلب رضاخان ، قارنجه قلا ، قره گل ، خوپراوا ، حسین مامه ، گامیش گولی ، كول آباد ، امیرآباد و

بر اساس همین گزارشات چندین راس گاو و گوسفند ، تعدادی از منازل و اثاثیه های مردم طعمه سيل گشته و تنی چند از روستائیان محروم و زحمتکش نیز جان خود را از دست داده اند .

● - در تاریخ بیستم بهمن ماه شهربانی ضد خلقی بوکان به دکه داران زحمتکش این شهر که

تعدادشان بر اثر فقر و تنگدستی زیاد است همدار میدهد که باید دکه هایشان را از داخل شهر جمع کنند. از آنجا که این دکه ها تنها وسیله کسب و ارتزاق بسیاری از زحمتکشان میباشد، دکه داران به این همدار توجهی نمیکنند. عصر روز بعد پاسبانهای مزدور و ضد خلقی شهربانی به خیابان محل دکه ها ریخته با ضرب و شتم اولین سری دکه داران، وسائل و موجودی های چند دکه را شامل قند و شکر و... به جوی آب کنار خیابان میریزند. این عمل وحشیانه مزدوران شهربانی خشم دکه داران را برانگیخته و آنها به پاسبانها حمله ور شده و این مزدوران ضد خلقی را به زیر مشت و لگد میگیرند. شهربانی ضد خلقی بوکان پس از مشاهده این مقاومت بین ساعت ۱۰ تا ۱۱ شب با لودر و ماشینهای کمپرسی به محل دکه ها یورش برده و ضمن محاصره خیابان، تمامی دکه ها را با خراب کرده و یا با کمپرسی به خارج شهر مینبرند و در این میان پاسبانهای شهربانی نیز با وحشیگری تمام به غارت و چپاول وسائل دکه داران میپردازند. صبح روز بعد نیز نیروهای سرکوبگر شهربانی ضمن یورش مجدد به منطقه، از وحشت حرکت اعتراض دکه داران محل دکه ها را محاصره کرده و صاحبان دکه ها را یکی یکی

دستگیر و به زندان شهربانی منتقل کردند تا بدینوسیله از خشم و اعتراض جمعی دکه داران زحمتکش و به جان آمده در امان باشند.

● ریزش سنگین برف و باران در اسفند ماه امسال در مناطق کوهستانی کردستان مشکلات بسیار زیادی را برای ماشین سرکوبگر ضد خلقی رژیم در پایگاههای مزدوران ایجاد کرده است. مطابق اخبار دریافتی در تاریخ ۱۴ اسفند ماه در پایگاه "همل" منطقه سردشت سه پاسدار مزدور جمهوری اسلامی از شدت سرما یخ زده و به هلاکت رسیدند.

در همین رابطه در نیمه اول اسفند ماه همزمان با ریزش برف سنگین در منطقه "قاسم رش" سردشت، سقف یکی از سنگرهای جمعی پاسداران ضد خلقی مستقر در پایگاه فروریخته و ۱۲ نفر از این عناصر مزدور کشته شدند.

در همین تاریخ با طغیان آب رودخانه در "قاسم رش"، آتن دیگر از پاسداران سرکوبگر طعمه سیلاب کشته و جسد آنها چند روز بعد در نزدیکی پل "ژار اوه" از آب گرفته شده است. همچنین شدت طغیان آب رودخانه به حدی بود که جاده جدیدالاحداث رژیم ضد خلقی که به منظور اهداف سرکوبگرانه، از "قاسم رش" تا بازار "پشکاو" کشیده شده بود تماماً از بین رفته و ۲ دستگاه لودر و چندین چادر جمعی و آشپزخانه پاسداران طعمه آب

شده اند. ● - بر طبق اخبار دریافتی از بوکان، در حوالی دیماه امسال، رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بعثت آنکه با کمبود عناصر مزدور وابسته و سرکوبگر در آموزش و پرورش استان کردستان روبرو شده، مبادرت به انتقال یکسری از عناصر سرسپرده خویش از مناطق دیگر به شهر بوکان کرده و این مزدوران را در سطوح ریاست مدارس و دبیرستانها بمنظور پیشبرد وظایف ضد خلقی خویش برای سرکوب دانش آموزان به کار مشغول نموده است.

رئیس مزدور دبیرستان استقلال بوکان نیز از زمره این عناصر است. وی که عنصری غیربومی و وابسته به رژیم است از بدو فعالیتهای ضد خلقی خود در این دبیرستان هر روز به بهانه های مختلف دانش آموزان را زیر فشار گذارده و در یک مورد بنا اذیت و آزار دانش آموزان، آنها را ملزم نمود که اگر موی سرشان را از ته نتراشند از مدرسه اخراج میشوند. اما دانش آموزان مبارز این دبیرستان از آنجا که همه روزه مجبور به تحمل این عملکردهای سرکوبگرانه و سیستم ضد خلقی آموزش و پرورش رژیم هستند، از این دستور سرپیچی کرده و این مسئله را به موضوعی برای اعتراض یکپارچه

به رژیم تبدیل میکنند. دانش آموزان مبارز این دبیرستان برای نشان دادن خشم و اعتراض انقلابی خود دست به یک راهپیمایی در سطح شهر بوکان زده و از دبیرستان استقلال در خیابان کردستان این شهر تا میدان آزادی و خیابان انقلاب راهپیمایی کرده و سپس در محوطه اداره ضد خلقی آموزش و پرورش بوکان تحصن نمودند و خواست اصلی خود را مبنی بر سرکنساری رئیس سرکوبگر دبیرستان مطرح ساختند. مسئولان اداره آموزش و پرورش نیز که خشم انقلابی و اعتراض یکپارچه دانش آموزان را دیده بودند در هراس از این عمل انقلابی دانش آموزان از موضع خود پائین آمده و رئیس آموزش و پرورش بوکان اعلام میکنند که شما موی سرتان را نتراشید ولی ما هم رئیس مدرسه را اخراج نمیکنیم و بدینترتیب دانش آموزان مبارز دبیرستان استقبال بوکان موفق میشوند که تمهیدات و فشارهای ضد خلقی رئیس مدرسه را خنثی سازند. لازم به تذکر است که راهپیمایی اعتراضی دانش آموزان در سطح شهر بوکان شدیداً مورد استقبال اهالی زحمتکش و محروم این شهر قرار گرفته و مردم این عمل انقلابی

دانش آموزان را به انحاء مختلف مورد تشویق و پشتیبانی قرار میدادند. بطور مثال در میدان انقلاب یک پیرمرد نزدیک صف تظاهرات دانش آموزان شده و با خوشحالی به آنها میگویی قربان شما! فدایتان بشوم. ادامه دهید و به پیش بروید.

● - مزدوران مستقر در پایگاه سرکوبگر رژیم در منطقه باسک سردشت بدلیل کمبودهای تدارکاتی بویژه مواد غذایی به چنان وضع فلاکتباری دچار شده اند که برای تهیه مواد مورد نیاز خود به غارت و چپاول از منازل روستائیان میپردازند. در همین رابطه اخیراً مزدوران به روستای کانی بی، یورش برده و قصد چپاول مواد غذایی از منازل اهالی را داشتند که مردم زحمتکش روستا به مقابله با این مزدوران پرداخته و آنها را در انجام اعمال غارتگرانه خود ناکام گذاشتند.

● - بنا به خبر رسیده در اواسط بهمن ماه عده ای از جاشهای خود فروخته به روستای جلوه واقع در منطقه سوسنایستی سردشت رفته و تحت نام پیشمرگه اقدام به دریافت کمک مالی نمودند ولی اهالی زحمتکش این روستا جاشهای مزدور را شناخته و با هوشیاری نقشه مزدوران را نقش بر آب ساختند. مزدوران که با

مقاومت اهالی روبرو شده بودند با توسل به زور و ضرب و شتم روستائیان، خانه های چندین تن از اهالی را غارت کردند.

● - بر اساس گزارش رسیده مزدوران رژیم جمهوری اسلامی برای برگزاری نمایش ۲۲ بهمن از اهالی سردشت خواستند تا در این نمایش مسخره شرکت نمایند. اهالی مبارز سردشت با شناخت از ماهیت و اهداف مزدوران از برگزاری این نوع نمایشات از شرکت در آن خودداری ورزیده و حتی عده ای، مغازه های خود را نیز نبسته بودند و فقط با اخطار و تهدید مزدوران آنها را بستند. به این ترتیب مزدوران در روز ۲۲ بهمن صرفاً عسده ای از دانش آموزان و کارمندان را توانستند به خیابان بکشانند.

● - پس از درگیری شدیدی که بین ارتش و سپاه در شهر پیرانشهر رخ داد ایادی جمهوری اسلامی برای پیشگیری از چنین وقایعی اقدام به برپایش جلسه ای با شرکت نمایندگان قرارگاه حمزه، استانداری، شهربانی، لشکر ۱۲ ارومیه، سپاه پاسداران، بسیج، کمیته فرماندار و..... نمودند.

مزدوران رژیم در این جلسه پس از یکسری بحث و جدل

زنده باد خلق رزمنده کرده که برای آزادی میجنگد

گرددیده بودند تا کنون از این مراکز فرار کرده اند .

● - در اواسط بهمن ماه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به منظور دستگیری جوانان و اعزام اجباری آنها به جبهه های مرگ و نیستی به شهر بوکان یورش بردند اما جوانان شهر بلافاصله پس از آگاهی از این امر به کوههای اطراف پناه برده و در نتیجه شکارچیان انسان فقط را دستگیر کرده و با خود به پایگاههای نظامی ببرند .

● - ایادی مزدور رژیم با تهدید و فشار از اهالی روستای شیخان از توابع اورامانات خواستند تا روستایشان را تخلیه نمایند. اما علیرغم فشارهای گوناگون مردم این روستا تا کنون در مقابل رژیم مقاومت کرده و روستای فوق را تخلیه نکرده اند .



● - سازمان IV نوامبر طی يك عملیات در آتن پایتخت یونان سیادکس صاحب کارخانه اسلحه - سازی شرکت دارکو را ترور انقلابی نمود . این شخص یکی از ثروتمندترین سرمایه داران یونان بود . در ضمن در ماه گذشته نیز این سازمان یکی از

خانه و کاشانه خود بازگردند .

● - چندی پیش فرمانده مزدور پایگاه سرکوبگر جمهوری اسلامی در روستای سرشیو از توابع سردشت اهالی این روستا را بمنظور بیگاری تحت فشار قرار میدهد و چون یکی از اعضای شورای روستا حاضر به همکاری در این زمینه نمیکردد او را دستگیر میکند . این عمل با اعتراض و مقاومت روستائیان مواجه گشته و اهالی با اعتراض و مقاومت خود نه تنها فرد مزدور را آزاد ساختند بلکه از انجام بیگاری نیز برای نیروهای سرکوبگر خودداری ورزیدند .

● - آوارگان شهر بانه در جهت تامین برخی از خواستهای خود از جمله تامین مایحتاج اولیه شان به قیمت دولتی دست به اعتراض زدند . مزدوران رژیم با مشاهده اعتراضات آوارگان به آنها وعده و وعید داده و اعلام کردند که به خواست آنان رسیدگی خواهند کرد . اما بنیاد مهاجرین این شهر از آن زمان آوارگان را سردانده و میگوید که سهمیه آوارگی تمام شده است .

● - مزدوران رژیم در یکی از روستاهای ناحیه سقز ۱۲ تن را برای اعزام به سربازی دستگیر مینمایند که از این تعداد ۱۱ تن موفق به فرار از چنگ مأموران میگرددند . همچنین ۶۰ تن از افرادی که در پائیز و اوائل زمستان امسال دستگیر شده و به زور روانه مراکز نظامی

بلاخره یکی از مسئولین ستاد عملیاتی این منطقه را مقصر جنگ و دعوای اخیر تشخیص داده او را به منطقه دیگری منتقل نمودند . اما این اقدام نیز تاکنون نتوانسته است تضادهای مزدوران سرکوبگر جمهوری اسلامی را تخفیف دهد و به همین دلیل هم تا اوائل اسفند ماه اعضای هیئت مزبور از جمله ملاحسنی جنایتکار امسالم جمعه ارومیه در بیرانشهر به سر میبردند .

● - چندی پیش در پایگاه دژیانی محور کنه خان بیرانشهر بین مزدوران ارتشی و بسیجی مستقر در این پایگاه برسر تقسیم غذا درگیری روی داد . اینگونه درگیریها بروشنی ناتوانی جمهوری اسلامی را در امر تامین احتیاجات اولیه نیروهای سرکوبگر خودش آشکار میسازد .

● - مدتی پیش عده ای از روستائیان اطراف بیرانشهر که پس از آرد کردن گندمهای خود به روستاهایشان باز میگشتند با مزدوران جمهوری اسلامی مواجه میگرددند . ایادی رژیم تحت عنوان کمک به جبهه های جنگ قصد باجگیری از روستائیان را داشتند که چون با مقاومت آنها مواجه میگرددند با اعمال زور و ضرب و شتم روستائیان کیسه های آرد آنها را که حاصل ماهها درد و رنجشان بسود از آنها گرفته و روستائیان را مجبور میکنند که با دستهای خالی به

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم

شماره ۱۸ - بهمن و اسفند

مستشاران امریکائی را ترور انقلابی نموده بود.

● رژیم بژادپرست افریقای جنوبی فعالیت بیس از ۱۷ سازمان و جریان ضدبژادپرستی و اتحادیه کارگری را ممنوع اعلام کرده است.

● سیاستهای غیردمکراتیک و غیرمسئولانه دفتر پناهندگی سازمان ملل در کراچی و بی اعتنائی آگاهانه مسئولین این سازمان نسبت به زندگی و سرنوشت پناهیویان و پناهندگان موجب مرگ یکی از آوارگان مقیم پاکستان گردید. روز دوازدهم فوریه کاک سردار با بریدن رگ دست خود به حیات خویش خاتمه بخشید، وی در اعتراض به سیاستها و فشارها و پایمال کردن ابتدائی ترین حقوق خود و دیگر پناهندگان و پناهیویان توسط دفتر امور پناهندگی سازمان ملل اقدام به چنین کاری نمود.

در ضمن روز دوشنبه ۱۵ فوریه آوارگان و پناهندگان ایرانی در کراچی جلوی دفتر سازمان ملل دست به یک تجمع اعتراضی زدند. معترضین خواستار آمدن هیئتی از ژنو و یا مراجع ذیصلاح بین المللی برای بررسی وضعیت نابسامان و دهشتناک خود شدند. طی سال گذشته موارد متعددی از خودسوزی، رگ زنی، اعتصاب غذا در پاکستان رخ داده است. مرگ تکان دهنده

کاک سردار بار دیگر افشاگرسیاستهای بغایت غیر مسئولانه دفتر امور پناهندگی سازمان ملل و نشاندهنده این واقعیت است که این قبیل سازمانها بطور جدی در پی حل معضلات و مشکلات فراوان پناهندگان نمیباشند.

● براساس گزارش مطبوعات پاکستان دولت سرکوبگر این کشور ۱۲ تن از پاسدارانی که در مرداد ماه گذشته به دلیل حمله مسلحانه به منارل پناهندگان ایرانی بازداشت شده بودند را آزاد و به جمهوری اسلامی باز گردانده است.

● پلیس جنایتکار ترکیه به منظور شناسائی هرچه بیشتر پناهیویان ایرانی در آن کشور در خیابانهای اطراف دفتر پناهندگی سازمان ملل در آنکارا به گشت زنی پرداخته و با ایجاد مزاحمت برای مراجعین به این دفتر میکوشد با ایجاد فضای رعب و وحشت در میان آوارگان هرگونه صدای اعتراضی را در گلوخفه سازد.

پلیس ترکیه از کسانی که قصد نزدیک شدن به ساختمان دفتر امور پناهندگان سازمان ملل را داشته باشند پاسپورت و یا کارت اقامت در ترکیه را در خواست میکند. لازم به یادآوری است که مسئولین دفتر پناهندگی سازمان ملل در ترکیه نیز با همکاری گسترده و وسیع خود با پلیس ضمن نقض

ابتدائی ترین حقوق پناهندگان، در سرکوب اعتراضات پناهندگان نیز با پلیس همکاری مینمایند.

● - حدود پانصد زندانی سیاسی در سیاهچالهای ترکیه در شهر دیاربکر در اعتراض به رفتارهای وحشیانه مسئولین زندان و تزییقات گوناگون آنها دست

به اعتصاب غذا زدند. زندانیان به اینوسیله به بخشی از مطالبات خود رسیدند و لی متأسفانه یکی از زندانیان بر اثر خون ریزی معده به شهادت رسید.

● - در تاریخ ۱۵ دسامبر گذشته یک جوان پناهنده ایرانی در داخل ساختمان دفتر پناهندگی سازمان ملل متحد در ترکیه به منظور اعتراض به عدم توجه مسئولین این سازمان به درخواستهای طبیعی او با زدن رگ دستش میسأدرت به خودکشی نمود. مسئول دفتر پناهندگی سازمان ملل بجای اینکه اقدامی فوری در جهت نجات جان وی انجام دهد پلیس ضدخلقی ترکیه را خبر نمود که پلیس نیز با تأخیر ۱۵ دقیقه ای به دفتر مزبور مراجعه و بجای رساندن وی به بیمارستان جوان مجروح را با خود به اداره پلیس برد.

● - بگزارش خبرگزاریها دولت مزدور ترکیه ۵۷ تن از پاسداران رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی که حدود دو ماه پیش به قصد نفوذ به خاک عراق وارد خاک ترکیه

حامل سلاح شیمیایی از آلمان غری به آمستردام و سپس به ایران بوده است.

● - اخیراً چریکهای ارتش نوین خلق فیلیپین با حمله به گروه بکه تازان پيشاهنگ ضدچریک که از سوی رژیم برای مقابله و سرکوب نیروهای انقلابی سازمانیافته است ۱۲ تن از این مزدوران را بولاکت رساندند.

● - اخیراً نیروهای جبهه آزادیبخش فاراباندومارتی با حمله متهورانه خود به یکی از پاسگاههای رژیم ضدخلقی السالوادور ۲۰ نفر از مزدوران دولتی را کشته و ۴۵۰ نفر دیگر را مجروح نمودند. این پایگاه در نزدیکی سان سالوادور پایتخت این کشور قرار داشت.

● - چریکهای ارتش آزادیبخش ملی کلمبیا که با دولت مزدور این کشور مبارزه میکنند اعلام کردند که در ارتباط با انتخابات سراسری شهرداران این کشور ۸ شهردار و ۲ گزارشگر را طی يك عملیات نظامی ربوده اند.

x - در جریان تظاهراتی در داکا پایتخت بنگلادش پلیس سرکوبگر این کشور با حمله به تظاهرکنندگان آنفر را کشته و عده ای را مجروح نمود. علیرغم تمامی اقدامات سرکوبگرانه ژنرال ارشاد جنبش توده ها در این کشور هر روز اوج بیشتری میگیرد.

در ضمن در جریان

پزشکی تل آویو بستری گردید.

● - به گزارش خبرگزاریها بزرگترین شرکت هواپیما سازی آلمان غربی، هواپیماهای سیستم ترانسال سه جمهوری اسلامی فروخته است که از آنها برای حمل و نقل و پیاده کردن چترپاز و جنگ افزار استفاده میشود. بعلاوه این شرکت با وساطت شرکت اسپانیایی کاسار ۲۴ هلی کوپتر جنگی سیستم ۱۰۵ به ایران فروخته است.

● - يك انجمن امریکایی حمایت از مصرف کنندگان در آماري که اخیراً منتشر کرده است اعلام کرده که جمهوری اسلامی در دوماهه پایانی سال ۱۹۸۷، شش میلیون و چهارصد هزار بشکه نفت به امریکا فروخته است. براساس آمار این انجمن، نفت خریداری شده توسط کمپانیهای امریکایی از ایران ۷۲٪ از کل واردات نفتی امریکا را تشکیل میدهد.

● - نشریه انگلیسی ابزرور گزارش داد که در اواخر بهمن ماه یکی از مقامات امریکا در مسافرتی مخفیانه به ایران با سران جمهوری اسلامی به بحث و گفتگو پرداخته است.

● دولت هلند اعلام کرد که يك محموله مواد شیمیایی را که قرار بود به جمهوری اسلامی تحویل داده شود توقیف نموده است. مقدار این محموله يك تن برآورد شده که از امریکا بازگرفتی شده بود. مسرکشتی

شده بسودند را به ایران بازگردانده است.

● - چندی پیش یکی از مسئولین رژیم بنام قرائتی به ترکیه سفر کرده و در استانبول و آنکارا مبادرت به سخنرانی برای دانشجویان ایرانی مقیم ترکیه مینماید. در شهر آنکارا تعداد دانشجویان شرکت کننده به حدی کسب بوده است که باعث خشم قرائتی و همراهان سرسپرده اش میگردد. وی از فرط ناراحتی و عصبانیت فریاد میزند که: "این چه سفارتخانه ای است. سفارتخانه های ما در پاکستان و هندوستان دانشجوی به جبهه اعزام میکنند، شما حتی نتوانستید ۲۰ دانشجوی برای سخنرانی جمع کنید" این مسئله باعث گردید که سفیر جمهوری اسلامی طی ارسال نامه هاش برای دانشجویان از آنها علت عدم حضورشان در سخنرانی مزبور را جویا شود.

● - رئیس بخش مرکز پزشکی یکی از دانشگاههای تل آویو گفته است که از سال ۵۷ به بعد دهها تن از عوامل جمهوری اسلامی در این مرکز و سایر بیمارستانهای اسرائیل تحت درمان قرار گرفته اند. نشریه واشنگتن پست ضمن درج خبر مزبور میافزاید: چندی پیش زنی از نزدیکان خمینی جهت مداوا و معالجه به اسرائیل انتقال داده شد و در اطاق ویژه ای در بخش خدمات پزشکی خصوصی ایرانی در مرکز

پیام فدائی

سال دوم

شماره ۱۸ - بهمن و اسفند

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

افکار عمومی را در جهان برعلیه رژیم اسرائیل بسیج کرده است .
● - ۶۰۰۰ نفر از کارگران کارخانه دولتی لندور در انگلستان در شهر بیرمنگام در جهت بهبود شرایط کار خود دست به اعتصاب زدند .

● - بانک لوندز ، یکی از پر قدرت ترین بانکهای انگلستان در سال گذشته با احتساب احتمال عدم بازپرداخت وامهای داده شده به کشورهای تحت سلطه اعلام کرد که حدود ۲۲۸ میلیون لیره استرلینگ ضرر و زیان کرده است .



مختلف فیلم برداری و منعکس گردیده است یکی از این موارد مربوط به صحنه فاجعه باری است که در آن چهار مزدور اسرائیلی دو جوان فلسطینی را اسیر ساخته و با مشت و لگد و باطوم آنها را شدیداً مورد ضرب و شتم قرار میدهند ولی به این امر بسنده نکرده و برای اطفای کینه فاشیستی خویش به شکستن استخوانهای آنها از طریق وارد آوردن ضربات متوالی با سنگ میپردازند .
نمایش جنین صحنه های فاجعه باری از اعمال ننگین ارتش مزدور اسرائیل در حق خلق ستمدیده و مبارز فلسطین ،

برگزاری انتخابات پارلمانی در بنگلادش که بنا به گزارش خبرگزاریها تنها یک درصد از مردم دارای حق رای ، در آن شرکت کرده بودند در اثر خشونتها ۱۲ نفر جان خود را از دست دادند .

● - مبارزین تامیل با منفجر کردن یک کامیون نظامی ۵ تن از سربازان ارتشش سرکوبگر هندوستان را بهلاکت رساندند . در ضمن یک سرباز سریلانکاش که گفته میشود از اعضای گروه بیرهای آزادیبخش تامیل بوده است با حمله به همقطاران خود ۸ تن از جمله یک افسر مزدور را مجروح نمود .

● - مبارزه پرشکوه خلق رزمنده فلسطین در جهت کسب حق تعیین سرنوشت خویش در سطح گسترده و با شدت هرچه تمامتر همچنان تداوم یافته و به پیش میرود .
در این میان نیروهای سرکوبگر اسرائیلی به چنان وحشیگریهاش در مقابله با جنبش عادلانه خلق قهرمان فلسطین دست میزنند که قبل از هر چیز افشاگر چهره جنایت پیشه رژیم اسرائیل و بیانگر استیصال و درماندگی او در مقابل جنبش حق طلبانه خلق قهرمان فلسطین میباشد .

در جریان مبارزات اخیر این خلق ، مواردی از صحنه های حماسی مردم و همچنین صحنه هایش از اعمال وحشیانه ارتش اسرائیل توسط خبرگزاریهای

تصحیح و آموزش

در شماره های ۱۶ و ۱۷ پیام فدائی این اغلاط وجود دارد که بدینوسیله آنها را تصحیح مینمائیم .

صفحه	ستون	غلط	صحیح
۱۶ :	۱	در صفحات دیگر	نام انگلس
	۹	۱	طرفداران
	۲۶	۲	تعیین حق
	۳۰	۱۴	حجت الاسلام
	۳۰	۲۳	خام شان
	۳۷	۷	به تعویق
	۳۷	۱۲	موجب
۱۷ :	۱	—	فائله
	۱۴	۱۱	خواهد بود
	۱۵	آخر	آوردند
	۱۸	۹	نصبت
	۲۷	۶	معامله
	۲۷	۱۵	توجیهی
	۲۸	۲۱	می بینند
	۳۰	۱۲	و در محاصر محل
	۳۲	۲۸	روستائیان
	۳۴	۱۷	جنت و جت
	۳۴	۲۸	عدمای دیگر
	۴	۸	قرار

روز شمار بهمن و اسفند

- ۱۱/۱/ درگذشت لنین (۱۹۲۴)
- ۱۱/۱/ درگذشت عارف قزوینی
- ۱۱/۱/ حمله چتربازان به دانشگاه تهران
- ۱۱/۲/ تشکیل جمهوری خودمختار کردستان (آی ریپندان)
- ۱۱/۸/ کشتار مردم تهران توسط بختیار
- ۱۱/۱۱/ شهادت مجاهد خلق احمد رضائی اولین شهید سازمان مجاهدین
- ۱۱/۱۴/ شهادت رفیق مبارز دکتر تقی ارانی
- ۱۱/۱۵/ تیراندازی ناصر فخرآرائی بسوی شاه مزدور
- ۱۱/۱۸/ پایان ماموریت ژنرال هوپزر آمریکائی در ایران
- ۱۱/۱۸/ دستگیری رهبران شورای دهقانی ترکمن صرا
- ۱۱/۱۹/ رستاخیز سیاهکل و آغاز جنبش مسلحانه در ایران
- ۱۱/۲۱/ قیام شکوهمند خلق و شرکت سازمان چریکهای فدائی خلق در آن
- ۱۱/۲۲/ ادامه قیام خونین بهمن
- ۱۱/۲۹/ شهادت رفقا خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان
- ۱۱/۲۹/ شهادت رهبران شورای دهقانی ترکمن صرا
رفقا : محمد درخشنده توماج ، عبدالحکیم مختوم ، طواق محمد واحدی و حسین جرجانی

جمهوری اسلامی و درمان ...

از صفحه ۵۵

جنایتکار رژیم تصمیم گرفته اند همان حداقل امکانات درمانی و بهداشتی کردستان را نیز با کاستن چشمگیر از بودجه ناچیز آن از بین برده و به خدمت دستگاه سرکوب خویش درآورند . بی شک توده های ستمدیده و محروم و بیباخته کردستان در جریان بیش از ۸ سال مبارزه فخرآمیز و تحمل مشقات و محرومیت های فراوان ، امروز بیش از هر زمان دیگری پس برده اند که چهره تمامی این دردها و مشکلات همچون گذشته در تداوم حمایت بیدریغ از فرزندان مسلح پیشمرگه شان میباشد که با مبارزه مسلحانه انقلابی به سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی این حافظ نظام ستمگرانه سرمایه داری وابسته یعنی باعث و بنانی تمامی تضییقات و نابسامانیهای خلقهای محروم کمر بسته و سرانجام ، این مبارزه را در پیوند با جنبش انقلابی سراسری به ثمر خواهند نشاند .



- ۱۲/۲/ کودتای رضاخان مزدور
- ۱۲/۱۱/ تشکیل کنگره موسس انترناسیونال سوم ۱۹۱۹
- ۱۲/۱۱/۵۰ شهادت چریکهای فدائی خلق رفقای کبیر : مسعود احمدزاده هروی ، عباس مفتاحی (از بنیانگذاران سازمان) و رفقا : مجید احمدزاده هروی ، اسدالله مفتاحی ، غلامرضا گلوی ، حمید توکلی
- ۱۲/۱۲/۵۲ اعدام انقلابی سروان نوروزی رئیس گارد دانشگاه توسط چریکهای فدائی خلق
- ۱۲/۱۲/ درگذشت رفیق استالین ۱۹۵۲
- ۱۲/۱۲/ ۶۰ شهادت رفیق عبدالرحیم صبوری از رهبران چریکهای فدائی خلق (آرخا)
- ۱۲/۱۳/۱۲۴۵ درگذشت محمد مصدق
- ۱۲/۱۳/۱۲۵۷ اعتصاب کارگران نفت
- ۱۲/۱۴/ تولد روزالوکزامبورگ ۱۸۷۱
- ۱۲/۱۵/ اعدام انقلابی عباس شهریاری خاشن توسط چریکهای فدائی خلق
- ۱۲/۱۷/ روز جهانی زن (۸ مارس)
- ۱۲/۲۲/ درگذشت کارل مارکس اندیشمند کبیر پرولتاریا ۱۸۸۲
- ۱۲/۲۴/ شهادت روزنامه نگار مردمی کریم پور شیرازی
- ۱۲/۲۹/۱۲۲۹ ملی شدن صنعت نفت

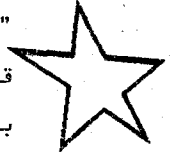
پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم

شماره ۱۸ - بهمن و اسفند

"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق
 قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را
 برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است،
 به پیش رویم!"
 (ما فو تسه دون)



- ۵۰/۱۲/۱۱ اسدالله مفتاحی
- ۵۰/۱۲/۱۱ مجید احمدزاده هروی
- ۵۰/۱۲/۱۱ غلامرضا گلوی
- ۵۰/۱۲/۱۱ حمید توکلی
- ۵۰/۱۲/۱۲ بهمن آژنگ
- ۵۰/۱۲/۱۲ سعید آریان

عبدالکریم حاجیان سه پله

- ۵۰/۱۲/۱۲ مهدی سوالونی
- ۵۰/۱۲/۲۲ علیرضا نابدل
- ۵۰/۱۲/۲۲ یحیی امین نیا
- ۵۰/۱۲/۲۲ جعفر اردبیلی
- ۵۰/۱۲/۲۲ مناف فلکی
- ۵۰/۱۲/۲۲ محمد تقی زاده
- ۵۰/۱۲/۲۲ اصغر عرب هریسی
- ۵۰/۱۲/۲۲ اکبر مؤید
- ۵۰/۱۲/۲۲ علی نقی آرش
- ۵۰/۱۲/۲۲ حسن سرکاری
- ۵۲/۱۲/۱۲ مجتبی خرم آبادی
- عبدالرضا کلانتر نیستانی

شهدای بهمن و اسفند

چریکهای فدائی خلق ایران

رفقا:

- | | | | |
|----------|-----------------------------|------------|---------------------|
| ۶۳/۱۱/۲۸ | مهرداد اردلان | ۵۱/ ۱۱/ ۲۲ | بهروز عبیدی |
| | ★ ★ ★ | ۵۱/ ۱۱/ ۲۲ | پوران یدالهی |
| ۳۹/۱۲/۱ | محمد اسحاقی | ۵۲/ ۱۱/ ۱۷ | یوسف زرکار |
| ۳۹/۱۲/۱ | محمد رحیم سماش | ۵۲/ ۱۱/ ۱۷ | کاووس رهگذر |
| | علی اکبر صفائی فراهانی | | ابراهیم پوررضا خلیق |
| ۳۹/۱۲/۲۶ | | ۵۲/ ۱۱ / ۱ | |
| ۳۹/۱۲/۲۶ | احمد فرهودی | ۵۲/ ۱۱/ ۱ | سعید پایان |
| ۳۹/۱۲/۲۶ | محمد علی محدث قندچی | ۵۲/ ۱۱/ ۶ | فاطمه افدرنیا |
| | ناصر سیف دلیل صفائی | | مجید پیرزاده جهرمی |
| ۳۹/۱۲/۲۶ | | ۵۲/ ۱۱/ ۶ | |
| | هادی بنده خدا لنگرودی | ۵۲/ ۱۱/ ۶ | جعفر محتشمی |
| ۳۹/۱۲/۲۶ | | ۵۲/ ۱۱/ ۶ | مسعود پرورش |
| ۳۹/۱۲/۲۶ | شعاع الدین مشیدی | ۵۲/ ۱۱/ ۶ | مصطفی دقیق همدانی |
| ۳۹/۱۲/۲۶ | اسکندر رحیمی | ۵۲/۱۱/۱۸ | حمید مؤمنی |
| | غفور حسن پور اصیل شیرجوپشتی | ۵۵/۱۱/ ۶ | انوشه فضیلت کلام |
| ۳۹/۱۲/۲۶ | | ۵۵/۱۱/ ۹ | کیومرث سنجری |
| ۳۹/۱۲/۲۶ | محمد هادی فاضلی | ۵۵/۱۱/۱۲ | حسین چوخاچی |
| ۳۹/۱۲/۲۶ | عباس دانش بهزادی | ۵۷/۱۱/۲۲ | قاسم سیادتی |
| ۳۹/۱۲/۲۶ | هوشنگ نیری | ۵۷/۱۱/۲۲ | بابک سیلانی |
| ۳۹/۱۲/۲۶ | جلیل انفرادی | ۵۷/۱۱/۲۲ | خسرو پناهی |
| ۵۰/۱۲/۱۱ | مسعود احمدزاده هروی | ۵۷/۱۱/۲۲ | مهدی اقتدارمنش |
| ۵۰/۱۲/۱۱ | عباس مفتاحی | ۵۷/۱۱/۲۲ | محمد جواد عرفانیان |



هوجه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

پیام فدائی

سال دوم

شماره ۱۸ - بهمن و اسفند

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران



با ایمان به نابودی امپریالیسم و سگهای زنجیریش ،
 با ایمان به سرنوشتی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ،
 با ایمان به نابودی جنگ امپریالیستی و برقراری صلحی دمکراتیک ،
 و با ایمان به پیروزی راهمان
 نوروزتان پیروز !

چریکهای فدائی خلق ایران



کارل مارکس

اندیشمند بزرگ پرولتاریا، نابغه ای که توانست
 پایه دستاوردهای علمی گذشته سیستم نظری
 و آموزشی راهنمای همیشه زنده پرولتاریا را
 بنیان گذارد .

گرامی باد ۱۷ اسفند (۸ مارس) روز جهانی زن

شدن ساعات کار روزانه برای خود
 و کودکان، عدم اشتغال کودکان
 به کار و در نظر گرفتن حق رای
 برای زنان شدند .
 تظاهرات قهرمانانه زنان
 کارگر در نیویورک یکی از
 مهمترین حرکات مستقل اعتراضی
 در صفحه ۳۰

هشتم مارس ، ۱۷ اسفند روز
 همبستگی زنان کارگر و زحمتکش
 سراسر جهان است .
 هشتادسال پیش در
 هشتم مارس ۱۹۰۸ هزاران کارگر
 زن صنایع نساجی امریکای
 تظاهرات با شکوهی که در شهر
 نیویورک برپا نمودند خواستار کم

بیادشهادای جاوید ۱۱ اسفند

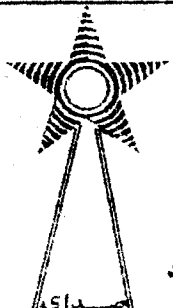
۱۱ اسفند مصداق است با
 شانزدهمین سالگرد شهادت
 تنی چند از اعضای برجسته سازمان
 چریکهای فدائی خلق و از جمله
 دو تن از بنیانگذاران کبیر آن
 رفقا مسعود احمدزاده و عباس
 مفتاحی .

رفقای کیسرو
 مسعود احمدزاده و عباس مفتاحی
 به همراه رفقا مجید احمدزاده ،
 اسدالله مفتاحی ، حمید توکلی ،
 غلامرضا گلوی پس از تحمل
 طاقت فرساترین شکنجه های
 قرون وسطائی دژخیمان شاه با
 لبانی بسته و قلبهای پر امید
 در سینه دم یازده اسفند در
 میدان جیتگر توسط رژیم شاه به
 جوخه های اعدام سپرده شدند و
 در صفحه ۲۹

با کمکهای مالی خود
 چریکهای فدائی خلق ایران
 را یاری رسانید

در تکثیر آثار سازمانی بکوشید

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران
 با نشانی های زیر مکاتبه کنید:



ساعات پخش :

۹ شب و

۶ ر صبح و ۱۲ ظهر روز بعد

ردیف ۷۵ متر

صدای
چریکهای فدائی خلق ایران

انگلستان فرانسه

F.S
 B.P-181
 75623 PARIS
 CEDEX 13
 FRANCE

BM BOX 5051
 LONDON
 WC1N 3XX
 ENGLAND

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!